

معمای دلار

با فرض توافق احتمالی وین، باید دید، قلاب ارز در کدام کانال می‌افتد و سرانجام چه تحلیل‌هایی درست از آب درمی‌آید. فعالان بازار ارز معتقدند، کف قیمت دلار کانال ۲۵ هزار تومان است و بر اساس تحلیل تکنیکال ورود ارز به پایین‌تر از این نرخ امکانپذیر نیست. گروهی دیگر، اما چنین تحلیل‌هایی را نمی‌پذیرند و ۲۰ هزار تومان را آینده قیمتی دلار می‌دانند. برخی تحلیلگران هم پیش‌بینی می‌کنند، نرخ دلار در نقطه ۲۴ هزار تومان لنگر می‌اندازد.



نسخه اقتصاد ۱۴۰۱

با گفته‌ها و نوشته‌هایی از: سیدکمال سید علی
مهدی کرباسیان، مرتضی افقه، ایرج توتونچیان، حسین حقگو و...





سازمان منطقه آزاد انزلی

Anzali Trade Industrial Free Zone

منطقه آزاد انزلی، نقطه اتصال کریدورهای بین المللی، هاب ارتباطی با اوراسیا



 [anzalifz_ir](https://www.instagram.com/anzalifz_ir)
www.anzalifz.ir
E-mail : info@Anzali-fz.org

بازار پول

سرمقاله

سناریوهای ارزی ۱۴۰۱

بخش اول: اقتصاد

مسیر خروج از بن بست های اقتصادی
نسخه علاج اقتصاد بیمار ایران
ترمیم کابینه اولویت ۱۴۰۱
اگر همین فردا توافق شود!

بخش دوم: بازار ارز

دلار؛ این راز سر به مهر!
توقف در ایستگاه ۲۴
شاخص تعیین کننده نرخ ارز

بخش سوم: بازار سرمایه

بورس آرام می گیرد؟
دلایل بازدهی منفی صنایع بورسی
اثر مذاکرات بر جامی بر بورس
آینده بورس به کجا می رسد؟
نمودار بازدهی بازارهای مالی

بخش چهارم: تجارت خارجی

توفیق اجباری صادرات نفت
نسخه پساتحریمی تجارت
رئییسی چراغ توسعه را روشن کند
مسیر جدید برای رسوب زدایی کالا
قفل تجارت باز شد

بخش پایانی

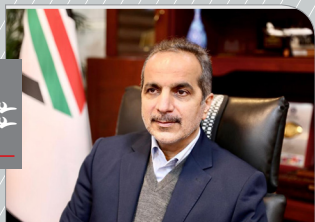
قیمت مسکن بر سر سهراهی
غولهای جاده مخصوص درجا زدند



۱۲



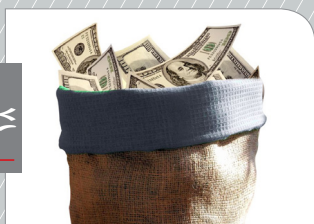
۱۰



۴۴



۲۱



۱۸



شماره نخست

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرشته فریادرس

سردبیر: فرشته فریادرس

مدیر هنری: امیر عباس امامی

صفحه آرایی و امور هنری: محمد سیدی

همکاران این شماره: سعید ترکشوند، فائزه طاهری

علی رضائی، مهسا تحصیلی، نسترن ساکی، رقیه ندایی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میر عماد

کوچه دوم، پلاک ۲، واحد ۸

تلفن: ۰۹۳۸۹۸۹۳۱۴۲ - ۸۸۱۷۶۵۸۱

چاپ: نگار نقشی

بخش اکهی ها: ۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

برای اشتراک بازار پول با شماره

۰۹۲۲۶۳۳۸۷۳۱

تماس بگیرید

سناریوهای ارزی ۱۴۰۱



سید کمال سید علی
معاون ارزی پیشین
بانک مرکزی

نهایی میان ایران و کشور عضو برجام امکانات زیادی برای ما از جمله آزاد سازی منابع بلوکه شده ارزی و همینطور افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت محقق خواهد شد، مسئله‌ای که تاکنون نشانه‌های خود را به شکل شروع مذاکرات مقامات دو کشور ایران و ژاپن برای از سرگیری گفت و گوها به منظور صادرات مجدد نفت ایران نشان داده است.

در چنین شرایطی سیاست گذار در حوزه ارز چند راهکار را پیش روی خود دارد؛ نخست استفاده از دو منبع ارزی حاصل از صادرات نفت و همینطور منابع آزاد شده از بانک‌های خارجی است که در چنین شرایطی دولت ارزهای حاصل از صادرات نفت را به بانک مرکزی یا بازار عرضه کرده و در نهایت با افزایش نقدینگی که به واسطه کسری بودجه ایجاد شده است را جبران می‌کند، سپس با هدایت درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت، در زمان پس‌اتوافق، قیمت ارز را کمی به عقب می‌راند. مطمئناً مضاف بر این مسئله اگر منابع آزاد شده هم از سوی سیاستگذاران به بازار ارز تزریق شود، زمینه‌های لازم برای کاهش شدید نرخ ارز و افزایش واردات کالا نیز به وجود خواهد آمد. با تحقق چنین شرایطی قیمت ارز از نقطه تعادل خود دور شده و با ریزش غیرمنطقی باعث افزایش میل فعالان اقتصادی به واردات و امتناع از صادرات می‌شود؛ سناریویی که در نهایت تراز منفی تجاری را در پایان سال آینده برای اقتصاد کشور به ارمغان خواهد آورد. از این منظر، با افزایش واردات درآمد ارزی ناشی از صادرات نیز کاهش پیدا کرد، در چنین شرایطی با افزایش روز افزون خرید ارز برای واردات، بازار ارز متحمل یک فشار غیر واقعی شده که در نهایت خود را به شکل افزایش مجدد نرخ ارز در بازار نشان می‌دهد. در راهکار بعدی بازار ارز تنها از محل ارزهای ناشی از صادرات نفتی تغذیه خواهد کرد؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیران ارشد نظام اقتصادی کشور به این نتیجه خواهند رسید که منابع

طی سال‌های اخیر بازار ارز و نظام بانکی کشور به دلیل اعمال تحریم‌های بین‌المللی سنگین اقتصادی دچار مشکلات عدیده‌ای شده است که در میان آنها می‌توان به بروز نوسانات شدید نرخ ارز و مشکلات

ناشی از این بی‌ثباتی برای فعالان اقتصادی، بعنوان یکی آثار ملموس این تحریم‌ها بر اقتصاد کشور نام برد.

در طول این سال‌ها شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای رقم خورده است که دو مولفه نوسان نرخ ارز و همینطور شاخص اقتصادی تورم، رابطه‌ای دوسویه‌ایی با یکدیگر پیدا کرده‌اند، هر چند که نوسان نرخ ارز نیز خود معلول تورم محسوب می‌شود. مطمئناً در صورت تحقق یک توافق



آزاد شده از بانک‌های خارجی رابه عنوان منابع ذخیره در سیستم بانکی کشور فریز کنند که تحت این شرایط در کوتاه‌مدت با توجه به افزایش فروش نفت و افزایش درآمدهای نفتی، به طور طبیعی نرخ ارز کاهش پیدا کرده و انتظارات تورمی نیز کاهشی می‌شود. اما در بلندمدت به دلیل رشد نقدینگی که طی سال‌ها وجود داشته از یک سو و تراز تجاری منفی از سوی دیگر، نرخ ارز پس از مدتی مجدداً افزایش می‌شود.

علاوه بر راهکارهای مذکور، تصمیم‌گیران اقتصادی به جز استفاده حداکثری از دو منبع ارزی و یا استفاده از یکی از این منابع می‌تواند استفاده از دو منبع ارزی آزاد شده و همینطور درآمدهای ناشی از فروش نفت به نحوه بهینه‌ای استفاده کند. به این شکل که دولت درآمدهای حاصل از نفت و نفت وارد بازار ارز می‌کند، اما به منظور ایجاد تعادل در تجارت خارجی کشور یک آلترناتیو ارزی را با استفاده از منابع ارزی بلوکه شده تعیین می‌کند. به عبارتی دیگر، طی این رویکرد بانک مرکزی به عنوان یکی از سیاستگذاران بازار ارز کم‌کم از لنگر گذاری ارزی فاصله گرفته و به سمت هدف گذاری تورمی حرکت می‌کند. به بیان دیگر، هم از جریان ارزی فروش دارایی نفتی استفاده می‌کند، هم از منابع بلوکه شده؛ اما از منابع بلوکه شده به نحوی استفاده می‌کند که نوسانات قیمتی بازار ارز را مدیریت کرده و از سوی دیگر، نرخ ارز را در کریدور هدف خود مدیریت کند. بر همین اساس، نحوه مدیریت بازار ارز تنها بخشی از اقدامات مهم نهادهای اقتصادی همچون بانک مرکزی در روزهای پسابرجامی است؛ چرا که در صورت رفع محدودیت منابع ارزی ایران، این نیاز در اقتصاد کشور به وجود خواهد آمد که سیستم بانکی ایران هر چه سریع‌تر خود را با نظام بانک دیگر کشورها هماهنگ سازد. آنچه که برای اقتصاد کشورمان به ویژه برای نظام بانکی کشور پس از وصول یک توافق نهایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تهیه و تدوین یک برنامه منسجم و در عین حال حساب شده‌ای از سوی سیاست‌گذاران اقتصادی برای الحاق ایران به لوائح سه‌گانه FATF و خروج ایران از لیست سیاه این سازمان است؛ چرا که در صورت تعلیق تحریم‌ها و افزایش ورود منابع ارزی به کشور، این امکان باید

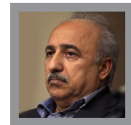


وجود داشته باشد که تمامی این منابع بدون هیچ خطری و از طریق سیستم بانکی وارد چرخه اقتصاد کشور، به ویژه بازار ارز کشور شود. مطمئناً در صورت اتصال مجدد نظام بانکی ایران به سوئیفت این امکان برای ما محقق می‌شود که بخش‌های مهمی اقتصاد کشور این شرایط را داشته باشند که با جذب سرمایه و همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های نفتی، عمرانی، صنعتی با دیگر کشورها و یا شرکت‌های بین‌المللی قراردادهای بین‌المللی را در قالب «فایناس» «یوآانس» و در نهایت «ری فایناس» منعقد کند.

در پایان مسئله‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که سیاستگذاران ارشد کشور باید از فرصت به دست آمده از رفع تحریم‌ها حداکثر استفاده را برای ایجاد اصلاحات گسترده در نظام بانکی کشور داشته باشند، به بیان ساده‌تر این افراد و به ویژه بانک مرکزی راهبردهایی را به مرحله اجرا درآورد که بتواند از طریق آن در ساختار سیستم بانکی کشور از وضعیت فعلی خود دور شده و با رویکردی نوین، خود را برای توسعه تعامل و گسترش مناسبات اقتصادی و کارگزاری با دیگر بانک‌های بین‌المللی آماده کند.

**آنچه که برای اقتصاد
به ویژه برای نظام
بانکی کشور پس از
وصول یک توافق
نهایی از اهمیت ویژه‌ای
برخوردار است، الحاق
ایران به لوائح سه‌گانه
FATF و خروج ایران از
لیست سیاه این سازمان
است**

مسیر خروج از بن بست‌های اقتصادی



مرتضی افشه
اقتصاددان

اول ریاست جمهوری احمدی نژاد، از حمایت همه ارکان نظام برای تحقق وعده‌های خود در جهت رفاه جامعه برخوردار است و برخلاف دولت‌های اصلاح طلب و میانه‌روی «خاتمی» و «روحانی»، برای تحقق وعده‌های خود با هیچ مانع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در داخل روبرو نیست. بنابراین با توجه به وعده‌های قبل و بعد از انتخابات رئیس جمهور و کابینه‌اش، مردم انتظار دارند در سال آینده زمینه رونق بسیاری از شاخص‌های اقتصادی همچون تولید ملی، سرمایه‌گذاری، اشتغال، شاخص قیمت‌ها فراهم گردد. بنابراین با رفع تحریم‌ها، دستیابی به این اهداف قاعدتاً با هیچ مانع داخلی و خارجی به خوبی امکان پذیر است مگر آنکه دولت فعلی همچون احمدی نژاد با ورود به اقدامات حاشیه‌ایی و غیرضرور چه در داخل و یا خارج، کشور و مردم را با فرصت‌سوزی و قدرشناسی، از دستیابی به پیشرفت و رفاه در همه ابعاد محروم کند. از جمله مسائل و موضوعات حاشیه‌ایی که مانع از بهره‌مندی از این فرصت تاریخی می‌گردد، می‌توان به بی‌تدبیری‌های اشاره کرد که تنش‌های داخلی و خارجی دامن‌بزند: «مثل همین طرح به اصطلاح صیانت».

اما برای بهره‌مندی از فرصت استثنائی پس از رفع تحریم‌ها اگر اقدامات و تصمیمات زیر انجام نشود، نمی‌توان انتظار برون رفت کشور و جامعه از

همانگونه که در نوشته‌های پیشین مکرر بیان کرده بودم، دستیابی به توافق احیای برجام هم برای ایران به دلیل مشکلات و تنگناهای شدید اقتصادی و هم برای طرف‌های غربی به دلیل ملاحظات خود، اجتناب‌ناپذیر است. هر چند هر دو طرف با آگاهی از این مسئله، تلاش کرده‌اند، نهایت امتیازگیری از طرف مقابل را داشته باشند، اما به هر حال با نزدیک شدن به پایان سال، به نظر می‌رسد طرفین در حال امضای توافق هستند. با این وصف، شرط جدید روسیه برای طرف امریکائی، توافقی که به اذعان همه طرف‌ها در آستانه نهائی شدن بود، دوباره با مانع جدیدی مواجه و باعث شده که گفت‌وگوها متوقف شوند. به همین دلیل لازم است شرایط آتی اقتصاد ایران را با در نظر گرفتن دو سناریو بررسی کنیم. سناریوی نخست: «عدم توافق و شکست مذاکرات و در نتیجه تداوم تحریم‌ها.» و سناریوی دوم: «انجام توافق نهائی احیاء برجام.»

در صورتیکه مذاکرات شکست بخورد و تحریم‌ها تداوم یابد، نه تنها بهبودی در شرایط فعلی قابل تصور نیست، بلکه باید منتظر تشدید مشکلات اقتصادی اجتماعی جامعه نیز بود. اما اگر توافق حاصل شود، انجام امضاء توافق FATF به عنوان اقدامی مکمل ضروری است تا امکان بهره‌برداری از نتایج توافق امکان پذیر گردد در غیراینصورت، حتی اگر مبادلات مالی و پولی با خارج به صورت غیررسمی نیز انجام شود، قیمت کالاها و وارداتی گران‌تر به دست مصرف‌کننده داخلی خواهد رسید. با این وصف، در صورت توافق، نتیجه فوری، آزاد شدن ارزهای بلوکه شده در خارج است که می‌تواند بخشی از کمبودهای ارزی دولت برای کاهش فشارهای اقتصادی بر مردم در آستانه سال نورا مرتفع کند. به هر حال، در صورت رفع کامل تحریم‌های اقتصادی و نیز امکان انجام مبادلات ارزی و مالی، مدتی طول خواهد کشید تا ایران بتواند بازارهای از دست رفته را به سرعت باز یابد. برای این منظور و براساس تجربه مشابه در نیمه اول دهه ۹۰، احتمالاً ناچار خواهد بود برای بازگرداندن بازارهای خود، نفت را با قیمتی کمتر از نرخ بازار عرضه کند.

اما به نظر می‌رسد دولت‌های اصولگرا، در مورد درآمدهای نفتی بسیار خوش شانس هستند. هم در دوره احمدی نژاد که بیشترین درآمدهای نفتی تا آن زمان نصیب دولت شد، و هم در زمان فعلی که نفت به دلایل بین‌المللی به بالاترین قیمت تاریخ خود نزدیک می‌شود، این امکان را به دولت می‌دهد تا بسیاری از مشکلات اقتصادی را رفع کند. بنابراین در صورت رفع تحریم‌ها و با توجه به درآمدهای بی‌نظیر نفتی، می‌توان گفت که دولت رئیسی هم در بهترین شرایط تاریخ بعد از انقلاب برای دستیابی به افزایش رفاه اقتصادی و غیراقتصادی مردم و جامعه قرار دارد. علاوه بر بالاترین درآمد نفتی، دولت رئیسی همچون دور

تصمیم‌گیران و مجریان نظام، الزاماً براساس توان و شایستگی نیست بلکه براساس ویژگی‌های (عمدتاً ظاهری) ایدئولوژیک است.

۵. بنابراین، اگر تمایل و قصد جدی برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، باید تنگ نظری و محدودنگری‌های ایدئولوژیک در انتخاب و گزینش تصمیم‌گیران و مجریان در همه رده‌های حاکمیتی رفع گردد. ملاک شایستگی البته باید براساس تخصص‌های علمی، حرفه‌ای و تجربی در جهت بهبود سطح رفاه جامعه و مردم کشور باشد. ۶. در همین راستا، باید رانت‌هایی که با عنوان سهمیه در انتخاب و انتصاب و گزینش مدیران و کارکنان حاکمیتی و نیز در ورود به دانشگاه در نظر گرفته شده، رفع شود. این امر البته به معنی فراموش کردن ایثار و از خودگذشتگی افرادی که از جان و مال و فرصت‌های خود در راه دفاع از وطن گذشته‌اند، نیست. بدون تردید بخشی از فداکاری و از خودگذشتگی این گروه از افراد باید با امتیازات مالی و غیرمالی جبران گردد. با این وصف، در شرایط برابر می‌توان اولویت را به افراد و خانواده‌هایی داد که به دلیل فداکاری و ایثار در دفاع از وطن نتوانسته‌اند، همپای دیگران از فرصت‌ها استفاده کنند.

بنابراین، اگر ساختارهای ضد تولید و ضد توسعه بیان شده در بالا به طور ریشه‌ای اصلاح نشوند، نمی‌توان انتظار داشت معضلات و مشکلات پیچیده و مزمن اقتصادی و اجتماعی موجود به طور اساسی و دائمی حل شوند و تنها با تداوم وابستگی به درآمدهای نفتی تنها بخشی از مشکلات آن‌هم به صورت موقت حل می‌شوند. به عبارت دیگر، بی‌اعتنائی به حل ریشه‌ای مشکلات، استقلال سیاسی کشور همچنان در معرض تهدید قرار می‌گیرد و اقتصاد وابسته کشور در مقابل تحریم‌های خارجی یا حوادث طبیعی داخلی آسیب‌پذیر و شکننده باقی خواهند ماند.



مشکلات مزمن و فراگیر فعلی را به صورت کامل و دائم داشت.

۱. مشکلات فعلی اگرچه نمود اقتصادی دارند، اما چون ریشه‌های غیراقتصادی دارند، بدون انجام تحولات عمیق در ساختارهای فکری و فلسفی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل حل نخواهند بود. بنابراین، برای خروج از بن‌بست‌های فعلی، همه‌ارکان نظام باید تغییر و تحولاتی اساسی در بینش و نگرش و نیز در تصمیمات و اقدامات خود ایجاد کنند.

۲. اگر این گزاره را بپذیریم، برای قرار گرفتن در جاده توسعه، کل حاکمیت باید این تحولات را مبنای تصمیم و عمل خود قرار دهد. بنابراین، مخاطب قرار دادن دولت و قوه مجریه برای حل مشکلات و معضلات مزمن اقتصادی در بهترین حالت، درصد کمی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی را حل خواهد کرد آن‌هم به صورت موقت.

۳. با توجه به دوبرند فوق، می‌توان ادعا کرد که ریشه اصلی مشکلات اقتصادی و دلیل ناکامی در رفع آن‌ها طی چهاردهه گذشته شده، نظام ارزشی حاکم بر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور است. توضیح آنکه، به نظر می‌رسد در بینش و نگرش تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور، معیشت و رفاه اقتصادی مردم و جامعه جزو اولویت اصلی و اساسی (در مقایسه با اولویت‌ها و ارزش‌های غیراقتصادی ایدئولوژیک) نیست؛ بر همین مبنا، تخصیص منابع کشور (انسانی، مالی و طبیعی) به گونه‌ای است که زمینه حل معضلات اقتصادی و اجتماعی مردم قابل رفع به صورت کامل فراهم نخواهد شد.

۴. در بستر چنین نظام ارزشی غیرتولیدی و غیر توسعه‌ای است که نظام نظام انتخاب، انتصاب و گزینش کلیه تصمیم‌گیران و مجریان در همه‌ارکان حاکمیت براساس معیارهای ایدئولوژیک و نه شایستگی‌هایی که موجب پیشرفت و رفاه جامعه شوند، شکل می‌گیرد. به زبان ساده، انتخاب، انتصاب و گزینش کلیه

محمود جام‌ساز اقتصاددان در گفت و گو با «بازار پول»:

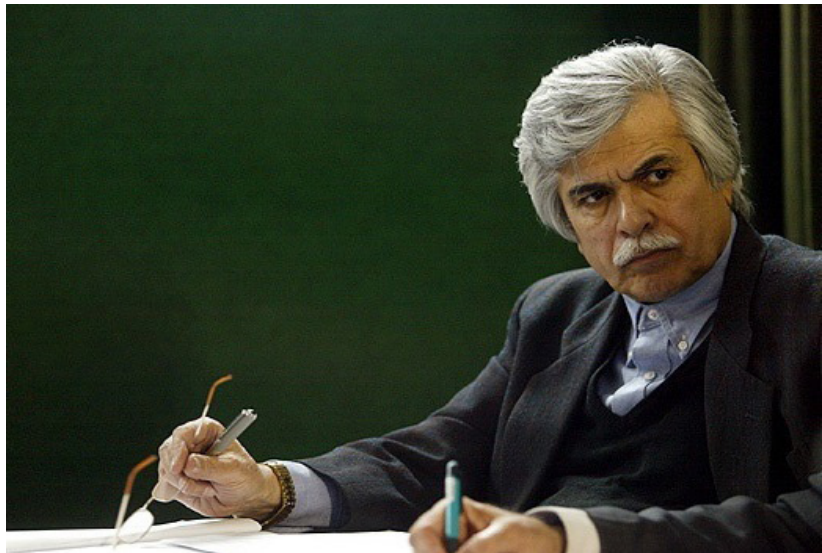
نسخه‌علاج اقتصاد بیمار ایران

«وضعیت نابسامان اقتصاد کشور مهم‌ترین مسأله‌ای است که طی چهار دهه به شدت تضعیف و شکننده شده است و از لحاظ شاخص‌های تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری ثابت به نحو اسفباری نزول کرده ایم.» این را محمود جام‌ساز اقتصاددان می‌گوید. او معتقد است، مسئولین گذشته و حال این عقب‌ماندگی و بی‌ثباتی اقتصادی را معلول تحریم‌ها می‌دانند. اما پرسش این است که پس از رفع تحریم‌ها دولت چه رویکرد راهبردی نسبت به اقتصاد کشور در پیش خواهد گرفت آیا استراتژی مؤثری با هدف ساماندهی اقتصاد و بهبود وضعیت معیشت و رفاه آحاد جامعه از پیش تدوین شده است؟ یا دولت طبق رویه‌های پیشین خود با برخورداری از عطش هزینه‌کرد و پول‌پاشی در داخل کشور چه در قالب پرداخت یارانه در جهت رضایت‌بخشی‌هایی که به حکم علم و تجربه دیرپا نبوده و چه در پاسخ به مطالبه‌گری برخی از نهادها و چه در تأمین هزینه‌های برون‌مرزی، ذخائر آزاد شده را به مصرف می‌رساند؟ جام‌ساز در پاسخ به یک جمله کلیدی اکتفا می‌کند و می‌گوید: «اگر اینگونه باشد؛ امید بستن به بهبود شرایط اقتصادی بیهوده است.» این اقتصاددان معتقد است که آینده روشنی از اقتصاد با استمرار سیاست‌های گذشته مبتنی بر آزمون و خطا متصور نیست، بنابراین اقتصاد ایران همچنان با رشد نقدینگی و تورم و رشد اقتصادی نامطلوب درگیر خواهد بود. او در عین حال، رفع این معضلات را مستلزم تغییر و تحول بنیادین در ساختار اقتصادی کشور می‌داند. مشروح این گفت و گو را در ادامه بخوانید:

کالاهای اساسی که در سبد معیشتی مردم است، و بطور روزمره با زندگی مردم گره خورده بیشتر خود را نشان داده و اسباب نارضایتی اکثریت آحاد جامعه را فراهم آورده است.

دولت سیزدهم با وعده کاهش تورم کار خود را آغاز کرده، اکنون هم گفته می‌شود، که تورم کاهش یافته، آیا اینطور است؛ این افزایش قیمت‌ها را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

بله؛ دولت سیزدهم با وعده رساندن تورم به ۲۲ درصد کار خود را آغاز کرد؛ اگرچه بر اساس آمارهای رسمی دولت، شیب تورم قدری کاهش یافته، اما این تورم همچنان وجود دارد و قیمت‌ها در حال افزایش است خصوصاً در مورد کالاهای معیشتی، حتی تا ۲۰۰ درصد هم رشد داشته است. ما شاهد رشد ماهیانه و هفتگی اقلامی مانند برنج، گوشت، روغن، لبنیات میوه‌جات هستیم، اقلامی که بتدریج از سبد معیشتی مردم محو می‌شود. این نشان می‌دهد سیاست‌های دولت در جهت مهار تورم ناکام بوده و اگر هم شیب تورم مقدار بسیار کمی کاهش یافته، معطوف به تورم ضمنی است، یعنی تورمی که درباره تمام اقلام مصرفی



جناب جام‌ساز، اولین پرسش ما از شما این است که در حال حاضر مهم‌ترین چالشی که بین دولت و مردم وجود دارد؛ چیست؟

با بیسان اینکه اقتصاد ایران سال‌هاست که در سراسری قرار گرفته، این موضوع را با توجه به شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم، رشد اقتصادی، بیکاری، رشد سرمایه‌گذاری ثابت و

نرخ ارز، فقر عمومی، فاصله بین فقر و غنا و از همه مهمتر شیوه ناپهینه تخصیص منابع بین نیازهای واقعی اقتصاد متأثر از رانت و فساد کاملاً می‌توان مشاهده کرد. در حال حاضر مخرب‌ترین چالش بین دولت و مردم تورم و گرانی روزافزون کالاهای اساسی است، غیر از کالاهای اساسی، کالاهای دیگر هم افزایش قیمت داشته، اما گرانی

اگر مذاکرات برجامی به نتیجه برسد؛ چه اثری بر

وضعیت اقتصادی کشور خواهد گذاشت؟

بعید می‌دانم این توافق کامل و جامع و آنطور که مطلوب ایران است، صورت گیرد؛ بلکه توافقی خواهد بود که یا موقت است، یا مطالبات حداقلی را در بر دارد. به هر حال اگر توافق حاصل شود و بخشی از ذخایر ارزی ایران آزاد شود، بدون شک تا حدودی فشار مالی را از دوش دولت برمی‌دارد اما تأثیر آن بر اقتصاد ایران و معیشت مردم معطوف به سیاست‌هایی است که در این زمینه اتخاذ می‌شود. نکته قابل توجه آنکه تا زمانی که روابط و مناسبات سیاسی و تجاری ایران و جهان غرب بر مبنای اصول دیپلماتیک عادی نشود، استمرار ورود ارز پس از انتقال ذخائر آزاد شده به کشور تردیدآمیز است؛ زیرا با لغو تحریم‌ها و آزادی تجارت خارجی هنوز سد مستحکمی در برابر مبادلات بانکی ایران به نام FATF و کنوانسیون‌های مرتبط با آن موجود است که ایران را از دسترسی به خدمات بانکی بین‌المللی محروم می‌سازد.

نقدینگی کشور از مرز ۴۳۵۰ تریلیون تومان گذشته و رشد تولید ناخالص داخلی هم چندان مطلوب نبوده. سرمایه‌گذاری ثابتی هم به آن صورت شکل گرفته، بنابراین به سبب رشد نقدینگی در زمستان سالجاری شاهد افزایش تورم در بهار سال آینده نیز خواهیم بود

از کالاهای اساسی و غیره وجود دارد که به آن شاخص میانگین رشد قیمت مصرف‌کننده اطلاق می‌شود. در حال حاضر نقدینگی کشور از مرز ۴۳۵۰ تریلیون تومان گذشته و رشد تولید ناخالص داخلی هم چندان مطلوب نبوده. سرمایه‌گذاری ثابتی هم به آن صورت شکل نگرفته، و از آنجائیکه آثار رشد حجم نقدینگی با تأخیر بر افزایش قیمت‌های نسبی ظاهر می‌شود؛ بنابراین به سبب رشد نقدینگی در زمستان سالجاری شاهد افزایش تورم در بهار سال آینده نیز خواهیم بود، که بدون شک به کاهش قدرت خرید مردم بیش از پیش منجر خواهد شد. بنابراین زمانی که نقدینگی بالا رود و به تولید نرسد و در مقابل در بازارهای موازی بچرخد، باعث کاهش ارزش پول ملی و افزایش تورم می‌شود و با کاهش ارزش پول ملی، قیمت ارزهای معتبر خارجی بالا می‌رود و این چرخه ادامه می‌یابد اگر ما در مدت قبل از پایان مذاکرات برجام شاهد هستیم که دلار از ۲۹ هزار تومان در بازار آزاد به ۲۶ و ۲۷ هزار تومان رسیده، مربوط به انتظارات مثبت مردم نسبت به دستیابی به توافق برجام است نه سیاستگذاری‌های معیوب ضد تورمی دولت.



🔴 **خب هم راستا با این موضوع چه اقداماتی باید از سوی**

ارکان نظام در دستور کار قرار گیرد؟

همزمان با دستیابی به هر توافق احتمالی با کشورهای ۵+۱ لازم است مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب لوایح فوق اقدام لازم به عمل آورد تا موانع بانکی بر سر راه تجارت خارجی کشور برداشته شود و ارزهای ناشی از صادرات به روال معمول جهانی به کشور بازگردد. در غیر اینصورت بانک‌های بین‌المللی در صورت عدم پایبندی ایران به کنوانسیون گروه ویژه اقدام مالی از بیم جرائم سنگین بین‌المللی به ویژه از سوی آمریکا، باید پذیرفت، اگرچه توافق برجام منفک از پذیرش FATF توسط ایران است اما فی الواقع عدم پایبندی به این کنوانسیون جهانی در صورت دستیابی به توافق برجام تنها به انتقال ذخائر مسدود شده در شکل نقدی و کالایی به کشورمان منجر می‌شود و ادامه استمرار ورود ارز معطوف به از سرگیری روابط تجاری بین‌المللی با مانع مواجه خواهد شد.

🔴 **با همه اینها اقتصاد داخل را چگونه می‌توان سامان داد؟**

مسئله مهم همین وضعیت نابسامان اقتصاد کشور است؛ که طی چهار دهه به شدت تضعیف و شکننده شده و از لحاظ شاخص‌های تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری ثابت به نحو اسفباری نزول کرده‌ایم. مسئولین گذشته و حال این عقب‌ماندگی و بی‌ثباتی اقتصادی را معلول تحریم‌ها می‌دانند. اما پرسش این است که پس از رفع تحریم‌ها دولت چه رویکرد راهبردی نسبت به اقتصاد کشور در پیش خواهد گرفت آیا استراتژی مؤثری با هدف ساماندهی اقتصاد و بهبود وضعیت معیشت و رفاه آحاد جامعه از پیش تدوین شده است، یا دولت طبق رویه‌های پیشینیان خود با برخورداری از عطش هزینه‌کرد و پول‌پاشی در داخل کشور چه در قالب پرداخت یارانه در جهت رضایت‌بخشی‌هایی که به حکم علم و تجربه دیر پا نبوده و چه در تأمین هزینه‌های برون‌مرزی، ذخائر آژادشده را به مصرف می‌رسانند. در اینصورت امیدبستن به بهبود شرایط اقتصادی بیهوده است. ضمناً چنانچه بخشی از این منابع به سمت

سرمایه‌گذاری و تقویت تولید هدایت شود، بازده آن در کوتاه‌مدت متصور نیست، اما در یک بازه زمانی بلندمدت امکان رشد اقتصادی، اشتغال و افزایش درآمد ملی و سرانه در صورت دست‌کشیدن دولت از دخالت‌های نامطلوب در اقتصاد و حمایت‌های تسهیلاتی ارزان‌قیمت بانک‌ها از بخش خصوصی واقعی وجود خواهد داشت تا با افزایش تولید و صادرات تراز تجارت خارجی بهبود یابد و تداوم ورود ارز به کشور محقق شود.

نتیجه این موارد، بستگی به ابعاد توافق دارد؛ البته ماهنوز ابعاد توافق را نمی‌دانیم. دولت و ایران مطالباتی داشته که یکی از آنها ارائه تضمین آمریکا مبنی بر عدم خروج از برجام بوده، اما آمریکا تمایلی به پذیرفتن این مطالبات ندارد. حال دولت ایران این مطالبه را به صدور یک بیانیه از جانب کنگره و اعضای مذاکره‌کننده تقلیل داده، اما اینکه این بیانیه چه مواردی را شامل شود، نامشخص است. ضمن آنکه رفع تحریم‌های آمریکا از اشخاص حقیقی و حقوقی و رفع یکجای همه تحریم‌ها و راستی‌آزمایی آنها توسط ایران نیز هنوز از موارد مورد اختلاف است که تاحل و فصل نشود دستیابی به یک توافق جامع که تمام مطالبات طرفین در آن ملحوظ گردد را تردیدآمیز می‌کند.

🔴 **سیاست‌های بودجه‌ای دولت برای سال آینده را**

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بودجه سال آینده که قرار است به زودی در صحن مجلس مصوب شود، که یک شمای کلی از وضعیت اقتصاد کشور را نشان می‌دهد، زیرا ۸۵ درصد از اقتصاد کشور در اختیار دولت است. در سال جاری صادرات نفت میانگین دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود که البته این هدف محقق نشده است؛ زیرا بر اساس گزارش‌های رسمی، تا ۹ ماهه امسال، تقریباً ۳۱ درصد از هدف بودجه ۹ ماهه سال ۱۴۰۰ درباره نفت محقق شده. همچنین بر اساس گزارش‌های بلومبرگ، شرکت ملی نفت در سال جاری نتوانسته بیش از میانگین ۶۰۰ هزار بشکه روزانه با دور زدن تحریم‌ها نفت صادر کند و توان صادرات نفت ایران را هم در همین حدود ارزیابی کرده است. اما برای سال آینده، بودجه نفتی با واقع‌بینی بیشتری نسبت



در پی تنش‌های روسیه و آمریکا بر سر اوکراین، قیمت نفت به شدت بالا رفته و این به نفع ایران است. پیش‌بینی‌های بین‌المللی در مورد بهای نفت تا ۱۰۰ دلار را هم پوشش می‌دهد و این فرصتی برای ایران است که حتی با تولید کمتر از یک میلیون بشکه در روز به هدف بودجه دست یابد



با توجه به اینکه ما از لحاظ سرمایه‌های انسانی و منابع طبیعی اعم از زیر زمینی و روی زمینی، از همه کشورهای همسایه غنی تر هستیم، اما سیاست‌های داخلی و خارجی ماست که ما را به عقب رانده، البته تحریم‌ها و کرونا هم در این سالها تاثیر داشته، اما کرونا در تمام دنیا هم بوده و حتی با وجود تحریم‌هایی که وجود داشته، نمی‌توان تمام ناکارآمدی‌های اقتصادی را متوجه سوءمدیریت هانداست.

آیا تغییر کابینه می‌تواند در این روند تغییری ایجاد کند؟

بخش مهمی از کابینه ما افرادی هستند که در دولت‌های قبلی مصدر مشاغل و پست‌های کلیدی بوده‌اند و اینک جابه‌جا شده‌اند، این شیوه انتصاب‌ها نتیجه خوشایندی ندارد، کشور را نمی‌توان با مدیران چرخشی پایدار که عمدتاً در مشاغل قبلی هم از کارنامه قابل قبولی برخوردار نبوده‌اند، اداره کرد. برای اصلاح امور لازم است تغییر بنیادین در ساختار اقتصاد و شیوه انتصابات رخ دهد. نگاه توسعه‌گرا بر دیدگاه‌های واپسگرا حاکم شود و با تزریق خون تازه در پیکر معیوب بروکراسی، افراد بر اساس شایسته‌سالاری و ضوابطی که در کشورهای پیشرفته حاکم است در پست‌ها و مقامات قرار گیرند.

منابع بانک مرکزی امکان‌پذیر نیست که افزایش پایه پولی و تورم را در پی دارد. حال هرچقدر پایه پولی افزایش یابد، ضریب فزاینده پولی نقدینگی را چند برابر می‌کند، که تورم و کاهش ارزش پول ملی نتیجه محتوم آن است. بنابراین آینده روشنی از اقتصاد با استمرار سیاست‌های گذشته مبتنی بر آزمون و خطا متصور نیست، لذا اقتصاد ما همچنان با رشد نقدینگی و تورم و رشد اقتصادی نامطلوب در گیر خواهد بود. رفع این معضلات مستلزم تغییر و تحول بنیادین در ساختار اقتصادی کشور است.

سیاست‌های اتخاذی وزرای اقتصادی دولت رئیسی را

از مدتی که سکان امور را به دست گرفتند؛ می‌توان مثبت ارزیابی کرد؟

نتیجه عملکرد هر مسئول دولت، در هر پستی که قرار دارد، در آمارها و شاخص‌های عملکرد نهادی که او مدیریت می‌کند، منعکس است. ما در حال حاضر هم با تورم بالا مواجهیم، هم با فقر فزاینده، مردم هر روز بیشتر به زیر خط فقر سقوط می‌کنند، ریزش طبقه متوسط هم به سمت خط فقر مشهود است، لذا ما از یک اقتصاد پویا برخوردار نیستیم.

به بودجه امسال پیش‌بینی شده است، درآمدی که دولت از صادرات نفت برای سال آینده در نظر گرفته، ۳۸۱ هزار میلیارد تومان است، که باید از فروش متوسط یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز با فروش بشکه‌ای ۶۰ دلار و نرخ تسعیر ۲۳ هزار تومان حاصل شود، در حالیکه نرخ مصوب بودجه سال جاری برای فروش نفت بشکه‌ای ۴۰ دلار است. یکی از خوش‌شانسی‌های دولت در این مورد این بوده که به دلیل تنش‌های روسیه و آمریکا بر سر اوکراین، قیمت نفت به شدت بالا رفته و این به نفع ایران است. پیش‌بینی‌های بین‌المللی در مورد بهای نفت تا ۱۰۰ دلار راهم پوشش می‌دهد و این فرصتی برای ایران است که حتی با تولید کمتر از یک میلیون بشکه در روز به هدف بودجه دست یابد.

کسری بودجه سال آینده را چقدر میتوان تخمین زد؟

در بودجه ۵۷۲ هزار میلیارد تومان مالیات پیش‌بینی شده که مسلماً این مقدار محقق نخواهد شد، یا سایر درآمدهایی که در بودجه پیش‌بینی شده بسیار خوش‌بینانه است و از همین حالا کارشناسان کسری بودجه پنهانی را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی می‌کنند. تأمین این حجم از کسری بودجه بدون توسل به

«پازوکی» اقتصاددان خواستار شد

ترمیم کابینه اولویت ۱۴۰۱

کدام وزرا در لبه پرتگاه قرار دارند؟



سعید ترکشووند

قریب به هفت ماه از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد و طی این مدت سیاست‌های اقتصادی و در عین حال اظهار نظرات متعددی از سوی اعضای تیم اقتصادی این دولت مطرح شده است؛ با توجه به حساسیت‌های موجود در ساختار اقتصاد کشور و اقدامات انجام شده از سوی مقامات ارشد دولت جدید، سوالات زیادی در ذهن نخبگان و آحاد مردم شکل گرفته است. شاید مهمترین سوال و یا ابهامی که در اذهان مردم پس از هفت ماه از حکمرانی دولت جدید به وجود آمده، این باشد که آینده اقتصاد ایران با سکنداری مقامات اقتصادی دولت سیزدهم به کدام سو حرکت خواهد کرد؟ «مهدی پازوکی» اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفت و گو با «بازار پول» در این باره می‌گوید: در شرایط فعلی، اقتصاد کشور به شدت نیاز به ثبات دارد و طبیعتاً این وظیفه دولت جدید و به طور دقیق‌تر اعضای تیم اقتصادی آن است که با تدابیر خاص اقتصاد را سامان دهند. از این منظر، اتخاذ هرگونه راهبردی از سوی دولتمردان که به بی‌ثباتی اقتصادی دامن بزند، محکوم به شکست است. این اقتصاددان، معتقد است، معدل پایین وزیرای اقتصادی دولت، باعث افت کارآمدی نظام اقتصادی کشور شده، که در این میان وزیر اقتصاد با کارنامه غیرقابل قبولی که در این مدت از خود به جای گذاشته است، بیشتر از سایر وزرا در لبه پرتگاه قرار دارد. البته پازوکی به رئیس دولت توصیه می‌کند، قبل از استیضاح «خاندوزی» و یا دیگر وزیرای اقتصادی، خودش دست به ترمیم کابینه نزند. مشروح این گفت و گو را در ادامه بخوانید:

با توجه به رویکرد فعلی دولت سیزدهم، آینده اقتصاد

کشور را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

اکنون برای پیش‌بینی کردن آینده اقتصاد کمی زود است؛ چرا که هیچ دولتی نمی‌تواند در ۷ ماه اقدام شگفت‌انگیزی برای اصلاح امور اقتصادی انجام دهد؛ با این حال به عنوان یک اقتصاددان سیاست‌های اقتصادی فعلی دولت سیزدهم را مثبت‌ساز نمی‌دانم. در حال حاضر دولت سیزدهم در موقعیتی قرار گرفته است که در آینده‌ای نه چندان دور قادر به فروش یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت با قیمت ۶۰ دلار خواهد شد و این موضوع در حالی به وقوع خواهد پیوست که در زمان دولت حسن روحانی میزان فروش نفت ایران رقمی کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه و با قیمت ۴۰ دلار انجام می‌شد.

چه پیش‌بینی از وضعیت شاخص‌های اقتصادی مثل

«تورم، رشد اقتصادی و...» در سال ۱۴۰۱ دارید؟

متأسفانه در طی سال اخیر و با خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌های اقتصادی ظالمانه به اقتصاد کشور ما نظاره‌گر افزایش غیر قابل توجه شاخص‌های اقتصادی بوده‌ایم؛ حال دولت سیزدهم در نقطه‌ای حساس قرار دارد. اما در صورت احیای مجدد برجام پیش‌بینی می‌شود، در صورت رفع تحریم‌ها اقتصاد کشور توانایی سابق خود در سال ۹۵ را بازی دیگر بدست آورده و زمانی مناسب را برای تنفس پیدا خواهد کرد. مصداق بارز این استدلال را در سال ۹۵ شاهد بودیم که پس از امضای برجام در سال ۹۴، شاخص‌های اقتصادی همچون رشد اقتصادی با ثبت عدد ۱۲.۵ درصد، دورقمی شد و یادکنار این شاخص نیز نرخ تورم با ثبت رقم ۹ درصد، تک‌رقمی شد که در نوع خود و در قیاس با سال‌های تحریمی یک دستاورد مهم محسوب می‌شد. مطمئناً هم‌زمان با رفع تحریم‌ها و افزایش درآمد ناشی از فروش نفت، دولت این توانایی را پیدا خواهد کرد که با جذب بیشتر سرمایه‌های خارجی و توسعه پروژه‌های عمرانی و اقتصادی اشتغال بیشتری را در محیط کسب و کار کشور محقق سازد؛ مسئله‌ای که در نهایت باعث افت قابل توجه نرخ بیکاری و در عین

حال نرخ اشتغال در اقتصاد کشور خواهد شد.

به نظر تان با در نظر گرفتن وضع موجود، چه مسائلی اقتصاد ایران را تهدید می‌کند؟

در حال حاضر مهمترین چالشی که امکان دارد اقتصاد ایران در زمان دولت سیزدهم با آن مواجه شود، ظهور مجدد پوپولیسم اقتصادی و تشدید بی‌برنامگی تیم اقتصادی دولت است که در صورت تداوم آن طی سال‌های آینده، می‌تواند شاخص‌های اقتصادی کشور را به چالش‌های جدی مواجه سازد. پوپولیسم اقتصادی به این معناست که در حال حاضر بخش عمده‌ای از وزرای کابینه و مدیران ارشد احمدی‌نژاد در کابینه دولت سیزدهم پست و مقام‌های متعددی را گرفته‌اند؛ از همین رو، باید این نکته را یادآور شد که آن تفکر منفی که اقتصاد کشور را به عقب رانده بود، مجدداً در حال قدرت گرفتن است. و متأسفانه باید گفت که مشکل اصلی مقامات دولت نهم و دهم این است که در تدوین و تعیین چشم‌انداز و برنامه‌های اقتصادی، رشد و توسعه توسعه اقتصادی کشور را در نظر نمی‌گیرند.

در حال حاضر مهمترین انتقاداتی که در بخش اقتصادی می‌توان به دولت وارد کرد، چیست؟

در حال حاضر عدم داشتن یک برنامه اقتصادی و به بیان ساده‌تر «بی‌برنامگی اقتصادی» مهمترین انتقادی است که می‌توان به عملکرد ۷ ماهه دولت سیزدهم وارد کرد؛ در این میان لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ هم مهمترین نشانه و مصداق برای اثبات این مسئله خواهد بود؛ موضوع دیگری که می‌توان از آن به عنوان بی‌برنامگی دولت سیزدهم یاد کرد، تمدید برنامه ششم توسعه اقتصادی نوشته شده در دولت روحانی است؛ چرا که بسیاری از اعضای تیم اقتصادی دولت فعلی تا قبل از رسیدن به وزارت در کسوت یک کارشناس اقتصادی انتقاداتی را نسبت به سیاست‌های اقتصادی دولت دوازدهم داشتند؛ حال این سوال پیش می‌آید که اگر عملکرد تیم اقتصادی دولت روحانی ضعیف بوده است، چرا وزرای اقتصادی آقای رئیسی باری دیگر برنامه ششم توسعه را تمدید کرده‌اند. در آخر آنچه که می‌توان از این

معدل پایین وزرای اقتصادی دولت باعث افت کارآمدی نظام اقتصادی کشور شده است. از این رو اخبار زیادی حول استیضاح برخی وزراء از جمله وزرای صمت، اقتصاد و کار منتشر شد، که تغییر در ساختار تیم اقتصادی دولت را یک امر اجتناب‌ناپذیر در ماه‌های آینده میدانم

اقدام دولت استنباط کرد؛ این است که در حال حاضر دولت جدید هیچ برنامه اقتصادی منسجمی به عنوان برنامه هفتم توسعه اقتصادی نداشته و به نظر می‌رسد این بی‌هدفی نیز برای ۴ سال آینده هم ادامه خواهد یافت.

آیا اعضای تیم اقتصادی دولت باید دیگر هماهنگ هستند؟

متأسفانه تشدید بحران ناهماهنگی میان اعضای تیم اقتصادی از دیگر نقاط ضعفی است که دولت سیزدهم با آن دست و پنجه نرم می‌کند؛ اظهارات متناقض و تصمیمات ناگهانی اعضای کابینه دولت سیزدهم بر سر مسائل کلان اقتصادی مهمی از جمله موضوع حذف ارز ترجیحی را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از این ناهماهنگی‌ها عنوان کرد. انتشار خبر افزایش دو برابری میزان پرداختی یارانه‌ها و اجرایی شدن آن از ابتدای دی‌ماه سال ۱۴۰۰ توسط «محسن رضایی» معاون اقتصادی رئیس‌جمهور و واکنش فوری «سید احسان خاندوزی» وزیر اقتصاد، عمق این ناهماهنگی را نشان داد. بنده نقاد برخی از

سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی بوده‌ام و با تکیه بر این مسئله باید بیان کنم که در پی عملکرد نامناسب ۸ سال گذشته دولت روحانی، اعتماد عمومی مردم به قوه مجریه به پایین‌ترین سطح خود رسیده است؛ اما رئیسی و تیم اقتصادی اش باید مهم‌ترین اولویت خود را به بازگشت و حفظ سرمایه اجتماعی دولت بگذارند. سرمایه اجتماعی بالا مهم‌ترین ابزار پیش‌برنده برنامه‌های دولت چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجه است، به دلیل اهمیت موضوع، تأکید دارم که رئیسی و تیم اقتصادی او در ورای اتخاذ هر تصمیمی، از جمله تصمیمات اقتصادی در مرحله اول باید به هم‌بانی در انتشار آن و در مرحله بعدی به تأثیر آن سیاست و تصمیم بر سرمایه اجتماعی دولت بیاندیشند.

همانطور که می‌دانید، برخی وزراء صمت، از جمله وزرای اقتصاد و کار این روزها در سبیل انتقادات قرار دارند؛ به طوری که حتی بحث استیضاح و برکناری آنها نیز مطرح بود؛ عملکردشان را چگونه ارزیابی می‌کنید، آیا آنها می‌توانند در ادامه کار تحول مثبتی در صحنه اقتصاد ایران رقم بزنند، یا اینکه دولت سیزدهم باید دست به تغییر کابینه بزند؟

در حال حاضر ابراهامی‌های بسیار زیادی در میان اعضای تیم اقتصادی دولت سیزدهم وجود دارد، اما نکته‌ای که در کابینه رئیسی باید به آن اشاره کرد، این است، معدل پایین وزرای اقتصادی عضو تیم اقتصادی دولت سیزدهم است که باعث افت کارآمدی نظام اقتصادی کشور شده است. تا کنون اخبار بسیاری زیاد در مورد استیضاح برخی از وزرای دولت سیزدهم همچون «سیدرضا فاطمی امین» و وزیر صمت، «سید احسان خاندوزی» و وزیر اقتصاد و «حجت‌الله عبدالملکی» و وزیر کار هم از سوی مجلس و هم دولت منتشر شده است، بنابراین تغییر در ساختار تیم اقتصادی دولت را یک امر اجتناب‌ناپذیر در ماه‌های آینده می‌دانم. در پایان باید این نکته را هم یادآور شد که سید احسان خاندوزی از زمانی که روی کار آمده‌اند، عملکرد قابل قبولی در مدیریت اقتصاد کشور نداشته‌اند و پیش‌بینی می‌شود در کسوت وزیر اقتصاد و با ادامه فعالیت، نتواند گشایشی را ایجاد کند در نتیجه بهتر است رئیسی قبل از استیضاح خاندوزی و یاد دیگر وزرای اقتصادی خود دست به ترمیم کابینه اقتصادی بزند.

اگر همین فردا توافق شود!

و منابع طبیعی کشور شده است. علاوه بر این، در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها، ایران مشتریان و بازار نفت و گاز خود را از دست داده و به روسیه واگذار کرده است. متأسفانه در کشور ما اقتصاد دولتی همواره بر سرنوشت اقتصاد کشور قالب بوده و بر مبنای باورها و اهداف ایدئولوژیک حرکت کرده است. بنابراین متغیرهای اقتصادی ایران هر سال بدتر از قبل شده و جایگاه اقتصادی ایران که هشتمین کشور در بین اقتصادهای جهان بود را هم ردیف نازل‌ترین اقتصادهای جهان قرار داده است. ناتوانی مکانیسم بازار به تنهایی دخالت دولت در اقتصاد را توجیه نمی‌کند و فراموش نکنیم که دولت خود به عنوان یک نهاد اقتصادی عمل می‌کند و ممکن است با دخالت بیش از حد در اقتصاد با هدف کسب منافع

چند سالی است که شعار عدم گره زدن اقتصاد کشور به نتایج مذاکرات هسته‌ای مطرح می‌شود. در واقع برخلاف تصورات موجود، نوسان مداوم در بازارهای مالی با انتشار اخبار مثبت و منفی از نتایج مذاکرات و واکنش سریع بازارها به آن نشانگر گره خوردن اقتصاد ایران به مذاکرات است! افزایش یا کاهش قیمت ارز، خود معلول و نه علت شرایط بوجود آمده و نشانگر واکنش بازار به جبران کاستی‌ها از طرق دیگر مانند افزایش پایه پولی است. در شرایطی که متغیرهای اقتصادی کشور از جمله نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارد، این احساسات است که بازار را هدایت می‌کند و نه لزوماً منطق اقتصادی که متکی به نرخ بهره است و توان کنترل نقدینگی و تورم را ندارد و از طرفی زیر بار شدیدترین تحریم‌ها است با کوچکترین نسیمی به این سو و آنسو می‌رود. تحریم‌هایی که پس از خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک بر کشورمان اعمال شد و خروج ایران از برخی از مفاد برجام به انزوای ایران در اقتصاد و خدمات بانکی در جهان و بسته شدن منافذ ورودی دلار به کشور و در تنگنا قرار گرفتن مالی دولت و فساد گسترده اقتصاد دولتی - انتی انجامید که منجر به خروج هزاران میلیارد دلار از کشور شده است. ساختارهای ضد تولید و ضد توسعه، ساختارهای معیوب اداری - استخدای و مجموعه‌ای از عوامل طی این سال‌ها مانع از استفاده کامل از ظرفیت‌های انسانی



سعید درویش
تحلیلگر اقتصادی



بیشتر که نظیر آن را در سال‌های اخیر در بازار سرمایه شاهد بودیم بحران آفرینی کند.

دخالت دولت در بازار اقتصاد را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌کند و در اصل تنها مشکل بازار بورس عدم حمایت دولت نیست، بلکه دخالت در فرآیند بازار به بهانه حمایت از آن است! انحصارات دولتی و شبه دولتی، رانت، فساد و ترجیح منافع خصوصی و گروهی بر منافع ملی، اقتصاد را از مسیر طبیعی خود منحرف کرده و بازارهای مالی را به بیراهه می‌برد. اگر ما واقعا به دنبال یک اقتصاد پویا هستیم، باید دخالت‌های دولت در اقتصاد به نظارت‌های مطلوب و دخالت‌های حداقلی در بازار و اقتصاد تغییر کند.

اگر تعارف را کنار بگذاریم و واقع بین باشیم اقتصاد ایران در باتلاقی قرار گرفته است که اگر سیاست‌های کشور تغییر محسوسی نکند، فساد ادامه یابد، بانک‌ها همچنان بنگاهداری کنند، برنامه‌های مدون در راستای سیاست‌های پولی و مالی کارشناسی شده و علمی تنظیم نشود و قدرت کاسبان تحریم و کاسبان کرونا به چالش کشیده نشود، وضعیت نه تنها بهتر بلکه بدتر از این هم خواهد شد!

به هر طریق در صورتیکه توافقی هسته‌ای با موفقیت به ثمر برسد، میتوان نتایج آن را در بازارهای مالی مشاهده کرد. لازم به ذکر است که علاوه بر برجام FATF و CFT باید حل شود؛ زیرا اگر به این کنوانسیون‌ها پایبند نباشیم، قادر به برقراری تبادلات و تعاملات بانکی در عرصه جهانی نخواهیم بود. ایران بلافاصله پس از توافق در مذاکرات رفع تحریم‌ها صادرات نفت خود را افزایش خواهد داد؛ زیرا مقادیر قابل توجهی نفت در انبارها برای عرضه در بازارهای بین‌المللی دارد. پالایشگاه‌های آسیایی یعنی «هند، ژاپن و کره جنوبی» که بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران بوده‌اند، مشتاق از سرگیری واردات نفت در صورت احیای توافق هسته‌ای هستند. همینطور باید گفت که با توجه به جنگ روسیه و اوکراین که باعث بیدار شدن غرب از یک خواب زمستانی شد، ایران تنها کشوری است که می‌تواند جایگزین روسیه شود و تامین امنیت انرژی اروپا را به دست بگیرد و این برای ما بسیار پر اهمیت است! البته به دلیل فرسودگی

زیرساخت‌های نفت و گاز کشور که خود محصول خروج ایالات متحده از برجام است، مدت زیاد و منابع مالی بسیاری برای ترمیم نیاز است تا به افق صادرات نفت و گاز قبل از تحریم‌ها برسیم.

اگر مذاکرات به نتیجه برسد و درآمدهای نفتی به حساب‌های ایران واریز شود، نتیجه رفع احتمالی تحریم‌ها در کوتاه مدت مشخص خواهد شد. با افزایش احتمالی درآمدهای ارزی دولت، نیاز به تامین نقدینگی از طریق چاپ نقدینگی کمتر خواهد شد و این مساله منجر به کنترل نرخ تورم می‌شود. بازار ارز و طلا اولین بخش‌هایی هستند که با انتشار هرگونه خبر مثبتی از مذاکرات تغییر مسیر می‌دهند. ممکن است با افزایش همزمان عرضه ارز و تشکیل صف‌های فروش به جهت بار روانی نزول بازار، قیمت دلار تا جای ممکن کاهش پیدا کند. بخشی از ریزش‌هایی که باید پس از بازگشت به



اگر مذاکرات به نتیجه برسد و درآمدهای نفتی به حساب‌های ایران واریز شود، با افزایش احتمالی درآمدهای ارزی دولت، نیاز به تامین نقدینگی از طریق چاپ نقدینگی کمتر و این مساله منجر به کنترل نرخ تورم می‌شود

برجام اتفاق می‌افتاد در طول مذاکرات پیش‌خور شده اما هنوز هم پتانسیل کافی برای نزول بیشتر بازار وجود دارد؛ انتظار داریم دلار را در محدوده قیمتی ۲۱ تا ۲۳ هزار تومان داشته باشیم. نرخ ارز مطلوب دولت با توجه به بودجه‌ایی که ارائه شده در سال آینده دلار ۲۳ هزار تومان است. باید دقت کرد که این کاهش قیمت‌ها مقطعی است و اقتصاد به شرطی در شرایط مطلوب باقی می‌ماند که رشد اقتصادی شکل بگیرد. بر خلاف عقیده برخی از فعالان بازار بورس، به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای در کوتاه مدت قطعا به ضرر این بازار است و در بلندمدت اثرات مطلوب آن برای بازار سرمایه نمایان خواهد شد. با به نتیجه رسیدن مذاکرات نمادهای بانکی و خودرویی می‌توانند رشد خوبی را تجربه کنند.

تغییرات قیمت در بازار مسکن کمی متفاوت از دیگر بازارها است. پیش‌بینی که برای این بازار به طور کلی می‌توان داشت، کاهش قیمت متناسب با دیگر بازارها است، اما در این بازار باز یا بسته بودن شهر، نرخ افزایش جمعیت، ترکیب جمعیتی و غیره پر رنگ و پر اهمیت است. پس ممکن است حتی با وجود به نتیجه رسیدن مذاکرات با توجه به متغیرهای مهم در این بازار بعضی از فایل‌ها تغییر محسوسی نداشته باشند. لازم به ذکر است که طرح نهضت ملی مسکن در آینده این بازار را وارد رکود می‌کند و حتی می‌تواند با مصرف مواد اولیه جهت ساخت قیمت در این بازار را بر خلاف تصورات بالاتر ببرد.

تا زمانی که بازار خودرو انحصاری است و کمپانی‌ها مضاف بر ظرفیت نیروی غیر مولد استخدام کرده‌اند، نباید انتظار کاهش قیمت محسوس و پایداری برای این بازار داشت! اضافه شدن مالیات جدید به خریداران خودرو از کارخانه‌های خودروسازی از یکسو و مشخص نبودن امکان ورود یا عدم ورود خودروهای خارجی از سوی دیگر، باعث شده آینده این بازار مبهم باشد. احتمالا ریزش قیمت‌ها مخصوصا در باب خودروهای داخلی کمتر از انتظارات شکل گرفته در جامعه باشد، اما قطعا دستخوش کاهش قیمت می‌شود.

دلار؛

این راز سر به مهر!



حسین حقگو
تحلیلگر اقتصادی

۱. این یادداشت در شرایطی نوشته می‌شود که سرنوشت توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی نامشخص است. مولفه‌ای که بیشترین تاثیر را در کوتاه و شاید میان مدت بر نرخ ارز در کشورمان

خواهد داشت. البته خبرها عمدتاً از رسیدن به توافق حکایت دارند که اگر چنین باشد باید منتظر کاهش بیست درصدی و شاید بیشتر قیمت ارزهای خارجی و رسیدن قیمت دلار به مرز بیست هزار تومان بود. چرا که انجام توافق به معنای افزایش صادرات نفت ایران به حدود ۳ میلیون بشکه در روز و نیز صدور بیشتر میعانات گازی و کامودیتی‌ها خواهد بود. به این افزایش درآمد‌های صادراتی باید آزاد شدن منابع ارزی بلوکه شده که حدود ۳۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، را نیز افزود. همچنین برداشته شدن تحریم‌ها سبب کاهش هزینه‌های معاملاتی و ریسک‌های تجاری ایران خواهد شد، که ارزهای خارجی بیشتری را نصیب دولت خواهد کرد. رقم حاصله از این گشایش‌ها حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار برآورد میشود که رقم بسیار بزرگی است و می‌تواند به کاهش نرخ ارز چنانکه عنوان شد، در بازار منجر شود.

۲. سویه دیگر تاثیر گذار بر نرخ ارز سیاست‌های تجاری دولت است. در واقع انجام توافق هر چند منجر به کاهش تورم انتظاری و عرضه دلارهای خانگی به بازار می‌شود، اما از سوی دیگر بسته به سیاست‌های تجاری دولت و میزان کاهش

محدودیت‌های وارداتی می‌تواند بر تقاضای دلار آنهم در بازار تشنه ایران بسیار موثر باشد. چنانکه تقاضای برخی کالاها را افزایش دهد و سبب جلوگیری از کاهش شدید نرخ ارز در بازار شود. همچنین باید به سیاست‌های مالی و پولی دولت اشاره کرد. چنانکه دولت نرخ ارز را در بودجه حدود ۲۳ هزار تومان تعیین کرده است، که این رقم، رقمی است که دولت انتظار دارد با تثبیت آن، هم منابع ریالی لازم برای هزینه‌های یکساله کشور فراهم شود و هم جریان صادرات تداوم داشته و برای صادرکنندگان عمدتاً کامودیتی محور این نرخ به صرفه باشد و سبب کاهش شاخص بورس نیز نشود.

در این میان البته باید به فشارهای وارده به دولت و حاکمیت اشاره کرد. با افزایش درآمد‌های ارزی طبعاً تقاضای بسیاری برای ارزان شدن کالاها در کشور و در بین طبقات مختلف بخصوص طبقات و اقشار حامی دولت و نیز درخواست‌های کمک‌های خارجی شکل خواهد گرفت که مقاومت در مقابل آنها بسیار دشوار خواهد بود. این امر با توجه به عدم امکان افزایش سریع ظرفیت‌های تولیدی کارخانه‌ها و ارزبر بودن همین محصولات، دولت را وادار به تخصیص و عرضه بیشتر ارز خواهد کرد که از یک سو منجر به کاهش قیمت بسیاری از کالاها خواهد شد و از طرف دیگر همانطوریکه گفته شد، تقاضای ارز را افزایش و با توجه به محدودیت منابع، آن را به سمت بالا هل خواهد داد. ۳. فارغ از این تاثیرات کوتاه مدت و شوک وار، آنچه بنظر تاثیرگذار عمده در تعیین نرخ ارز خواهد بود و نگاه کارشناسان و بازیگران بزرگ بازار ارز معطوف به آن است، سیاست مالی و پولی دولت است. اینکه آیا دولت تحت تاثیر فشارها و البته توجیهات به ظاهر عالمانه، نرخ ارز را النگر کاهش تورم خواهد کرد یا آنچنانکه کارشناسان توصیه می‌کنند و با آرامش ایجاد شده به سمت کنترل تورم از مسیر اصلاحات اقتصادی و کاهش کسری بودجه با ایجاد توازن در دخل و خرج و در نتیجه کاهش حجم نقدینگی خواهد رفت؟! این نکته به نظر اساس و متغیر اصلی تاثیر گذار بر نرخ ارز در میان و بلند مدت خواهد بود. چنانکه اگر دولت اجازه دهد نرخ ارز به روند طبیعی خود در بازار ادامه

آنچه سرنوشت ارزهای خارجی را تعیین می‌کند، عرضه و تقاضا است. عرضه برآمده از تناسب رشد عرضه پول با رشد اقتصادی و میزان تورم و تراز تجاری، نرخ بهره و ... است و تقاضایی که تورم انتظاری و ریسک بازار در ذهن مصرف کننده شکل می‌گیرد

دهد و از سر کوب آن خودداری کند و اصل را بر افزایش صادرات، آنهم صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا و دانش بنیان و ساخت محور نهد و نه صادرات مواد خام و کامودیتی‌ها، می‌توان امیدوار بود که سفته بازی ارزی کاهش و این منابع در خدمت تولید و اقتصاد ملی و نه پناهگاهی برای جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی و تورم قرار گیرد که البته کاری بس دشواری است و نیازمند تغییر نگرش حاکمیت به اقتصاد به عنوان یک علم و نه ابزاری در خدمت سیاست است. در صورت عدم انجام چنین تغییر راهبردی در نگرش حاکمیت، می‌توان چنین انتظار داشت که نرخ ارز در خوشبینانه ترین حالت یعنی امضا توافق برجام در کوتاه مدت روندی کاهشی (به حوالی حتی

۲۰ هزار تومان) خواهد داشت و سپس با افزایش تقاضا در داخل (از نیازهای ارزی تامین مواد اولیه کارخانجات تا مسافرت و خرید املاک در خارج از کشور و...) و وجود نقدینگی عظیم ۴۳۰۰ هزار میلیارد تومانی و... روند افزایشی خواهد یافت و بخ سرعت مرز ۳۰ هزار تومان را در خواهد نوردید. در مجموع آنکه آنچه سر نوشت ارزهای خارجی و از جمله دلار را تعیین می‌کند دو سر رابطه عرضه و تقاضا است. عرضه برآمده از تناسب رشد عرضه پول با رشد اقتصادی و میزان تورم و تراز تجاری، نرخ بهره و... است و تقاضایی که متناسب با مطلوبیت و تورم انتظاری و ریسک بازار در ذهن مصرف کننده شکل می‌گیرد. نرخ ارز در این دو لبه قیچی تعیین می‌شود و با اصلاحات ساختار

اقتصادی و در درجه اول بیماری مزمن کسری بودجه دولت و سد کردن حجم عظیم نقدینگی و نیز کاهش تنش‌ها و ارتباط و تعامل با جهان و بهبود تراز تجاری، می‌توان هرم اقتصاد کشور را بر قاعده آن نشانند و امکان توسعه پایدار کشور را فراهم نمود. اینهمه البته بر فرض انجام توافق برجام (هر چند موقت و محدود) عنوان شد. شکست مذاکرات و منتفی شدن توافق به طور کلی (که بسیار بعید می‌نماید) و ایجاد فضاهای هیجانی موضوع دیگری است و البته چندان نیاز به تحلیل ندارد و می‌توان به راحتی حدس زد که با چه رشدهای سریع و غیر قابل کنترلی در بازار ارزهای خارجی روبرو خواهیم شد که اقتصاد، کسب و کار و حیات ملی را با خطرات سهمگینی مواجه خواهد کرد که چنین مبادا!



سرنوشت بازار ارز با فرض احیای برجام چه می‌شود؟

توقف در ایستگاه ۲۴

محکم به تورم شده است؛ به گونه‌ای که در طول سال‌های اخیر همزمان با رشد تورم بهای نرخ ارز هم به راحتی افزایش قیمتی را تجربه می‌کرد. پس از پیروزی سید ابراهیم رئیسی در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری، توقع مردم در زمینه

همزمان با روزهای پایانی سال ۱۴۰۰ و شروع شمارش معکوس مذاکرات وین، بازار ارز ایران نیز به مانند دیگر بخش‌های اقتصادی کشور خود را آماده برای سپری کردن تحولات مهمی در سال ۱۴۰۱ می‌کند. در حال حاضر دولت سیزدهم در شرایطی زمام امور اقتصادی کشور را به دست گرفته که در بازه زمانی سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ بهای دلار نزدیک به ۷ برابر افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، شوک‌های ارزی چهار سال گذشته ناشی از تورم‌های ۵۰ درصدی و باعث تنیدگی قیمت دلار با ریسمانی



اقتصادی از او فراتر از دولت‌های قبل بود و معیاری را که معمولاً قاطبه مردم از آن به‌عنوان سنجش اقتصادی دولت به‌کار می‌برند، وضعیت «نرخ ارز» در بازار آزاد است. با این حال، هنوز هم درباره نرخ ارز در سال آتی و با فرض احیای برجام، سناریوهای مختلفی مطرح است؛ برای اینکه بدانید نرخ دلار در کدام کانال لنگر می‌اندازد، این گزارش را دنبال کنید.

مقایسه نرخ دلار در دولت روحانی و رئیسی

مدیریت بازار ارز همواره یکی از چالش برانگیزترین مباحث پیش روی دولت‌های حاکم در ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون بوده است. نکته دیگری که در رابطه با این مسئله ارز وجود دارد اینک طی یک دهه اخیر، مشکلات ناشی از این موضوع به دلیل افزایش تحریم‌های بانکی و نفتی برای دولت‌های یازدهم، دوازدهم و حتی سیزدهم بیشتر نمایان شده است. با این حال و با توجه به تحولات پیش آمده طی یک دهه اخیر در بازار ارز باید عنوان کرد که «حسن روحانی» پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ توانست در ۱۰۰ روز اول بهای دلار را از ۳ هزار و ۶۰۰ تومان به پایین‌تر از ۳ هزار و ۵۰۰ تومان بیاورد که رکورد دار این موضوع در میان تمامی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی است. در مقابل، دولت نوبی رئیسی در صدر روز اول نتوانست ترمز دلار را بکشد و بهای آن از ۲۵ هزار تومان تا ۳۱ هزار تومان هم رسید. این موضوع فشار سنگینی را روانه دولت و بانک مرکزی کرد. از این رو، دولت سیزدهم در صدر روز اول حکمرانی خود نتوانست انتظارات را برآورده سازد.

اما با بررسی آمار ۶ ماه گذشته از بازار ارز، رشد حدود ۸ درصدی نرخ دلار را مشاهده می‌کنیم. قیمت دلار در صرافی ملی هم در برهه‌ای از زمان بیش از ۶ درصد افزایش پیدا کرده است. البته این روند صعودی دلار را می‌توان در نرخ تورم مشاهده کرد که زمینه ایجاد چنین تورمی در کشور به چاپ پول و استقرار از بانک مرکزی در ۶ ماهه ابتدایی سال بازمی‌گردد. البته گفته می‌شود دولت سیزدهم برای جبران ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی کسری بودجه، به مانند دولت‌های گذشته دستان

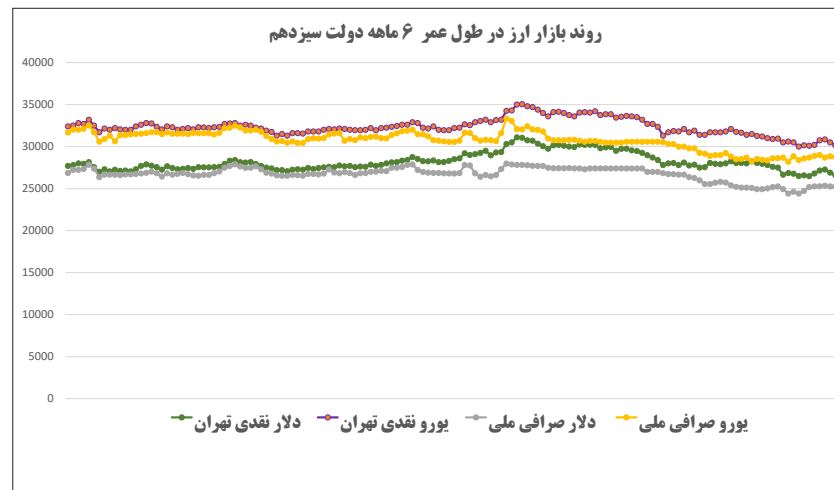
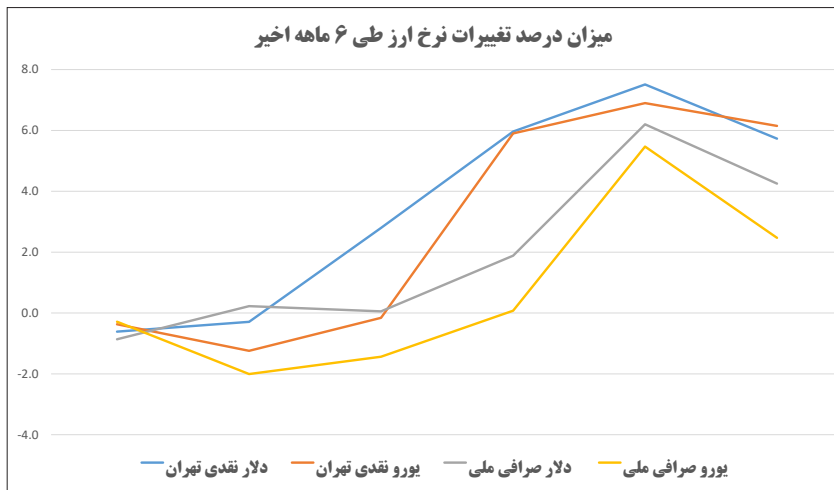
خود را در جیب بانک مرکزی نکرد و با امتناع از استقرار از بانک مرکزی و همزمان با افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه تجارت خارجی کشور توانست رکورد چهار سال گذشته را بزند و حجم تجارت خارجی کشور را به بیش از ۳۰ درصد برساند.

چرا نرخ دلار نزولی شد؟

نگاهی به تعاملات اخیر ایران با دیگر کشورها، نشان می‌دهد، سید ابراهیم رئیسی بر اساس نگاه چندجانبه‌گرایی خود به روابط بین‌الملل به سمت ارتباط موثر با تمامی کشورها حرکت کرده است. به طوریکه حضور قطعی و دائمی در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی ارواسیا زمینه ورود ایران را به بازارهای جهانی فراهم کرد. این مراودات موثر و تجاری، به رشد ذخایر ارزی کشور کمک



در سال ۱۴۰۱ قیمت دلار از ۲۴ هزار تومان پایین‌تر نخواهد آمد؛ چرا که در حال حاضر دولت نرخ تسعیر ارز در در بودجه سال آینده را با عدد ۲۳ هزار تعیین و هدفگذاری کرده است



شایانی کرد و طبق قراردادهای مالی و بانکی تنظیم شده با کشورها، بانک مرکزی توانست بسیاری از پول‌های مسدود شده را آزاد کند؛ در همین راستا «علی صالح آبادی» رئیس کل بانک مرکزی در خصوص تامین ارز در ۹ ماه اخیر می‌گوید: «حدود ۴۰ میلیارد دلار چه در بخش ارز نیمایی و چه ارز اشخاص عرضه ارز صورت گرفته که نسبت به سال قبل رشد خوبی را به ثبت رسانده و پیش بینی می‌شود حجم تامین ارز تا پایان سال جاری به ۵۰ میلیارد دلار برسد».

صالح آبادی به تازگی نیز در اظهاراتی گفته بود که در حال حاضر، بهترین روزهای حوزه ارزی کشور را سپری می‌کنیم و به اندازه کافی ذخایر ارزی موجود است. رئیس کل بانک مرکزی حجم معاملات بازار متشکل ارزی در سال جاری را ۱.۶ میلیارد دلار اعلام و اظهار کرده بود: نسبت به سال گذشته ۳ تا ۴ برابر رشد کرده است. او همچنین وضعیت بازار ارز متعادل و آرام دانسته و بیان کرد که برای امسال بیش از ۲۶ میلیارد دلار عرضه ارز در سامانه نیما داشتیم؛ در مجموع بیش از ۵۰ میلیارد دلار از ابتدای سال تاکنون برای واردات کالاهای اساسی و سایر کالاها تامین شده است.

از سوی دیگر، دولت سیزدهم در کنار سیاست‌های چندجانبه‌گرایی خود به مذاکرات برجای هم اهتمام ویژه‌ای ورزید و همین فرآیند مثبت رو به جلو مذاکرات هسته‌ای نیز در نوسانات دلاری تاثیر بسزایی داشت. اخبار مذاکرات در بازار آزاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه هر گشایشی در جریان نشست‌های وین، نمودار تورم را به سمت پایین سوق می‌دهد. این اخبار تکانی به بازار ارز داد که بهای دلار پس از ناکامی در کانال ۳۰ هزار تومانی به کانال ۲۶ هزار تومان سقوط کرد. با این حال، اما تلاطمات ارزی اتفاقات خوشایندی را برای اقتصاد رقم نمی‌زند و فعالان اقتصادی را با سردرگمی مخربی روبه‌رو می‌کند.

سر نوشت قیمت دلار؟

حال با فرض توافق احتمالی در ماه‌های آینده باید بسنجیم که قلاب ارز در چه کانالی می‌افتد و سرانجام چه تحلیلی در دست از آب درمی‌آید. بسیاری از فعالان بازار ارز معتقدند که کف قیمت دلار کانال ۲۵ هزار تومان است و بر اساس تحلیل

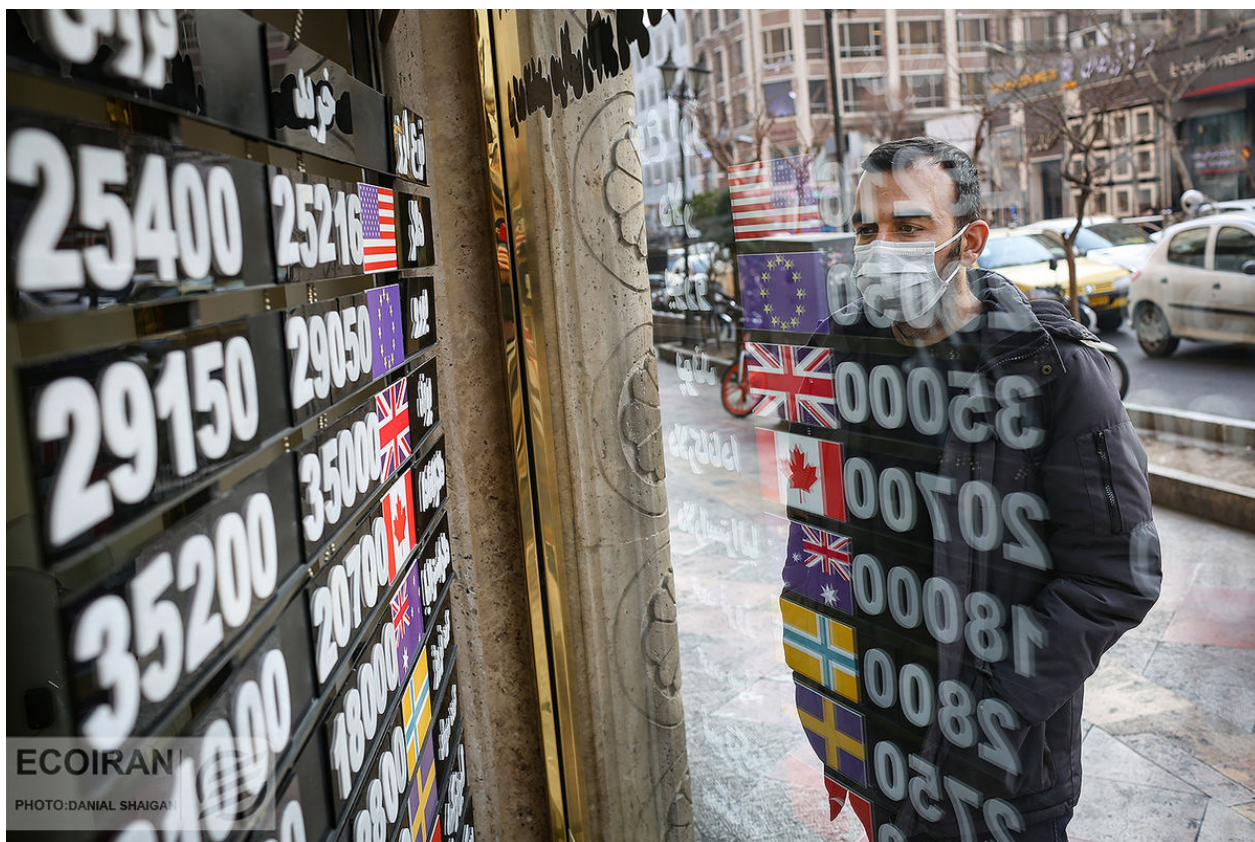
تکنیکال ورود ارز به زیر ۲۵ هزار تومان امکانپذیر نیست، اما برخی از کارشناسان اقتصادی چنین تحلیل‌هایی را نمی‌پذیرند و ۲۰ هزار تومان را آینده قیمت دلار می‌دانند. اما بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۱ نرخ تسعیر در سال آتی قیمت ۲۳ هزار تومان دیده شده است و دولت قصد دارد که پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی محاسبات گمرکی خود را با ۲۳ هزار تومان انجام دهد و چنین موضوعی شاید اجازه کاهش را به دلار ندهد. البته دولت سیزدهم از فسادزایی بودن ارز چندنرخ کاملاً اطلاع دارد و احتمالاً برای تحقق اهداف خود در این موضوع از هیچ تلاشی دریغ نکند.

در همین رابطه، «احمد لواسانی» رئیس شورایی عالی کانون صرافان، پیرامون وضعیت بازار ارز و آینده آن در سال ۱۴۰۱ به «بازار پول» می‌گوید: تعیین نرخ ارز بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا و اخبار مذاکرات برجای تعیین می‌شود. تقریباً در دو ماه گذشته مباحث مربوط به تقاضا از ثبات کافی برخوردار بوده است. نیازهای ارز در بازار نقدی به ویژه در تامین ارز مسافرتی به خوبی ساماندهی شده است. در پایان سال هم هر مقداری که سفرهای خارجی افزایش یابد هیچ مشکلی در تامین ارز این مسافران نداریم.

بنابراین اظهارات لواسانی، آنچه که اکنون می‌توان در سطح بازار ارز مشاهده کرد این است که همزمان با ریزش قیمت دلار، ارزش‌های خانگی نیز در حال بازگشت به بازار هستند؛ با توجه به شرایط فعلی قطعاً افرادی که در گذشته ارز را در منزل خود نگهداری می‌کردند تاکنون با رشد قیمت دلار سود خود را کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در صورت تداوم ریزش قیمت دلار و برای جلوگیری از ضررهای بیشتر حجم بیشتری از ارزش‌های خانگی به سمت بازار روانه شود. در حال حاضر آنچه که می‌توان به طور معمول انتظار آن را کشید این است که با افزایش صادرات غیر نفتی و یا حتی نفت ایران ما شاهد ورود مقادیر زیادی ارز به سطح بازار باشیم.

اما نکته دیگری پیرامون بازار ارز وجود دارد این است که بسیاری از فعالان اقتصادی با توجه به تحولات بازار فردایی ارز محاسباتی را انجام می‌دهند، که بر اساس تحلیل‌های خودشان است

هر گشایشی در جریان نشست‌های وین، نمودار تورم را به سمت پایین سوق می‌دهد. این اخبار تکانی به بازار ارز داد که بهای دلار پس از ناکامی در کانال ۳۰ هزار تومانی به کانال ۲۶ هزار تومان سقوط کرد



ECOIRAN
PHOTO: DANIAL SHAIGAN

رسید؛ در این میان فرضیه‌های دیگری نیز درباره بازار ارز وجود دارد که در یک دوره بسیار کوتاه و موقت نرخ ارز به رقمی بالغ بر ۲۲ تا ۲۳ هزار تومان برسد، اما باید یادآور شد، که این رقم به هیچ وجه نمی‌تواند یک شرایط با ثبات را برای این بازار محقق سازد. مطمئناً در سال ۱۴۰۱ قیمت دلار از ۲۴ هزار تومان پایین‌تر نخواهد آمد؛ چرا که در حال حاضر دولت نرخ تسعیر ارز در در بودجه سال آینده را با عدد ۲۳ هزار تعیین و هدفگذاری کرده است. علاوه بر این مسئله، باید این موضوع را نیز در نظر داشت که که ریزش بیش از حد نرخ در بازار به هیچ وجه به نفع اقتصاد کشور نخواهد بود.

تقاضاهای سوداگرایانه در بازار ارز نسبت به دوماه گذشته خود کاهش چشمگیری پیدا کرد، اما تقاضای واقعی همچنان همانند ماه‌های گذشته است.

نقطه تعادل دلار کجاست؟

از سوی دیگر، وحید شقاقی شهری اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی درباره آینده قیمت ارز در سال ۱۴۰۱ پس از احیای مجدد برجام به «بازار پول» می‌گوید: مطمئناً با توجه به شرایط فعلی اقتصاد کشور قیمت دلار در نقطه ۲۴ تا ۲۵ هزار تومان به یک حالت تعادل خواهد

و شاید چنین نرخ هم در بازار معامله نشود. در حال حاضر طی سالیان گذشته یکی از اهداف بانک مرکزی حرکت به سمت تک نرخ کردن بازار ارز بوده است و هر چقدر بهای ارز ثابت باشد، قطعاً مقادیر معاملات هم افزایش پیدا می‌کند.

رئیس شورا عالی کانون صرافان، با توجه به تحولات پیش آمده در مذاکرات وین و ساختار اقتصادی کشور، پیش‌بینی می‌کند، در سال ۱۴۰۱ اختلاف قیمت در بازارهای ارز به حداقل برسد. به گفته او، خبر مسرت بخشی که درباره تحولات اخیر بازار ارز وجود دارد، اینکه در بهمن سال جاری میزان

شاخص تعیین کننده نرخ ارز؟



ایرج توتونچیان
استاد اقتصاد
دانشگاه الزهرا

طی سال‌های اخیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین نهاد حاضر در نظام بانکی کشور، موفق به تحقق وظایف خود در سیستم پولی و مالی کشور نبوده است؛ نخستین ایرادی که در ابتدای صحبت باید به آن اشاره کرد این است که متأسفانه این نهاد در طول یک دهه اخیر در مقابل اقدامات خود سرانه بانک‌های کشور به ویژه بانک‌های خصوصی کاملاً ضعیف ظاهر شده و هیچ اراده‌ای در مقابله با خودسری‌های این بانک‌ها در بحث خلق پول از خود نشان نداده است. با توجه به وضعیت تاسف‌انگیز حجم نقدینگی موجود در اقتصاد کشور به جرات می‌توان گفت که خلق پول بیش از حد مجاز بانک‌های خصوصی یکی از محرز‌ترین تخلفات بانکی است که و به لطف بی‌توجهی‌های روسای پیشین بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی در اقتصاد کشور و همین‌طور کسب ثروت هنگفت برای مدیران ارشد این بانک‌ها شده است.

مسئله‌ای دیگر در نظام بانکی کشور این است که در طول چند دهه اخیر هیچ روشی به اندازه تسهیلات دهی کوتاه مدت نتوانسته است برای تمامی بانک‌های کشور درآمدزایی قابل توجهی داشته باشد؛ بانک‌ها وام می‌دهند اما متأسفانه رویکرد تسهیلات دهی در نظام بانکی کشور به سمتی حرکت کرده، که به جای انتقال نقدینگی به بخش‌های بلندمدتی همچون توسعه و سرمایه‌گذاری، ترجیح می‌دهند که تسهیلات خود را به سمت وام‌های کوتاه مدت با بهره بالا هدایت کنند. در حال حاضر سیستم بانکی کشور در مسیر درستی قرار ندارد و به عنوان یک اقتصاد خوانده می‌توانم بگویم که مافیای بانک‌ها در آستانه غلبه بر نظام

بانکی کشور قرار دارند؛ با توجه به نحوه تسهیلات دهی و رویکرد ضد تولیدی بانک‌های خصوصی در به تعطیلی کشاندن واحدهای تولیدی کشور بانک مرکزی باید هر چه زودتر انفعال خود درباره بانک‌ها را کنار بگذارد؛ آمار تاسف‌برانگیزی است اما متأسفانه ۵۸ درصد کارخانه‌های تملیک شده غیر فعال و تعطیل شده‌اند.

از سوی دیگر، به لطف سوء مدیریت روسای بانک مرکزی رویه بانک‌ها به جای این که واسطه‌گری مالی باشد بیشتر به سمت بنگاه‌داری اقتصادی سوق پیدا کرده است؛ در تشریح علت شهوت غیر قابل کنترل بانک‌ها به ارائه تسهیلات بانکی در قالب تسهیلات سرمایه در گردش به صاحبان کسب و کار و فعالان اقتصادی باید خاطر نشان کرد که مدت زمان باز پس‌گیری این تسهیلات کوتاه مدت است، با توجه به این موضوع در صورت عدم موفقیت تولیدکننده در بازپرداخت تسهیلات دریافتی، به بانک‌ها مقروض می‌شود. در چنین شرایطی با تلبار شدن بدهی‌های بانکی فرد متقاضی در آخر بانک‌ها فرصتی به دست خواهند آورد که کارخانه و مجتمع تولیدی تولیدکننده را به نفع خود تملیک و باعث ورشکستگی او شوند.

با توجه به نکته مذکور، به جرات باید عنوان کرد که در طول سال‌های اخیر تسهیلات پرداختی بانک‌های خصوصی به تولیدکنندگان به مانند بهمنی سنگین باعث نابودی این افراد و به دنبال آن اقتصاد کشور شده است و مهم‌تر در طول این اتفاقات بانک مرکزی تنها به عنوان تماشاچی شاهد نابودی تولیدکنندگان توسط بانک‌ها بوده است. به طوریکه بخش عظیمی از وام‌های پرداخت شده بانک‌ها به بخش‌های اقتصادی کشور در ۱۰ ماه سال جاری با سهم ۶۶٫۳ درصدی متعلق به بخش سرمایه در گردش است. بنابراین باید اذعان کرد که بنگاه‌داری بانک‌ها در طول یک دهه اخیر و در زیر سایه سوء مدیریت روسای پیشین بانک مرکزی از شدت بیشتر و در عین حال سرعت مضاعفی برخوردار بوده است؛ مسئله‌ای که در این سال‌ها نتیجه‌ای جز افزایش روزافزون سرمایه برای بانک‌ها به همراه نداشته است.

مسئله مهم و قابل اشاره دیگر، کنترل بازار ارز است





نه بانک مرکزی و دلالت. به بیان ساده تر، باید فضایی محقق شود که صادرکننده مقدار ارزی را که از محل صادرات خود به دست آورده را وارد بازار کند در امتداد این مکانیزم، واردکننده نیز با خرید مقدار مشخص ارز از صادرکننده اقدام به واردات کالا به کشور می کند. در صورت تحقق چنین شرایطی تراز تجاری کشور شاخص تعیین قیمت ارز در کشور خواهد بود نه بانک مرکزی. این در شرایطی است که همزمان با تشدید تحریمها، تصمیم بانک مرکزی بر این بوده است که خود مستقیماً به دخالت در بازار ارز بپردازد، اکنون هم مشاهده می شود که با وجود دخالت مستقیم این نهاد در بازار ارز هیچ گشایشی به وجود نیامده است و هنوز بازار ارز تحت تاثیر متغیرهای روانی است تا مولفه های واقعی؛ به هر حال با توجه به وضعیت فعلی بازار ارز، کماکان این بازار را می توان پاشنه آشیل بانک مرکزی دانست.

**مافیای بانکها در
آستانه غلبه بر نظام
بانکی قرار دارند؛
با توجه به نحوه
تسهیلات دهی و
رویکرد ضد تولیدی
بانکهای خصوصی
در به تعطیلی کشاندن
واحدهای تولیدی بانک
مرکزی باید انفعال
خود در باره بانکها را
کنار بگذارد**

که آن را باید نقطه سیاه کارنامه روسای پیشین بانک مرکزی دانست. چرا که عملکرد این نهاد در قبال این موضع بدتر از انفعال آن در مقابل خودسری های بانکهای خصوصی بوده است. به عنوان نمونه، آقای عبدالناصر همتی رئیس پیشین بانک مرکزی یک روز پس از روی کار آمدن اعلام کرد که «دلار ناموس بانک مرکزی است»؛ این اظهار نظر برای نظام بانکی کشور گران تمام شده به گونه ای که چنین اظهار نظری از سوی رئیس بانک مرکزی باعث گره خوردن تملکی مباحث اقتصادی کشور به ویژه قیمت کالاهای اساسی با موضوع نرخ ارز شد.

در حال حاضر متأسفانه وضعیت به گونه ای رقم خورده است که نوسانات نرخ ارز به صورت عینی بر روی شاخص نرخ تورم منعکس شده است؛ با توجه به این نکته اعتقاد من بر این است که اصلاً بانک مرکزی حق ندارد برای بازار ارز نرخ تعیین کند بلکه باید ساز و کاری فراهم کند که در بستر آن عرضه و تقاضا حقیقی تعیین کننده قیمت ارز در بازار باشد

بورس آرام می‌گیرد؟

زیادی بر اقتصاد گذاشته است. تحریم‌های اعمال شده از یک سو، صادرات نفت را مختل کرده و از سوی دیگر، نظام بانکی را با مشکلات زیادی مواجه ساخته است.

این تحریم‌ها، بازار سرمایه را هم تحت تأثیر قرار داد؛ تا جایی که شرکت‌های بزرگ بورسی با مشکل روبه‌رو شدند و لغو این تحریم‌ها می‌تواند تأثیرات زیادی بر روند بازار سرمایه داشته باشد.

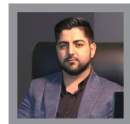
این روزها که اخبار پیرامون احیای برجام قوت گرفته، پیش‌بینی‌های گوناگونی در خصوص

بازار سرمایه همچنان در فاز رکود به سر می‌برد و پس از سنگین‌ترین ریزش تاریخ، همچنان روند معاملات بورس به یک حالت پایدار و متعادل نرسیده است و برخی از سهام کاهش قیمت بیش از ۹۰ درصد نیز تجربه کرده‌اند.

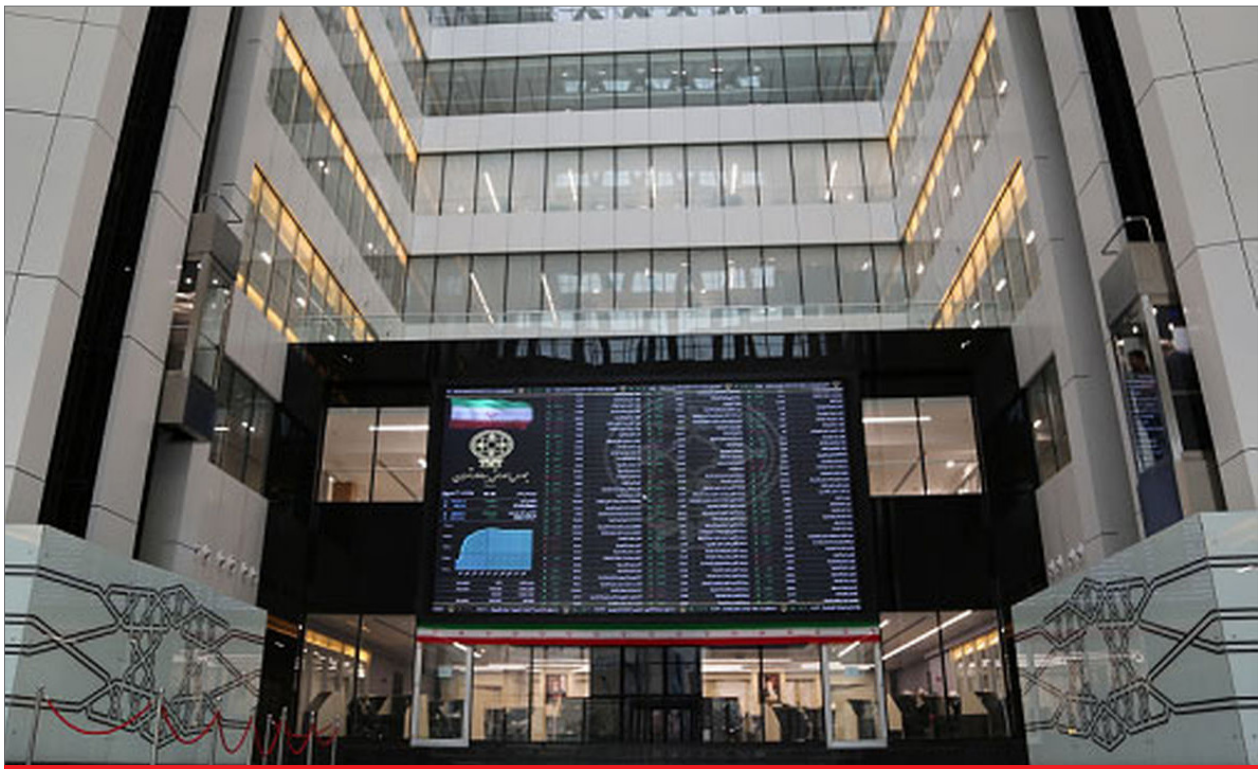
البته کارشناسان مختلف بازار سرمایه، معتقدند که این ریزش به پایان موج نزولی خود رسیده و باید از محدوده‌های فعلی کم‌کم و با شیب ملایم منتظر بازگشت بازار باشیم. با این حال، آنچه بازار را با مشکل روبه‌رو کرده، سایه سنگین ابهامات است که همچنان بر روی آن سنگینی می‌کند.

رخدادهای سیاسی به خصوص در حوزه بین‌الملل، این روزها بیش از هر زمان دیگر

بر بورس تهران تأثیر گذار بوده و یکی از عوامل مهم بر روند بازار سرمایه و بازارهای موازی به حساب می‌آید. طی سال‌های اخیر یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین رویدادهای سیاسی کشور، بحث برجام بوده که تأثیر



امیر توپچی‌پور
کارشناس
بازار سرمایه





تأثیرات آن بر بازار سرمایه انجام می‌شود و برخی از بازارها نیز به استقبال برجام رفته و نسبت به این اتفاق واکنش نشان داده‌اند. برخی از فعالان بازار معتقدند در صورت تحقق برجام، با توجه به کاهش انتظارات تورمی و احتمال افت نرخ دلار، بازارهای مالی وارد رکود می‌شوند و بازار سرمایه نیز افت محسوسی را تجربه خواهد کرد.

از سوی دیگر، طی ماه‌های اخیر بحث بودجه نیز بازار سرمایه را با فشارهای زیادی همراه کرد و با توجه به کسری بودجه دولت، تلاش بر این بود تا از طریق بحث مالیات و... بخشی از کسری سال آینده از طریق شرکت‌های بورسی برطرف شود اما این روزها با توجه به رشد خیره‌کننده قیمت نفت برنت و از طرف دیگر افزایش امیدواری نسبت به حذف تحریم‌های نفتی می‌توان امیدوار بود که با افزایش درآمد نفتی دولت، فشارها در قبال بازار سرمایه کاهش یابد. از طرف دیگر، آزادسازی منابع مسدود شده در کنار درآمد حاصل از فروش نفت به تقویت منابع ارزی در کشور می‌انجامد و این تصور ایجاد می‌شود که در صورت افزایش عرضه، شاهد کاهش نرخ دلار و تأثیر منفی آن بر بازار سرمایه باشیم.

باید توجه داشت در حال حاضر فروش صنایع دلاری بر اساس دلار نیمایی بوده و در ماه‌های اخیر نیز با وجود افزایش نرخ دلار در بازار آزاد، این موضوع تأثیری بر این صنایع نداشت. بنابراین در صورت افت بیش از پیش نرخ دلار در بازار آزاد، احتمال کاهش نرخ دلار نیمایی که بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های دولتی است، کمتر بوده و نمی‌توان این موضوع را تهدیدی برای بازار تلقی کرد. همچنین در صورت ایجاد گشایش‌های سیاسی می‌توان منتظر کاهش هزینه‌های تولید و افزایش میزان فروش شرکت‌ها بود که حتی در صورت افت نرخ فروش، افزایش فروش می‌تواند سودسازی صنایع صادراتی را با رشد همراه کند و اتفاقی مثبت در صورت‌های مالی این شرکت‌ها رقم بزند. در سوی دیگر، صنایع ربالی نیز در صورت تحقق برجام با اتفاقات مثبتی همراه خواهد

بود؛ گروه بانکی و خودروبی می‌توانند سریع‌ترین واکنش را به برجام داشته و جزو اولین گروه‌هایی لقب بگیرند که نسبت به این اتفاق واکنش مثبتی نشان می‌دهند و پس از آن با یک وقفه کوتاه‌مدت شاهد واکنش مثبت کلیت بازار خواهیم بود.

با جمع‌بندی موارد عنوان شده و همچنین با توجه به وضعیت کنونی اقتصاد کشور، نمی‌توان در کوتاه‌مدت انتظار روند مثبت محسوسی از بازار سرمایه داشته باشیم.

پیش‌بینی می‌شود با بهبود گزارش‌های مالی شرکت‌ها در ادامه سال، بورس در ۱۴۰۱ روندی بهتر از سال جاری را تجربه کند.

همچنین اتخاذ سیاست حمایتی نسبت به بازار سرمایه توسط دولت می‌تواند بیشتر از مؤلفه‌های بیرونی بر روند بازار تأثیرگذار باشد. یکی از این موارد کاهش نرخ بهره بین‌بانکی به زیر ۲۰ درصد است که طی یکی دو ماه اخیر شاهد افت این نرخ با شیب ملایم بودیم و در صورت تحقق این اتفاق می‌توان نسبت به بهبود وضعیت بازار امیدوارتر بود.



سال آینده برای فروش نفت می‌تواند سال خوبی باشد و با توجه درآمد بالای ارزی، دولت ناچار به فروش این ارز در بازار است. این اقدام باعث می‌شود، نرخ ارز یا ثابت بماند یا حدودی کاهش پیدا کند. اما برای صادرات دیگر محصولات غیرنفتی سال خوبی نخواهد بود

وضعیت بازار سرمایه در دولت رئیسی واکاوی شد

دلایل بازدهی منفی صنایع بورسی

۳۱ هزار تومان نیز پیش رفت و بازدهی بازارها تا این تاریخ مناسب ارزیابی شد، اما بعد از این تاریخ روند بازارها نزولی شد. نسبت بازدهی بازارها تا آذر ماه ۱۴۰۰ عبارت از: «مسکن ۱۸ درصد، طلا ۱۸ درصد، خودرو ۲۷ درصد، شاخص بورس ۴ درصد، سکه ۱۸ درصد، ارز ۸٫۷ درصد.» اما روند سالیانه بازارها متفاوت بوده و تقریباً قیمتها به همان قیمت ابتدای سال بازگشتند.

به طوریکه دلار در فروردین سال جاری در بازار آزاد ۲۴ هزار و ۷۵۰ تومان معاملات خود را در اولین روز سال آغاز کرد. در اول اسفند ۱۴۰۰ حدود ۲۶ هزار تومان بسته شد. البته در نیمه دوم آذر سال جاری قیمت دلار در بازارهای آزاد ایران، تا ۳۱ هزار تومان نیز پیش رفت، اما در نهایت در ۲۶ هزار تومان بازی کرد و به دلیل خبرهای توافقی هسته‌ای روندی نزولی داشت و بر اساس خبرهای سیاسی متحرک بود.

در همین حال، هر مثقال طلا نیز در اولین روز معاملات با ۴۶ میلیون ۹۱۰ هزار ریال شروع به دادوستد کرد و در نهایت در آذرماه تا ۵۶ میلیون و ۴۶۰ هزار ریال پیش رفت اما در اول اسفند به ۵۰ میلیون و ۸۳۰ هزار تومان کاهش یافت. همچنین سکه امامی نیز در ابتدای سال ۱۱۲ میلیون و ۲۲۰ هزار تومان شروع به دادوستد کرد و در نیمه آذرماه سال جاری تا ۱۳۲ میلیون و ۴۶۰ هزار تومان پیش رفت، که در نهایت در اول اسفند ۱۴۰۰ به کانال قیمتی ۱۱۶ میلیون و ۶۹۰ هزار تومان بازگشت.

وضعیت بازارها در سال آتی در پست‌توافق

بازارهای غیرمولد در سال آتی با چند سناریو

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، بازارهای سرمایه‌پذیر ایران در سال جاری شرایط متفاوتی داشتند، اما بورس بدترین شرایط را تجربه کرده و همچنان در رکود عمیق بعد از سال ۹۹ به سر می‌برد و تاکنون بازدهی مناسبی را برای سرمایه‌گذاران در پی نداشته است. براساس این گزارش، شاخص کل در اولین روز معامله سال جاری از نقطه یک میلیون و ۳۰۹ هزار واحدی کار خود را آغاز کرد. نقطه اوج شاخص در ششم شهریور امسال با رقم یک میلیون و ۵۷۵ هزار واحد بود، اما در شش ماهه دولت ریسی، نه تنها هیچ رشدی نداشته و تمامی صنایع بورسی ایران، با وجود وعده بررسی سریع و حل مشکلات بورسی توسط دولت ریسی و به ویژه احسان خاندوزی وزیر اقتصاد، دارای بازدهی منفی بوده و عمق رکود بازار شدت یافت. در حقیقت، در نیمه دوم سال جاری (دوران شش ماهه دولت ریسی) بازدهی شاخص کل منفی ۱۷ درصد، بازدهی کل صنایع منفی ۳۰ درصد بودند. همچنین در زمستان ۱۴۰۰ بازدهی شاخص کل منفی ۸٫۷۵ درصد بود. به طور میانگین در شش ماهه دوم سال روزانه و هفتگی منفی ۰٫۱۴ درصد بازدهی برای شاخص کل ثبت شد.

وضعیت بازارهای موازی در سال جاری

در شش ماهه منتهی به ۳۰ بهمن ۱۴۰۰ که زمان بررسی شاخص‌های برای تهیه گزارش بوده؛ هیچ صنعتی در بازار سرمایه دارای بازدهی مثبتی نبوده و ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، تمامی شاخص‌های بورس در دولت سیزدهم بدون استثنا دارای بازدهی منفی بودند؛ به طور میانگین در شش ماهه منتهی به ۳۰ بهمن (از پایان مرداد تا ابتدای اسفند ۱۴۰۰) تمامی شاخص‌های بورس ۳۰ درصد بازدهی منفی داشتند؛ این در حالی است که اگر سرمایه‌گذاران دارایی خود را در بانک سپرده می‌کردند در این دوره شش ماهه حدود ۹ درصد بازدهی کسب می‌کردند. بنابراین بازار سرمایه را می‌توان کم‌بازده‌ترین بازار تلقی کرد. در همین حال، وضعیت بازارهای داخلی تا آذرماه وضعیت متفاوتی داشت؛ چراکه دلار در آذرماه تا مرز



اما موضوعی که در اینجا باید مورد اشاره قرار گیرد، این است که دولت سیزدهم برنامه مناسبی برای بازار سرمایه نداشته و با وجود اینکه وعده‌های زیادی برای احیای بورس داده بود، هیچ کدام عملیاتی نشده است. موضوع به دست کاری قیمت در بورس یا غیره بر نمی‌گردد؛ بلکه مساله بر سر دستورالعمل‌هایی است که دولت صادر کرده، که به نفع بازار سرمایه نبوده یا فروش اوراق در بورس که در نهایت به ضرر بورس تمام شده است. از این رو، با توجه به این رخدادها مشخص می‌شود که دولت با توجه به مشکلات اقتصادی زیادی که دارد، در حال حاضر توجه خاصی به بازار سرمایه ندارد و بازار به نوعی رها شده در دستان سرمایه‌گذاران است.

محتمل است. در درجه اول همه تحلیل‌ها و احتمالات بازارها را پیرامون شرایط سیاسی و توافق احتمالی یا عدم توافق باید صورت گیرد. اگر توافق صورت گیرد و در های کشور به سوی جهان باز شده و صادرات و واردات به شرایط عادی برگردد؛ قطعاً شاهد رونق تولید و افت بازارهای غیر مولد خواهیم بود. بازار سرمایه نیز در صورت انجام توافق وضعیت مناسبی را در سال آتی در پیش خواهد گرفت چراکه اغلب صنایع بورسی صادرات محور و تولیدی هستند. بر همین اساس رونق مناسبی را در عملکرد شرکت‌ها شاهد خواهیم بود. در همین رابطه مهدی نوری کارشناس ارشد بازار سرمایه در گفت و گو با «بازار پول» اظهار کرد: در صورت انجام توافق به دلیل رونق گرفتن تولید شرایط شرکت‌ها و صنایع بورسی رونق گرفته و در نیمه نخست سال آتی احتمالاً رشدی ۱۰۰ درصدی را شاهد خواهیم بود. اما در صورتیکه توافق صورت نگیرد، بازار نسبت به شرایط تورمی و قیمت دلار و غیره واکنش نشان می‌دهد و ممکن است در شش ماهه دوم سال آتی به دلیل شدت گرفتن تورم رشد قیمتی سهام شکل بگیرد که در نهایت به رکود عمیق منجر شده و وضعیت بیمار گونه‌ای را رقم خواهد زد.

نوری در ادامه بابیان اینکه در حال حاضر سرمایه‌گذاران حقوقی و صندوق‌ها و غیره احتمال توافق را بیشتر می‌دانند، گفت: از این منظر، این امیدواری در بازار سرمایه شکل گرفته است که در شش ماهه نخست سال آتی رکود بورس به پایان برسد و شاهد رونق نسبی و بازدهی مناسبی در بورس باشیم.

بازدهی ۶ ماهه	شرح	بازدهی ۶ ماهه	شرح
-۱۵,۹۶	اداره بازارهای مالی	-۳۲,۲۲	شاخص صنعت چوبی
-۱۵,۳۲	ذغال سنگ	۳۶,۷۹	شاخص فنی مهندسی
-۴۳,۸۸	سایر مالی	-۴۸,۳	شاخص لاستیک
-۵۰,۰۵	انتشار و چاپ	-۶۰,۱۵	شاخص ارکان و نهادهای مالی
-۴۶,۹	انبوه سازی	۳۸,۷۳	شاخص صنعت سیمان
-۲۰,۵۶	رایانه	-۴۵,۰۸	محصولات فلزی
-۱۱,۷۷	فلزات اساسی	-۳۴,۰۱	قندوشکر
-۱۳,۹۸	سرمایه گذاری‌ها	-۲۸,۹۳	حمل و نقل
-۱۶,۰۱	زراعت	-۴۰,۱۵	محصولات کاغذی
-۳۴,۹۲	فلزی مهندسی	-۳۹,۱۷	ماشین‌الات
-۱۴,۵۸	کاشی و سرامیک	-۳۴,۶۲	رادیویی
-۱۰,۹۱	کانه فلزی	-۳۹,۹۷	دستگاه‌های برقی
-۳۶,۶	غذایی بجز قند	-۳,۱۶	وسایل ارتباطی
-۳۰,۴۲	بازدهی صنعت بیمه و بازنشسته	-۲۹,۶۳	کانی غیر فلزی
-۳۲,۴	مواد دارویی	-۳۵,۱۳	شاخص اطلاعات و ارتباطات
-۱۵,۱۶	خودروی	-۴۱,۳	منسوجات
-۱۸,۵۱	بانک‌ها	-۱۷,۱۶	مالی
-۴۹,۴۳	بازدهی صنعت استخراج نفت جز گشف	-۵۳,۲۶	سایر معادن
-۸,۷۲	فرآورده‌های نفتی	-۳۹,۰۸	محصولات چرمی
-۱۸,۲۵	شیمیایی	-۱۴,۰۳	چندرشته‌ای

اثر مذاکرات بر جامی بر بورس



حسین مریدسادات
کارشناس
بازار سرمایه

یکی از مولفه‌ها و ریسک‌هایی که این روزها درباره بازار بورس می‌توانیم درباره آن بنویسیم قطعاً مذاکرات بر جام و تاثیر این مذاکرات بر روند معاملات بازار بورس اوراق بهادار تهران است.

بر کسی پوشیده نیست که به واسطه تحریم‌های ظالمانه‌ای که از طرف کشورهای اروپایی و امریکا بر اقتصاد ما تحمیل شده، بسیاری از صنایع ما هم در بازار بورس درگیر تحریم و هزینه‌های اضافه بر سازمان هستند، برای مثال؛ گروه خودرویی به واسطه تحریم‌هایی که در بحث قطعات خودرو و تکنولوژی مونتاژ دارند. در حال حاضر در شرایط خوبی به سر نمی‌برند و گروه حمل و نقل جزو گروه‌هایی است که متأسفانه به واسطه تحریم‌ها شرایط مساعد و مناسبی را ندارند و گروه بیمه‌ای و گروه بانکی هم به واسطه FATF و سوئیفت و سایر مولفه‌های مورد نیاز نظام داد و ستد بانکی در شرایط کنونی صورت‌های مالی جذابی ندارند، اما به واسطه مذاکرات بر جام می‌توان سناریوهای احتمالی برای بازار بورس و گروه‌های تاثیر گرفته از مذاکرات بر جام نوشت.

نکته اول و سناریوی اول می‌توان به این اشاره کرد که بر جامی در کار نباشد، با توجه به اینکه به نوعی صنایع خودشان را با تحریم سازگار کردند اتفاق خاص و عجیب و غریبی نخواهد افتاد، اما در گروه‌هایی که تأثیر می‌پذیرند، مثل گروه «خودرو و بانکی و حمل و نقل و بیمه» و از این دسته گروه‌ها تأثیر خود را می‌گذارد، اما گروه‌های دلاری قطعاً تأثیرات مثبت بزرگی را خواهند دید، مثل صنایع پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی که به نوعی صادرات محور و صنایع دلاری هستند می‌توانند تأثیر مثبت از بالا رفتن نرخ دلار که نتیجه نهایی عدم توافق در بر جام هست داشته باشند.

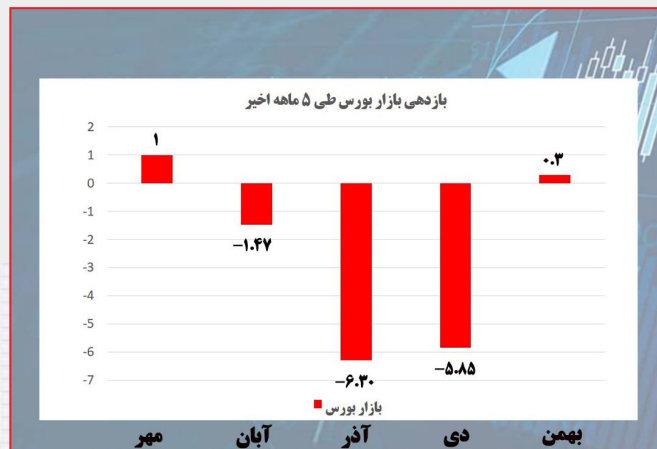
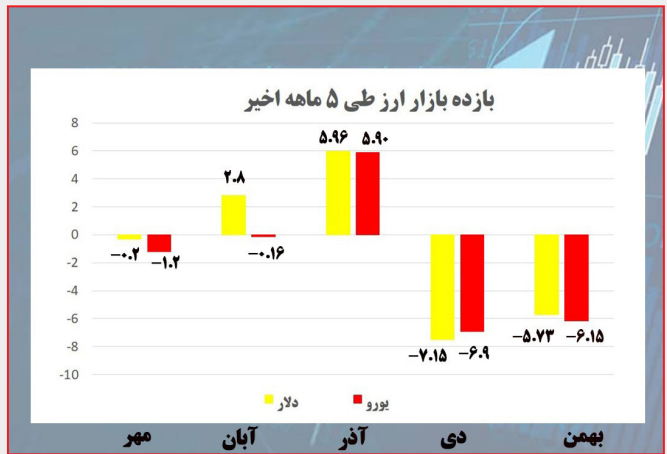
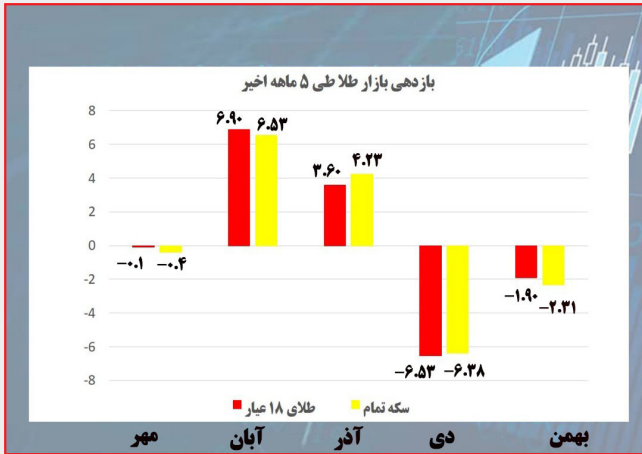
اما سناریو محتمل در این روزها که مذاکرات بر جام باز هم رونق گرفته این است که به نوعی بر جام محقق شود، اگر بر جام محقق شود به احتمال فراوان تحریم‌ها که در حوزه‌ها و صنایع مختلف صورت پذیرفته به یک باره برداشته خواهد شد؛ به عنوان مثال در همین گذشته نه چندان دور در گروه ایران خودرو و ماشین‌هایی نظیر پژو ۲۰۰۸ پژو ۳۰۱ و پژو ۵۰۱ تولید و مونتاژ می‌شدند و حتی در گروه ایران خودرو خط مونتاژ بنز E۲۸۰ را هم داشتیم، که همه اینها می‌توانند تأثیر مثبتی هم در بحث تجهیزات و تکنولوژی و هم در بحث ساخت گروه خودرو و تامین قطعات با کیفیت تر و واردات آسان تر آنها تا به دست گروه‌های خودروساز برسد.

از طرفی دیگر گروه بانکی به واسطه مرادفات مالی راحت تر می‌توانند به سادگی هر چه تمام تر و تأثیر این بر جام را در صورت‌های مالی خودشان ببینند اما به راستی کدام یک از سناریوها محقق خواهد شد؟ به عقیده بسیاری از کارشناسان بر جام نزدیک است و به واسطه آن باید چیدمان صحیحی در سبدهای

سرمایه‌گذاری خودمان داشته باشیم؛ یعنی بتوانیم از گروه‌هایی که این روزها دستخوش این مشکلات هستند استفاده کنیم و یک چیدمان سبد چابک را داشته باشیم؛ برای اینکه بتوانیم یک بازده خوب را از بر جام بگیریم به هر ترتیب نهایت هر تحریم برداشته شدن آن است و امیدواریم با برداشته شدن این تحریم‌ها بتوانیم به دهکده جهانی اقتصادی بازگردیم و به واسطه این مرادفات اقتصادی ساده بتوانیم بازار بورس پر رونقی را داشته باشیم.

از طرف دیگر تنش‌هایی که در نظام‌های سیاسی بین اتحادیه اروپا و روسیه اتفاق افتاده می‌تواند در بازارهای جهانی و نرخ کامودیتی‌ها تأثیر گذار باشد، قطعاً اتفاقاتی که در حوزه نظامی به اوکراین و روسیه می‌افتد، میتواند قیمت طلا و بالا بردن و بالا رفتن قیمت طلا می‌تواند به عنوان یک محرک در این بازار موازی باشد و این موازی بودن بازار می‌تواند تأثیر منفی بر روی بازار بورس بگذارد و شاید بخشی از فشارهای فروش به دلیل روند صعودی طلا در این هفته اخیر بوده به این دلیل که طلا یک محصول ریسک‌گریز و امنیت‌گریز است و خیلی مایل است که در دنیا آشوب به وجود آید و به عنوان مثال آشوب‌های بهداشتی مثل کرونا یا نظامی، جنگ احتمالی که همگی می‌توانند بر روی بازار بورس تأثیر گذار باشند. در نهایت با توجه به شرایط کنونی می‌توانیم اسفندماه برای بازار بورس بازار متعادل رو به پایین پیش‌بینی کنیم و امیدوار هستیم ارزش معاملات توامان بالاتر آید.

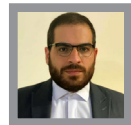
بازدهی بازارهای مالی



آینده بورس به کجا می‌رسد؟

دسته اول یعنی خوشبینان به مذاکرات و نتایج حاصل از آن بر این عقیده استوارند که راه برون رفت از مشکلات اقتصادی چیزی جز تعامل مثبت و سازنده با کشورهای جهان به ویژه دول قدرتمند نیست. اگر نتایج برجام آنطور که ایندسته آن را ادعا می‌کنند واقعاً محقق شود؛ حجم مهمی از ارز کشور که حاصل از فروش صادرات نفت بوده و اکنون در بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف قفل

عموم فعالان بازار سرمایه در حال حاضر بر این موضوع متفق القول هستند که آینده بازار سرمایه و فضای اقتصادی کشور منفک از آینده مذاکرات رفع تحریم ایران و قدرت‌های جهان نیست، شاید بتوان با صراحت کامل این موضوع را بیان کرد که فضای شک و تردید حاکم بر بازار در چند وقت اخیر کاملاً با روند این مذاکرات مرتبط بوده است. به نظر؛ در سپهر اقتصاد ایران اکنون چیزی مهم‌تر از این مذاکرات پنداشته نمی‌شود. این پارامتر مهم هر نتیجه‌ایی که در بر داشته باشد به نوعی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود را بر کشور خواهد گذاشت. به صورت کلی تحلیلگران در این شرایط



عرفان کاظم‌زاده
کارشناس
بازار سرمایه

به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ خوشبینان به مذاکرات و بدبینان.



آینده بازار سرمایه روشن خواهد بود البته به شرط اینکه ساختارهای معیوب و فاسد اقتصاد کشور ترمیم شده و روابطمان را با دنیا بهبود ببخشیم

شده آزاد خواهد شد. این موضوع سبب می شود که دولت نوپای «سید ابراهیم رئیسی» با برخورداری از نقدینگی مناسب توان بیشتری در اداره کشور داشته باشد و مهم تر اینکه این اتفاق باعث می شود، قیمت دلار به جای رشد افسار گریخته در وضعیت با ثباتی قرار بگیرد.

ورود درآمدهای ارزی زمینه را برای جبران کسری بودجه هنگامت دولت فراهم می کند و باعث رشد و بزرگ تر شدن کیک اقتصاد می شود. از طرفی با مشاهده صنایع مهم کشور مانند صنعت پتروشیمی و فلزات کشور و بسیاری از صنایع دیگر متوجه می شویم که آثار تحریم چندین ساله دولت های قدرتمند خارجی بر تارک این صنایع نقش بسته است. این صنایع در حال حاضر با استهلاك ماشین آلات و قطعات و عدم بروز شدن زیر ساخت ها و سخت افزارهایشان دست و پنجه نرم می کنند که این موضوع رفته رفته باعث شده بهره‌وری ایشان روز به روز تحلیل برود.

صنعت بانکداری که به عقیده بنده از بزرگترین آسیب دیدگان تحریم های ظالمانه هستند، چندین سال است که از فضای رقابتی و پیشرفت این صنعت در سطح بین الملل عقب افتاده اند، که بدین ترتیب رفع تحریم ها سبب سهولت تراکنش های مالی کشور در مرادوات خود با سایر کشورها شده و می تواند منجر به بهبود کیفیت خدمات رسانی شود.

در صنعت خودروسازی اما باید بدانیم که این صنعت در کشور عملاً جزو صنایع صادرکننده نیست و از طرفی دیگر بخش عمده از قطعات به کار رفته در در ساخت از خارج می شود. اثرگذاری تحریم در این صنعت بدین شکل بوده که نرخ ارز را افزایش داده و مهم تر از آن باعث شده که شرکت های خودروسازی قطعات مورد استفاده شان را با بهای تمام شده بالاتری تهیه کنند، که همانطور که ممکن است بدانید این موضوع باعث زیان دهی

صنعت خودروسازی در کشور شده است. مهمترین اتفاقات پس از توافق این است که مانع قیمتگذاری دستوری دولت در صنایع مختلف می شود. دولتی که پول نداشته باشد به ناچار سعی در کنترل وضعیت کشور با استفاده از اهرم قیمتگذاری دستوری خواهد بود که این مورد سبب می شود صنایع کشور آسیب دیده و زیان ده شوند. با نگاه اجمالی به مباحث ذکر شده در بالا می توان به راحتی فهمید که رفع تحریم ها فواید مهم و اثرگذاری بر جو اقتصاد کشور دارد، اما نباید از دیدگاه بدبینان به مذاکرات رفع تحریم هم به راحتی عبور کنیم. به عقیده این گروه، بسیاری از مشکلات کشور ناشی از ساختارها و زیرساخت های کشور است که هیچ گونه ارتباط معناداری با تحریم ندارد. به عقیده آنها، اعتماد به طرف های مذاکرات به دلیل بدعهدی و بدقولی شان در جریان اتفاقات پس از برجام دلیل واضح و مبرهنی بر عدم اعتماد به این قدرت ها به ویژه ایالات متحده آمریکا است.

به طور کلی و به دور از هر نوع ملاحظه سیاسی باید بگوییم رفع تحریم زمینه رشد را تقریباً برای تمام صنایع فعال در بازار ایران فراهم می آورد. من معتقدم این استدلال که با رفع تحریم و اثر مبنی بر کاهش نرخ دلار، صنایعی چون پتروشیمی و پالایشگاهی که صنایع صادرکننده کشور هستند، وضعیت مناسبی پیدا نخواهند کرد؛ مخالفم زیرا بر این عقیده استوارم که رفع تحریم این صنایع باعث بهبود عملکردشان به دلیل سرمایه گذاری بیشتر و ترمیم زیرساخت های شان خواهد شد و اثر کاهش نرخ ارز را بر آن ها خنثی خواهد کرد. به طور کلی می توان گفت که آینده بازار روشن خواهد بود، البته به شرط اینکه ساختارهای معیوب و فاسد اقتصاد کشور ترمیم شده و روابطمان را با دنیا بهبود ببخشیم.



روابط ایران با جهان با احیای توافق به چه سمتی می رود؟

نسخه پساتحریم تجارت

اگر توافق احیا شود و تحریم‌ها رفع شود؛ تجارت ایران به کدام سو می رود؛ آیا شاهد گشایش‌هایی در اقتصاد و تجارت و رفت و آمد هیات‌های اقتصادی مختلف خواهیم بود یا فضای متفاوتی را تجربه خواهیم کرد؟ تحلیلگران معتقدند، از سرگیری روابط چنانچه به صورت هوشمندانه پیش برود، می‌تواند فرصت خوبی برای ایران باشد. اما برای پاسخ به این پرسش که بعد از توافق اصولاً روابط ما با جهان به چه سمتی می‌رود، باید چند نکته را مورد توجه قرار داد. اولین مساله این است که چه توافقی صورت می‌گیرد؟ به گفته فعالان اقتصادی، مهم‌ترین راس در مذاکرات و هسته اصلی برای نتیجه‌بخش بودن برجام، مساله گشایش سیستم مالی با دنیاست؛ توافقی که در مذاکرات قبلی حاصل نشد و لازم است به‌طور کلی حل شود؛ چرا که مساله انتقال پول از مجاری رسمی بانکی بین کشورها یکی از ارکان اصلی پیش‌برد پروژه‌هایی است که تعریف می‌شود. از این رو، برای پیوستن ایران به FATF این موضوع باید لحاظ شود. «رفع موانع بانکی، تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری در صادرات گاز کشور به اروپا، جلوگیری از فرار سرمایه در پساتحریم، کاهش تورم، ثبات نرخ ارز و مدیریت آن و...» از دیگر مواردی است که دولت باید گام‌های لازم را در این راستا بردارد.

گام اول چیست؟

اگر ایران بخواهد به تعاملات بین‌المللی بازگردد، باید کشور آماده تطبیق با استانداردهای به‌روز بین‌المللی بوده و برخی قوانین و مقررات داخلی متناسب با آن اصلاح شود. تصویب FATF در این میان یکی از مهم‌ترین استانداردهاست. از این رو، برای ایران ضروری است تا چنانچه تحریم‌ها برداشته شود، برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی و اصلاح و به‌روزرسانی مقررات بانکی و مالی خود اقدام کند تا بتواند با ایجاد شفافیت جلب اعتماد کند و موارد ابهام را برای شرکای تجاری خود به حداقل برساند. در همین رابطه فریال مستوفی، فعال اقتصادی در این باره معتقد است: ایجاد شفافیت می‌تواند از فرار سرمایه‌ها از کشور جلوگیری کند و این یکی از مزیت‌هایی است که لغو تحریم می‌تواند برای کشور به وجود بیاورد. اما به گفته این فعال اقتصادی، مساله دیگری که در صورت حصول توافق می‌تواند برای ما مفید باشد، افزایش درآمد حاصل از فروش بیشتر نفت است. در صورتیکه میزان صادرات نفت ایران به حالت پیش از تحریم‌ها بازگردد، کشورهای مثل چین، هند، کره جنوبی، ترکیه و... منتفع خواهند شد؛ چرا که با بازگشت دوباره ایران به بازار جهانی فروش نفت، رقابت افزایش می‌یابد و کشورهای واردکننده می‌توانند با شرایط بهتری به نفت خام دست یابند. البته کشورهای تولیدکننده نفت مسلماً از این موضوع خوشحال نخواهند شد. موضوع مهم دیگر، به گفته فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاری در صادرات گاز کشور به اروپاست؛ موضوع بسیار مهمی که متأسفانه دولت از آن غافل شده، در حالی که ایران دارنده دومین ذخایر گازی دنیاست و می‌تواند از منافع ناشی از صادرات گاز درآمد زیادی داشته باشد و این مهم کمک موثری به رشد اقتصادی کشور و بهبود شرایط اقتصادی است.

دولت چه باید بکند؟

جدای از مسائلی که مطرح است، در فضای پس‌ابرجام دولت باید چه اقدامات انجام دهد، تا کسب و کارها، اقتصاد و تجارت رونق بگیرد؟ عباس آرگون دیگر فعال اقتصادی، در اینجا به بحث نااطمینانی‌ها و عدم قطعیت‌ها در ادبیات اقتصادی ایران اشاره می‌کند و معتقد است که در چنین فضایی فعالیت تجاری و اقتصادی و کسب و کار بسیار سخت است. همچنین به گفته او، وجود قوانین متعارض، متعدد و خلق الساعه مزیت بر علت شده و فضا را بر فعالان اقتصادی تنگ‌تر کرده است. از نگاه این فعال اقتصادی، دولت باید بسترها را فراهم کند، تا فعال بخش خصوصی با رغبت بیشتری به عرصه فعالیت‌های اقتصادی ورود کنند. به گفته او، چنانچه توافقی حاصل شود، دولت و دستگاه‌های متولی باید زمینه حضور بازرگانان را در بازارهای جهانی تسهیل کنند؛ حال یا از طریق انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و یا با عضویت در سازمان تجارت جهانی.



اگر ایران بخواهد به تعاملات بین‌المللی بازگردد، باید کشور آماده تطبیق با استانداردهای به‌روز بین‌المللی بوده و برخی قوانین و مقررات داخلی متناسب با آن اصلاح شود. تصویب FATF در این میان یکی از مهم‌ترین استانداردهاست

موضوع دیگری که آرگون به آن اشاره می‌کند، بحث مراودات مالی و بانکی است که باید به طور جد در دستور کار قرار گیرد؛ چرا که در شرایط کنونی هزینه مبادلات تجاری به دلیل محدودیت‌هایی که وجود دارد بسیار بالاست. بنابراین باید ریسک تجارت در پس‌ابرجام به حداقل برسد. بحث «تورم، غیرپیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز، نبود امنیت سرمایه‌گذاری» و مسائلی از این دست نیز از دیگر انتظارات بخش خصوصی از دولت سیزدهم است.

چند گام مهم که باید برداشته شود

مساله‌ایی که مورد توافق خیلی از فعالان اقتصادی است، اینکه رفع موانع بانکی یکی از مهم‌ترین دستاوردهایی است که عبور از تحریم‌ها می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد. موضوعی که سال‌هاست چالش اصلی بخش خصوصی برای تجارت تبدیل شده و آسیب‌های جدی به صادرات و واردات کشور وارد کرده است. مسعود جمالی فعال اقتصادی به «بازار پول» می‌گوید: انتظاری که بخش خصوصی در این راستا از دولت دارد این است که با پیوستن به «اف‌تی اف» مبادلات بانکی بین‌المللی را با بانک‌های ایرانی تسهیل کند. بنابراین در زمانیکه تحریم رفع می‌شود، دولت نیز باید در راستای تسهیل مقررات داخلی و صادرات و به ویژه موضوع دستورالعمل‌ها اقداماتی جدی را انجام دهد.

موضوع دیگر به گفته جمالی، تدوین برنامه مدون توسعه صادرات و مبتنی بر واقعیت و مزیت‌های صادراتی و به دور از خیال‌پردازی است. در راستای برنامه توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای دیگر، «ایجاد مراکز تجاری، اعزام رایزنان اقتصادی حرفه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی سفارتخانه‌ها، پیگیری ایجاد تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و سایر کشورها» از دیگر ظرفیت‌هاست که باید مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. آنچه در این میان واضح است اینکه رفع تحریم،



افزایش صادرات را برای کشور به همراه خواهد داشت؛ اما نکته مهم این است که صادرات از طریق تولیدات موجود تقویت شود و یا اینکه تولید صادرات محور نیز افزایش یابد؟ افزایش تولید صادرات محور می تواند به این شکل باشد که تولیدکنندگان با تکیه بر درآمدهای صادراتی میل به افزایش سطح کیفی محصولات خود پیدا کنند و به عبارتی تولیدات خود را در راستای صادرات و کسب بازارهای بین المللی شکل دهند؛ این موضوع علاوه بر افزایش توان رقابتی شرکت ها و رضایتمندی مشتریان داخلی می تواند درآمدهای ارزی کشور را به صورت جدی با رشد همراه سازد. از این رو، دولت می تواند با در نظر گرفتن سیاست های تشویقی، تولیدکنندگان را به سمت تولید صادرات محور سوق دهد و این سیاست های تشویقی نیز می تواند با تکیه بر سیاست های کاهش هزینه صادرات محقق شود. تشویق هایی از قبیل تسهیلات بانکی برای صادرکنندگان، کاهش عوارض گمرکی صادرات، جایزه های صادراتی و... بدون شک باید در سیاست های توسعه ای کشور پس از رفع تحریم ها شکلی جدی تر به خود بگیرند.

جمالی در این زمینه تاکید می کند: پس از یک دوره طولانی تحریم مرزهای تجاری کشور به رونق می افتند، تمایل برای مصرف کالاهای خارجی نیز در کشور بالا می رود و در این شرایط توجه به موضوع صادرات و ورود موقت و حمایت از تولید داخلی را در دستور کار خود قرار دهند؛ بر این اساس دولت می توانند با ارائه تسهیلات در راستای صادرات برای تجار آنها را به سمت صادرات سوق دهد. علاوه بر این وضع تعرفه های منطقی وارداتی نیز می تواند اقدام دیگر در راستای حمایت از تولید داخلی و صادرات باشد. با اینهمه یکی از چالش هایی که رفع تحریم و آزاد شدن منابع ارزی بلوکه شده ایران می تواند به همراه داشته باشد، این است که نرخ ارز به دلیل افزایش

عرضه در کشور با یک شوک کاهشی همراه شود. این مسئله می تواند تنش های جدیدی را در مسئله قیمت گذاری و تولید و صادرات ایجاد کند. بنابه اظهارات جمالی، بخش خصوصی از دولت انتظار دارد که در صورت رفع تحریم ها و آزاد شدن منابع ارزی مدیریت ارزی مناسب را برای کنترل و واقعی سازی نرخ ارز ایجاد کند تا نرخ واقعی و منطقی ارز توسط بازار کشف شود

🔴 نیاز به تعامل جهانی داریم

سیدمحمد هاشمی فرد، دیگر فعال اقتصادی معتقد است: برای اینکه اقتصاد ایران دوباره پا بگیرد و از رکود و انتظار تومی خارج شود، نیاز به صدها میلیارد دلار پول دارد و این هم در گروی تعامل با دنیا و برقراری مرادفات تجاری با تمامی کشورها است. فاکتور دیگر این است که باید صادراتی فناورانه و به دور از خام فروشی داشته باشیم و از صادرات کالاهای مان به صورت سنتی و فرآوری نشده فاصله گرفت! به گفته او، در تعامل با دنیا نکته دیگری که باید مدنظر مسوولان بالادستی قرار گیرد، این است که در روابط با کشورها، این منافع هر کدام از طرفین است که حرف اول را در مذاکرات و قراردادهای می زند؛ یعنی

هر کشوری در هر مذاکره، تفاهمنامه، قرارداد، توافق یا روابط اقتصادی و تجاری، در وهله نخست به سود و منفعت خود از این رابطه نگاه می کند. پس این گونه نیست که گفته شد ما فقط باید فکر منافع خودمان باشیم و دیگر کشورها نباشند. لذا ما نیازمند ارتباط با دنیا با لحاظ حفظ و تقویت منافع و مصالح خودمان از این ارتباط هستیم، چراکه نمی توانیم برای طولانی مدت، درهای کشور را ببندیم و در یک محیط گلخانه ای اقدام به تجارت کنیم. او می گوید: ما باید از تمامی منابع نفتی، گازی و معدنی و صنعتی و از همه ارزشمندتر منابع انسانی خود در مرادفات اقتصادی و تجاری با دنیا خلق ثروت کنیم. حال از آنجایی که ایران ممکن است نتواند در برخی معاهدات بین المللی حضور پیدا کند، می تواند با انعقاد پیمان های منطقه ای دوجانبه، سه جانبه، حضورش را در بازارهای جهانی پررنگ تر و نقش آفرینی اش را عمیق تر کند و از این طریق تجارت خود را هم رونق دهد. بنابه اظهارات این فعال اقتصادی، اما چنانچه از این نوع ارتباطات بهره برداری نکنیم، قطعاً منزوی خواهیم شد و دود این انزوا تنها در چشم ما خواهد رفت و منافعی را همه بیگانگان خواهند برد؛ جز خودمان!

رئیس چراغ توسعه را روشن کند



مهدی کرباسیان
رئیس
پیشین ایمیدرو

از آنجایی که دولت سیزدهم مدت کوتاهی است که سکان امور اقتصادی را به دست گرفته است؛ بنابراین برای قضاوت یا ارزیابی عملکرد کابینه یا وضعیت اقتصادی کشور زود است. اما بد نیست در این

نوشتار، به چند نکته مثبت در دولت جدید اشاره شود. نخست اینکه با توجه هماهنگی که بین سه قوه وجود دارد، می‌توان انتظار داشت که تصمیمات با سرعت بهتری عملیاتی شود. این در حالی است که در دولت دوازدهم، جلسات سران قوا بعضاً دو تا سه ماه برگزار نمی‌شد، یا اگر هم برگزار می‌گردید، تصمیمات به سرعت گرفته نمی‌شد. اما در این دولت، جلسات سران قوا، به طور منظم برگزار می‌شود، که این نکته مثبتی است. اتفاق مثبت دیگری که در این دوره ملموس است؛ هماهنگی و همکاری قوای مجریه، مقننه و قضایی است. به ویژه حمایت‌های قوه قضائیه از دولت سیزدهم کاملاً مشهود است، که خود این هم نشانه مثبتی است. به طور نمونه، در همین بحث آزادسازی سواحل دریای خزر یا خلیج فارس، سالها درباره آن صحبت می‌شد، اما هیچ‌گاه عملیات جدی در این زمینه صورت نمی‌گرفت. سومین اتفاق خوبی که در دولت سیزدهم رخ داد؛ انجام واکسیناسیون عمومی در کمترین زمان ممکن بود؛ این در حالی است که این موضوع در دولت قبل با تاخیر و کندی زیادی انجام شد، که متأسفانه منجر به فوت تعداد زیادی از هموطنانمان شد. اما درباره نقطه ضعف بزرگ دولت فعلی باید گفت، که دولت سیزدهم هم به مانند دیگر دولت‌ها، از تجربه یا نظر مشورتی کسانی که سال‌ها در حوزه اقتصاد کار کردند، استفاده نمی‌کند. ممکن است، نگرش و بینش‌ها همسان نباشند، اما این موضوع نباید منافع ملی را تحت الشعاع قرار دهد.

موضوع مهم دیگر که پاشنه آشیل دولت نیز

هست، بحث احیای برجام و تعاملات بین‌المللی است که باید با همکاری سایر قوا و حمایت رهبری و به یک نتیجه مطلوبی برسد. اینگونه اظهار نظرها که تحریم یا تورم اثری بر اقتصاد ندارد، و با تحریم هم می‌توان به رشد اقتصادی ۸ درصدی دست یافت، بر منطق اقتصادی استوار نیست و بیشتر حزبی و بانگاه سیاسی است. چراکه با رصد آمارهای اقتصادی هم می‌توان ملاحظه کرد که طی ۱۰ سال گذشته، نرخ سرمایه‌گذاری و توسعه در کشور کمابیش نزدیک به صفر بوده است. یا «جی دی پی» کشور هم پایین و منفی گزارش شده و تورم ۴۵ درصدی که راه تنفس اقتصاد را بسته است. اینها نشان دهنده مریضی مزمن اقتصاد ایران است؛ حال چنانچه عزمی باشد که اقتصاد حداقل از این مرحله طوفانی عبور کند و به ساحل آرامش برسد، باید احیای برجام را جدی بگیریم.

از دیگر اقدامات که باید در راستای توسعه تجارت خارجی در دستور کار متولیان تجاری قرار گیرد، حمایت از صادرات، تثبیت سیاست‌های اقتصادی و دستورالعملها و پرهیز از صدور بخشنامه‌های مزاحم و شبانه است. مساله دیگری که باید به طور جد مورد توجه قرار گیرد، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بخش‌های بالادستی نفت، معدن و صنایع معدنی، بخش پتروشیمی و نهایتاً منابع غذایی... است. چراکه غفلت در هر کدام از این بخش‌ها یک تهدید جدی برای اقتصاد ایران در بلندمدت به شمار می‌روند. با همه اینها دولت جدید باید چراغ توسعه را روشن کند؛ زیرا اگر این اتفاق نیافتد، سرمایه‌گذاری جدیدی در اقتصاد رخ نخواهد داد که این امر در نهایت منجر به تلنبار شدن معضلات اقتصادی، افزایش بیکاری و جدا شدن مردم از بدنه نظام و دولت خواهد شد.





سلطانی، نائب رئیس سابق اتاق ایران سه سناریو برای اقتصاد ترسیم کرد

توفیق اجباری صادرات نفت

فائزه طاهری

همین حال، ماجرای توافق یا توقف در احیای برجام نیز به ابهامات بیشتر دامن می زند. اما نائب رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران معتقد است، ایران می تواند از این اتفاق، به عنوان یک اهرم فشار در مذاکرات وین استفاده کند و با گرفتن امتیازهایی هر چند محدود، به توافق نهایی با آمریکا و اروپا دست یابد. پدram سلطانی، زمان فعلی را بهترین زمان برای احیای برجام می داند؛ چراکه با افزایش جهانی قیمت نفت در بازارها، ایران می تواند به سرعت به بازارهای جهانی برگردد. این فعال اقتصادی فروش نفت در این شرایط جنگی را یک توفیق اجباری برای صادرات کشورهای نفت خیزی مثل ایران می داند، که درآمدهای ارزشمندی را به صورت غیرمترقبه ای افزایش خواهد داد و در کوتاه مدت به نفعشان است. هر چند سلطانی بر این باور است، این درآمد ارزی برای ایران که منابع ارزی قابل اعتنایی ندارد، تنها از این حیث که می تواند بخشی از کسری بودجه دولت را پوشش دهد، خوب است، اما امکان دارد صادرات غیرنفتی و تولید را با اختلال مواجه کند. مشروح این گفت و گور در ادامه می خوانید:

هراندازه تهاجم روسیه به اوکراین وارد مراحل بحرانی تر می شد، سمت و سوی تحلیل ها به سمت فرصت کم نظیر برای انرژی ایران بیشتر می شد. شاید مهم ترین اثر پذیری ایران از این بحران، ماجرای انرژی و در رأس آن نفت باشد. به طوریکه خبرها حاکی از این است که روسیه در حال از دست دادن بخش مهمی از مشتریان انرژی خود است؛ اما اینکه تا چه اندازه ایران می تواند جایگزین این بازارها باشد، محل بحث و اختلاف است. در

با توجه به اتفاقاتی که در حال حاضر در اقتصاد ایران رخ داده، و البته مذاکراتی که پیش بینی می شود به احیای برجام منجر شود، پیش بینی تان برای اقتصاد و تجارت سال ۱۴۰۱ چیست؟

هر چند هنوز طبق اخباری که شنیده می شود ضدونقیض است و مذاکرات به نقطه شکننده ای رسیده است، اما در صورتیکه اتفاقی مانع نشود و این توافق در وین دومرته احیا شود، سال آینده برای فروش نفت و فرآورده های نفتی ایران و همچنین فرآورده های پتروشیمی و میعانات گازی و محصولات گازی که نفت پایه هستند، می تواند سال خوبی باشد. اما باید توجه داشت که برای سال آینده تورم بالایی پیش بینی شده است. بعلاوه اینکه درآمد ارزی بالای دولت به معنای این است که دولت ناچار به فروش این ارز در بازار داخلی است و فروش ارز باعث می شود که نرخ ارز یا ثابت بماند یا تا حدی کاهش پیدا کند. اما برای صادرات دیگر محصولات غیرنفتی ما سال خوبی نخواهد بود. زیرا تضاد تورم بالا با نرخ ارز کاهنده یا ثابت، معنایش این است که قیمت تمام شده کالای ایرانی در بازارهای جهانی بالا می رود، بنابراین تصور می کنم که سال آینده سال فشار به صادرات ایران خواهد بود. از سوی دیگر، در سال ۱۴۰۱ واردات افزایش قابل توجهی پیدا خواهد کرد، آنهم به دلیل اینکه دولت باید ارز خود را بفروشد و این ارز را باید به کسانی بفروشد، که مصرف ارزی دارند که بیشترین آن مربوط به واردات است. به نظر می رسد، فروش ارز، بیشتر در بازار غیرمولد یعنی برای مصارف خانگی توسعه یابد. اگر چه مجدد ارز مسافرتی را شاید قدری افزایش دهد و بدین شیوه بخشی از ارز را بفروشد، اما مبلغ قابل توجهی نخواهد بود. بنابراین در مجموع سال سختی برای صادرات است و ما به غیر از نفت، فرآورده های نفتی، پتروشیمی و میعانات گازی در بخش های دیگر نمی توانیم انتظار رشد صادرات را داشته باشیم.

بر اساس اخباری که از وین مخابره می شود، احیای توافق به نقطه شکننده ای رسیده، چنانچه به هر دلیلی احیای برجام به بن بست یا نقطه پایانی برسد، چه اتفاقی برای اقتصاد ایران رخ خواهد داد؟

البته اسم این توافق را به جای برجام، باید توافق وین گذاشت زیرا برجام مربوط به سال ۹۴ بوده اما اگر بازگشت آمریکا به توافق یا مذاکرات وین به شکست بیانجامد، چند سناریو می توان برای آن متصور بود. در بدبینانه ترین حالت یا سخت ترین سناریو، این شکست می تواند منجر به این شود که تحریم ها به صورت همه جانبه و جدی علیه اقتصاد ایران اعمال شود و به قطعنامه های شورای



سال آینده برای فروش نفت می تواند سال خوبی باشد و با توجه در آمد بالای ارزی، دولت ناچار به فروش این ارز در بازار است. این اقدام باعث می شود، نرخ ارز یا ثابت بماند یا حدودی کاهش پیدا کند. اما برای صادرات دیگر محصولات غیر نفتی سال خوبی نخواهد بود

امنیت که به موجب برجام تعلیق شده بودند، مجدداً برگردند و این ها به شدت می تواند تنگنای جدی برای اقتصاد ایران ایجاد کند، البته من گمان نمی کنم که در این شرایط و به ویژه با اتفاق جدیدی که در عرصه جهانی رخ داده که همان حمله روسیه به اوکراین است، این سناریو تحقق یابد. اما امکان دارد به یک سناریو بینابینی یعنی اطلاع بیشتر مذاکرات یا فشارهای بینابینی به ایران برای اینکه بتوانند توافق را عملی کنند، برسیم. چون در شرایط کنونی شکست کامل مذاکرات و کناره گیری همه اعضای مذاکره از توافق و برگشتن همه تحریم ها و قطعنامه ها علیه ایران، به غیر از اینکه به ایران آسیب های جدی می زند، بازار ملتهب نفت و منطقه را می تواند ملتهب تر کند. از سوی دیگر، غرب که در چنین شرایطی می خواهد، روی روسیه تمرکز کند، تا حدی به ناچار باید متوجه ایران هم بکند که بخواهند با دو جبهه و دو کشور تولیدکننده نفت مقابله کنند. این سناریو هم اصلاً در این شرایط مطلوب آمریکا و اروپا و چین نیست. البته تنها کشوری که از این سناریو نفع می برد روسیه است که فشار قیمت های انرژی روی مصرف کنندگان بازارهای اروپایی و آمریکایی را بیشتر می کند و آنها را به سمت نرمش بیشتر با روسیه سوق می دهد. بنابراین من سناریو را بین توافق می بینم با احتیاطاً عدم توافقی که در مدت زمان محدود و معینی باز طرفین را سوق می دهد به سمت این که مذاکره را ادامه دهند و در نهایت شاید ایران بتواند دو سه امتیاز نسبتاً محدود بگیرد، برخی از آن سازمان ها و گروه هایی را که می خواهد از لیست تحریم خارج کند و با این امتیازات در نهایت این توافق انجام می شود. طرف ایران هم باید بداند که از نظر زمانی، اکنون مناسب ترین زمان برای توافق است چون بالا بودن قیمت نفت نیاز به نفت ایران را بسیار زیاد می کند و ایران می تواند به سرعت به بازار برگردد در حالی که اگر احیاناً مناقشه روسیه به پایان برسد، بازگشت ایران به بازار نفت و انرژی

قطعاً دشوارتر است و حتماً در قیمت‌های پایین‌تری انجام می‌شود. بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که در همین هفته‌ها این مذاکره به نتیجه برسد و این توافق انجام شود.

با این تفاسیر معتقدید که جنگ روسیه و اوکراین، حداقل در کوتاه‌مدت به نفع ایران خواهد بود؟

بله برای متقاعد کردن یا تحت فشار گذاشتن طرف‌های مذاکره به غیر از روسیه یعنی پنج کشور دیگر به اینکه با ایران به توافق زودتری برسند. به عبارتی این پرونده را از روی میز بردارند و همچنین این سیگنال مثبت بتواند به بازار نفت داده شود و التهاب روزافزون آن را کاهش دهد، اثر مثبتی داشته باشد. چرا که آنها انگیزه مضاعفی دارند، برای اینکه این توافق انجام شود و واقعاً به

نفع ایران هم هست که اگر باز هم روسیه را نخورد، این توافق را انجام دهد.

صرفنظر از اینکه در بازارهای جهانی چه اتفاقی رخ می‌دهد، سیاست داخلی دولت جدید را از زمانی که روی کار آمده‌است، چطور ارزیابی می‌کنید؟

من دستاورد مشهودی را در هفت ماهی که از روی کار آمدن دولت آقای رئیسی می‌گذرد، مشاهده نکردم و اتفاقاً فکر می‌کنم که تصمیمات دولت بیشتر به التهاب بازار دامن می‌زند؛ به طور نمونه قیمت‌گذاری‌های دستوری و فشارهایی که به تولیدکننده‌ها وارد می‌کنند. «تداوم سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی با فشار مجلس، افزایش قابل توجه منبع مالیاتی برای سال آینده، فشار تسهیلات تکلیفی به بانک‌ها، عدم توفیق در کنترل هزینه‌های دولت و طبیعتاً نیاز به برداشت از منابع بانک مرکزی

و بانک‌های تجاری و همچنین فروش اوراق برای تامین این هزینه‌ها»، همگی روی بازار پول اثر خواهد گذاشت، که البته نشان داده، بخش مهمی از این تورم مربوط به کسری بودجه دولت است. تمام اینها برون‌دادهای چند ماه گذشته است و تنها توفیقی که دولت سیزدهم داشته اینک چون بازار، توافق را نزدیک می‌بیند، از التهاب آن کاسته شده، البته همچنان در فاز انتظار به سر می‌برند. یعنی اگر این خبر بر بازار ارز تاثیر نمی‌گذاشت، امروز نرخ دلار قطعاً از ۳۰ هزار تومان گذشته بود، یا قیمت مسکن و اجاره‌ها می‌توانست بارشده بیشتری ادامه پیدا کند و بازار خودرو و طلا هم به همین ترتیب افزایش داشتند. بنابراین اخبار توافق می‌تواند فرشته نجات این دولت و اقتصاد برای کوتاه‌مدت باشد.



کامل از بن بست خارج می شود؟

به نظر تان آیا با احیای توافق، اقتصاد ایران به طور

آثارش را کوتاه مدت می بینم، خیلی بستگی دارد به اینکه جنگ اوکراین به کجا می رسد و بعد از آن سرنوشت روسیه چطور می شود. روسیه اگر بتواند به بازارهای جهانی نفت و گاز و بقیه مواد اولیه ای که صادر می کند برگردد و کماکان در این بازار حضور داشته باشد و همین میزان عرضه را داشته باشد، قیمت نفت و گاز و سایر مواد اولیه باز هم روند نزولی را خواهند داشت، اما اگر تنش های بیشتر بالا بگیرد و قیمت ها همینطور بالا برود، می تواند به ایران در آن مقطع کمک کند. به هر حال حمله روسیه به اوکراین برای کشورهای نفت خیز یک توفیق اجباری شده است، بالا رفتن قیمت نفت درآمدهای آنها را به صورت غیرمترقبه ای افزایش داده و در کوتاه مدت به نفعشان است. اما برای کشوری مثل ایران که متاسفانه برای مصارف ارزی خود منبع قابل اعتنایی به غیر از مصارف ارزی خود دولت و نرخ ارز و رزاد ندارد، تنها از حیث اینکه بخشی از کسری بودجه دولت را می پوشاند، شاید خوب باشد اما قطعاً مخمل صادرات و محل تولید خواهد شد و طبیعتاً ما را دوباره به ورطه وابستگی می اندازد.

افزایش قیمت نفت تا آنجا که کمک دولت آمده برای

اینکه بتواند بخشی از کسری بودجه اش را جبران کند، فکر می کنید این روند ادامه دار باشد و این که دولت بتواند به آن هدفی که از فروش نفت در بودجه در نظر گرفته دست پیدا کند یا مثل دولت قبلی منجر به کسری بودجه می شود؟

این موضوع بستگی دارد به اینکه بحران اوکراین چقدر طول بکشد و کشورهای غربی چقدر در تحریم روسیه جدی باشند. اگر بحران اوکراین زیاد طول بکشد و کشورهای غربی تحریم را ادامه دهند و تقویت کنند، این امکان وجود دارد که سال آینده به میزان فروشی که در بودجه دیده شده و مجلس هم آن را افزایش داده؛ برسیم.

ارزیابی تان از دیگر بازارها چیست؟

انرژی اصولاً تعیین کننده قیمت بقیه مواد اولیه است، به دلیل اینکه بسیاری از این مواد اولیه در فرآیند تولید یا در فرآیند حمل و نقلشان از انرژی و نفت استفاده می کنند و اگر نفت گران باشد، آنها هم گران تمام می شوند و میزان قیمت تمام شده آن ها بالا می رود و به همین جهت قیمتشان در بازار هم افزایش پیدا می کند. همچنین بسیاری از این مواد اولیه شامل حامل های انرژی مانند بنزین، گاز و تیل یا محصولات پتروشیمی که به صورت مستقیم از نفت و گاز تولید می شوند که با بالا رفتن قیمت نفت به همین میزان افزایش قیمت پیدا می کنند. عوامل متعددی تاثیرات جزئی یا متوسطی روی نرخ این محصولات دارند، اما تنها عاملی که می تواند تاثیر منفی آشکاری در نرخ بقیه مواد و مواد اولیه در بازار بگذارد و مانع افزایش قیمت آنها شود، شرایط اقتصادی چین است. چین هم نابسامانی هایی در برخی از حوزه های اقتصادی اش دارد. حال از آنجایی که چین یک مصرف کننده بزرگ انرژی در دنیاست و دومین مصرف کننده انرژی بعد از آمریکا و اولین واردکننده انرژی، محسوب می شود، اگر احیاناً نابسامانی اقتصادی، چین را وارد دوره رکود کند، روی میزان تقاضا و تعادل قیمت به تناسب عرضه و تقاضا بسیار اثرگذار است. با توجه به این موضوع که قیمت نفت و سایر مواد اولیه بالا رفته، آثار منفی این افزایش قیمت در اقتصاد چین بروز پیدا کند، می تواند موجب کاهش رشد اقتصادی در چین شود و اگر در برخی از حوزه ها مانند مسکن که شرکت های بزرگ شرایط بسیار شکننده ای دارند، احیاناً ورشکست شوند، این موضوع می تواند دومینویی باشد که اقتصاد چین را در نورد و حتی به رکود هم ببرد. بنابراین تنها عاملی که می تواند این شرایط را تغییر دهد و ورق را برگرداند، اقتصاد چین است، هر چند باید اشاره کرد که این احتمال خیلی بالاییست، اما همچنان این امکان وجود دارد.



حمله روسیه به اوکراین برای کشورهای نفت خیز یک توفیق اجباری است؛ چراکه با بالا رفتن قیمت نفت درآمدهای ارزی آنها افزایش می یابد. اما برای ایران که منابع ارزی قابل اتکایی ندارد، تنها از حیث اینکه بخشی از کسری بودجه دولت را پوشش می دهد شاید خوب باشد

ایران در سال‌های تحریم چه میزان کالا صادر یا وارد کرده است؟

قفل تجارت باز شد



نشان می‌دهد همچنان واردات بیشتر از صادرات است. با این حال، هدف ۴۰ میلیارد دلاری صادرات سال ۱۴۰۰ محقق شده است. در مجموع اگرچه رشد تجارت ایران در نیمه اول سال ۱۴۰۰ قابل توجه بوده، اما این رشد به دلیل آسیب‌های ناشی از همه‌گیری و محدودیت‌های ناشی از تحریم در دو سال گذشته، هنوز به سطوح آمار ثبت شده در سال ۱۳۹۷ دست پیدا نکرده بود؛ اما تحولات مثبت تجارت کشور طی ۹ ماه منتهی به آذر سال جاری از جمله کاهش محدودیت‌های کرونایی، پیگیری

تجارت خارجی ایران در این سالها چگونه رقم خورد؟ نگاهی به کارنامه چهار ساله تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد، در ۹ ماه منتهی به آذر سال جاری ارزش تجارت کالایی کشور به ۷۲،۱ میلیارد دلار رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۷ رشدی ۸ درصدی داشته است. اما مساله این است، از کل ارزش تجارت کالا طی ۹ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ حدود ۳۵،۱ میلیارد دلار به صادرات و ۳۶،۹ میلیارد دلار به واردات اختصاص داشته است. این ارقام نشان از کسری تراز تجاری کالایی به میزان ۱،۸ میلیارد دلاری دارد. به عبارتی دیگر، افت وخیز تجارت بیشتر متوجه بخش صادرات کشور بوده است. البته با وجود کاهش مستمر دوساله صادرات، رشد قابل ملاحظه ۴۰ درصدی ارزش صادرات تا پایان فصل پاییز سبب ارتقای صادرات به جایگاهی بالاتر از رقم سال ۱۳۹۷ به میزان ۱،۴ میلیارد دلار یعنی معادل رشد ۴،۲ شده است. از آنسو، نمای تجارت تا پایان ماه یازدهم سال جاری نیز نشان می‌دهد، تجارت خارجی به ۹۰ میلیارد دلار رسیده، که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۳۸ درصد رشد را داشته است. جزئیات این آمار هم

برنامه توسعه صادرات و ایجاد هماهنگی در مرزها با کشورهای مقصد تجاری، رشد ۸ درصدی ارزش تجارت ایران نسبت به سال ۱۳۹۷، همچنین رشد ۱۳،۴ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۸ با وجود افت مستمر دوساله را به دنبال داشته است.

نمای تجارت در ماه یازدهم

مطابق آمارها در ۱۱ ماه منتهی به بهمن امسال، حجم تجارت خارجی کشور به ۹۰ میلیارد دلار رسیده که سهم صادرات از این میزان بیش از ۴۳ میلیارد دلار است. همچنین روند تجارت در بهمن ماه نیز از جهش صادرات و واردات حکایت دارد. تجارت خارجی ایران در میانه زمستان از انجماد خارج شد و رشد کرد تا افزایش ۳۱ درصدی ارزش صادرات و ۱۲ درصدی ارزش واردات در کارنامه تجارت خارجی ماه یازدهم امسال نسبت به ماه گذشته آن ثبت شود.

در بهمن ماه سال ۱۴۰۰ نیز شاهد رشد صادرات و واردات نسبت به ماه گذشته بودیم. در ماه یازدهم، ۱۲ میلیون و ۶۵۷ هزار تن کالا به ارزش ۴ میلیارد و ۷۵۴ میلیون دلار به کشورهای هدف صادر شده است. این در حالی است که در دی ماه ۱۴۰۰ صادرات کشور ارزشی معادل ۳ میلیارد و ۶۱۹ میلیون دلار و وزنی معادل ۷ میلیون و ۶۶۳ هزار تن داشته است. ارزش صدور کالا در بهمن ماه نسبت به دی ماه امسال رشد ۳۱،۳ درصدی داشته است. از لحاظ وزنی نیز رشد بیش از ۶۵ درصدی ثبت شده است. البته ارزش صادرات در ماه یازدهم امسال نسبت به ماه یازدهم سال گذشته هم رشد بیش از ۵۱ درصدی داشته است. در سال گذشته ۸ میلیون و ۵۴۹ هزار تن کالا به ارزش ۳ میلیارد و ۱۳۵ میلیون دلار به کشورهای هدف صادر شده بود. همچنین در بهمن ماه سال ۹۸ نیز صادرات ایران به بازارهای هدف وزنی معادل ۱۰ میلیون و ۷۱۴ هزار تن و ارزشی معادل ۳ میلیارد و ۳۲۸ میلیون دلار داشته است. ارزیابی‌های صورت گرفته از کالاهای وارد شده به

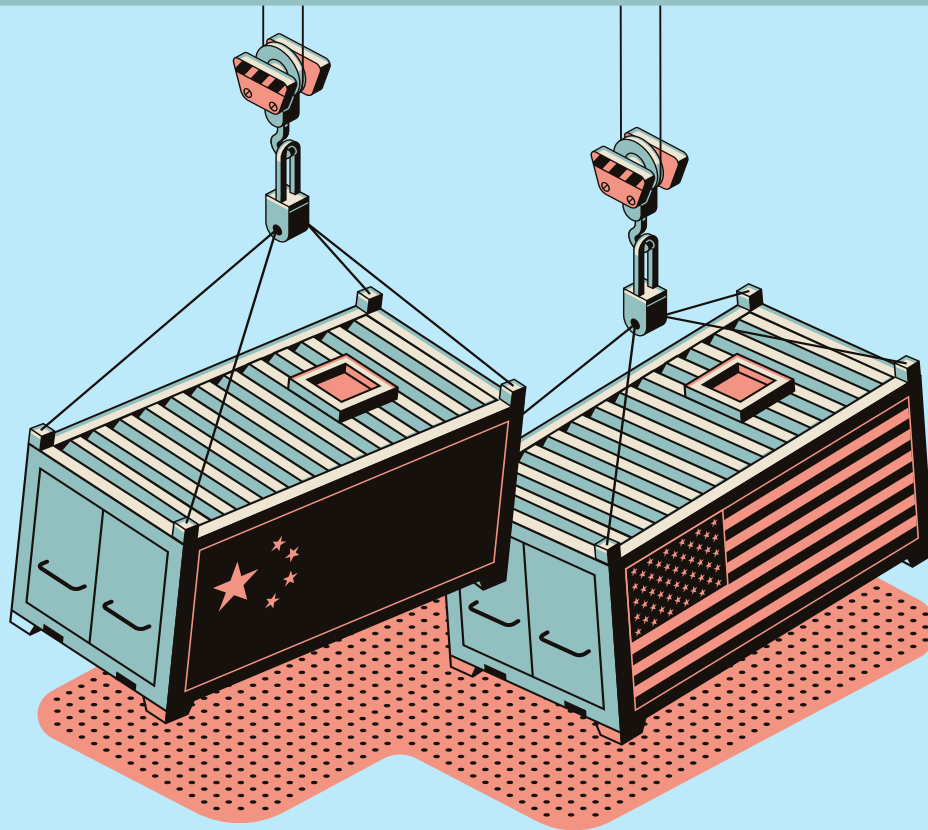
کشور نیز بیانگر آن است که در ماه یازدهم امسال ۳ میلیون و ۷۷۷ هزار تن کالا به ارزش ۵ میلیارد و ۱۰۴ میلیون دلار به کشور وارد شده است. ارزش کالاهای وارد شده به کشور در ماه بهمن نسبت به دی ماه رشد بیش از ۱۲ درصدی را تجربه کرده است.

واردات در دی ماه ارزشی معادل ۴ میلیارد و ۵۳۰ میلیون دلار داشته و وزن آن نیز به ۲ میلیون و ۸۸۱ هزار تن رسیده بود. بررسی‌ها همچنین حکایت از آن دارد که واردات بهمن ۱۴۰۰ رشد بیش از ۳۸ درصدی از نظر ارزش را نسبت به بهمن سال گذشته تجربه کرده است. چراکه در بهمن ماه سال ۱۳۹۹ ارزش واردات به ۳ میلیارد و ۶۸۲ میلیون دلار می‌رسید و وزن آن نیز ۲ میلیون و ۵۶۹ هزار تن ثبت شده بود. واردات در بهمن سال ۱۳۹۸ معادل ۳ میلیون و ۹۸۸ هزار تن کالا به ارزش ۴ میلیارد و ۶۶ میلیون دلار بود. آب شدن یخ تجارت در بهمن ماه در حالی اتفاق افتاده، که ارزش صادرات در این ماه نسبت به بهمن سال ۹۹ نیز بیش از ۵۱ درصد و ارزش واردات در بهمن امسال نسبت به بهمن سال گذشته نیز بیش از ۳۸ درصد رشد داشته است.

تجارت به مرز ۹۰ میلیارد رسید

در مجموع آمار یازده ماهه صادرات نشان می‌دهد، ارزش کالاهای صادر شده از ۴۰ میلیارد دلار گذشته و به بیش از ۴۳ میلیارد دلار رسیده است که بیانگر عبور ارزش صادرات از رقم هدف گذاری شده (۴۰ میلیارد دلار) است. بر اساس جدیدترین آمار منتشر شده از سوی گمرک ایران، در یازده ماه امسال تجارت خارجی به ۹۰ میلیارد دلار رسیده، که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۳۸ درصد رشد را نشان می‌دهد. جزئیات این آمار نشان می‌دهد، همچنان واردات بیشتر از صادرات است. بنابر اعلام معاون فنی گمرک، وزن کالاهای مبادله شده بین ایران و کشورهای طرف معامله آن در مدت مذکور ۱۴۹ میلیون و ۴۰۰ هزار

آب شدن یخ تجارت در بهمن ماه در حالی اتفاق افتاده، که ارزش صادرات در این ماه نسبت به بهمن سال ۹۹ نیز بیش از ۵۱ درصد و ارزش واردات در بهمن امسال نسبت به بهمن سال گذشته نیز بیش از ۳۸ درصد رشد داشته است



بررسی‌های آماری نشان می‌دهد، فراز و فرودهای تجارت خارجی کشور طی سه سال اخیر ناشی از خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ و تشدید تحریم‌ها و همچنین شیوع ویروس کرونا از اواخر سال ۱۳۹۸ بیشتر متوجه بخش صادرات کشور بوده است.

رشد بیش از ۴۰ درصدی صادرات و دستیابی به ارزش ۳۵ میلیارد دلار در ۹ ماه منتهی به آذر سال ۱۴۰۰ در حالی رقم خورده، که صادرات ۳۳،۷ میلیارد دلار کشور در مدت مشابه سال ۱۳۹۷ با کاهش ۶،۵ درصدی به ۳۱،۵ میلیارد دلار در ۹ ماه منتهی به آذر سال ۱۳۹۸ و همچنین با کاهش شدید ۲۰،۵ درصدی به ۲۵ میلیارد دلار در ۹ ماه منتهی به آذر سال ۱۳۹۹ رسیده بود.

با تکیه بر این آمارها و با وجود کاهش مستمر دوساله صادرات، رشد قابل ملاحظه ۴۰ درصدی ارزش صادرات کشور تا ماه نهم سالجاری سبب ارتقای صادرات به جایگاهی بالاتر از رقم سال

با وجود کاهش مستمر دوساله صادرات، رشد ۴۰ درصدی ارزش صادرات تا ماه نهم سالجاری سبب ارتقای صادرات به جایگاهی بالاتر از رقم سال ۱۳۹۷ به میزان ۱.۴ میلیارد دلار یعنی معادل رشد ۴.۲ شده است

تن بود که نسبت به یازده ماه سال گذشته ۱۲ درصد افزایش داشت. به گفته فرود عسگری از این میزان ۱۱۲ میلیون و ۶۵۸ هزار تن کالا به ارزش ۴۳ میلیارد و ۵۱۷ میلیون دلار سهم کالاهای صادراتی بود که رشد ۱۰ درصدی در وزن و ۴۰ درصدی در ارزش آنها را شاهد هستیم. معاون امور گمرکی گمرک ایران در خصوص آمار واردات کالا در یازده ماه سال ۱۴۰۰ نیز اعلام کرده که در این مدت ۳۶ میلیون و ۷۷۷ هزار تن کالا به ارزش ۴۶ میلیارد و ۵۷۷ میلیون دلار از کشورهای مختلف وارد ایران شد که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۹ درصد در وزن و ۳۶ درصد در ارزش رشد داشته است. عمده واردات کشورمان در این مدت را «کالاهای اساسی، نهاده‌ها، ماشین‌آلات تولید، دارو و ملزومات پزشکی و...» تشکیل داده است.

🔴 فضای تجارت خارجی از ۹۷ تا ۱۴۰۰

اما برگردیم به کمی قبل تر و باهم کارنامه تجارت خارجی ایران را از سال ۹۷ تا کنون مرور کنیم.

۱۳۹۷ به میزان ۱,۴ میلیارد دلار یعنی معادل رشد ۴,۲ شده است. علاوه بر این، تغییرات ارزش واردات کشور طی ۹ ماهه منتهی به آذر سالهای ۹۷ تا ۱۴۰۰ کمتر از صادرات بوده است؛ به طوری که رشد نزدیک به ۳۷ درصدی ارزش واردات کشور در ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۴۰۰ و دستیابی به ارزش ۳۶,۹ میلیارد دلار در حالی رقم خورده، که ارزش واردات از ۳۳ میلیارد دلار در ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۳۹۷ با کاهش ۳ درصدی به ۳۲ میلیارد دلار در ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۳۹۸ و با کاهش شدیدتر نزدیک به ۱۶ درصدی به ۲۷ میلیارد دلار در ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۳۹۹ رسیده است.

بر اساس گزارش موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، صادرات ارزان و واردات گران همچنان از ویژگی‌ها و جزء لاینفک تجارت ایران است. زیرا هنوز تمرکز بر صادرات کالاهای خام و مواد اولیه با ارزش افزوده پایین از دستور کار خارج نشده است. در ضمن واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که دارای ارزش افزوده بالاتری هستند و همچنین واردات کالاهای اساسی مانند غلات با ارزش و قیمت‌های جهانی قابل توجه، در لیست خریدهای ایران قرار دارد. در ۹ ماهه منتهی به آذر سال جاری صادرات کشور رشد ۳۰ درصدی در ارزش واحد صادراتی و واردات کالا نیز رشد ۱۵ درصدی را در ارزش واحد وارداتی تجربه کرده، اما در نهایت ارزش هر تن کالای صادراتی ۳۸۱ دلار و ارزش هر تن کالای وارداتی هزار و ۲۲۷ دلار بوده، که همچنان وجود شکاف زیاد بین ارزش واحد صادراتی و وارداتی را نشان می‌دهد. بررسی آماری نشان می‌دهد اگر ارزش هر تن کالای صادراتی معادل ارزش واحد وارداتی و با فرآوری و ارزش افزوده بالاتر بود، کل ارزش صادرات کشور طی ۹ ماهه منتهی به آذر می‌توانست معادل ۷۲,۴ میلیارد دلار باشد.

شرکای تجاری در فصل سوم

مهمترین مقاصد صادراتی ایران کدام کشورها بودند؟ در ۹ ماهه منتهی به آذر سال جاری، عمده‌ترین مقاصد صادراتی ایران به ترتیب کشورهای چین ۲۹ درصد، عراق ۱۹,۳ درصد، ترکیه، امارات متحده عربی ۹,۸ درصد و افغانستان ۴ درصد بوده است. اما عمده‌ترین مبادی وارداتی به ترتیب کشورهای امارات متحده عربی ۳۱ درصد، چین نزدیک به ۲۹ درصد، ترکیه ۱۰ درصد، آلمان ۳,۷ درصد و سوئیس ۳,۴ درصد گزارش شده است. به‌طور کلی، تمرکز مقاصد صادراتی کشور بیش از مبادی وارداتی است، اما در ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۴۰۰ نسبت به مدت مشابه سال‌های گذشته تمرکز بازارهای صادراتی ایران اندکی کاهش یافته و در مقابل تمرکز مبادی وارداتی کاهش نامحسوسی داشته است.

همچنین مطابق گزارش‌های آماری سازمان توسعه تجارت کشور، سهم پنج مقصد مهم صادراتی به عددی حدود ۷۳,۸ درصد رسیده است. این سهم در مدت مشابه سال ۱۳۹۹ معادل ۷۶,۵ درصد و در سال ۱۳۹۸ معادل ۷۳,۹ درصد بوده است. در خصوص مبادی وارداتی نیز مشاهده می‌شود که سهم پنج مبادی مهم وارداتی کشور در ۹ ماهه منتهی به آذر سال جاری به ۷۱ درصد رسیده است، در حالیکه در مدت مشابه سال ۱۳۹۹ معادل ۷۱ درصد و برای سال ۱۳۹۸ معادل ۷۰ درصد بوده است. بنابراین آمارها، ترکیه در سال‌های اخیر مقصد بیش از ۱۰ درصد از صادرات کالاهای غیرنفتی کشور بوده و از این بابت شریک مهم تجاری ایران محسوب می‌شود. در سال گذشته به دلیل مسائل و مشکلات مختلف از جمله انسداد مرزها، سهم این کشور در صادرات غیرنفتی ایران تا پایان ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۳۹۹ به حدود ۷,۵ درصد کاهش یافت و با صادراتی به ارزش ۱,۸ میلیارد دلار در جایگاه چهارم مقاصد صادراتی قرار گرفت.

اما در ۹ ماهه منتهی به آذر سال جاری با افزایش بیش از دو برابری و دستیابی به صادرات بیش از ۴ میلیارد دلاری و سهم ۱۱,۷ درصدی به جایگاه سوم در بین مقاصد صادراتی ایران رسیده است. در این میان، امارات متحده عربی که مقصد بیش از ۵ میلیارد دلار در ۹ ماهه منتهی به آذر سال ۱۳۹۸ بوده است، در ۹ ماهه سال جاری به ۳,۴ میلیارد دلار کاهش یافته و رتبه چهارم پس از ترکیه را به خود اختصاص داده است.

رصد جزئیات واردات از شرکا

نکته قابل تامل در این گزارش، رصد واردات در نیمه اول سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل است که نشان می‌دهد، افزایش واردات از کشورهای امارات متحده عربی ۸۲ درصد، چین ۲۰ درصد، ترکیه ۲۴ درصد، آلمان ۴ درصد و سوئیس ۱۳۱ درصد است. با توجه به افزایش رشد ارزشی و کاهش رشد وزنی واردات به جز مورد امارات متحده عربی در خصوص واردات از چین، ترکیه و آلمان با افزایش نسبی کیفیت اقلام وارداتی نیز همراه بوده است. کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در صدر تامین نهاده‌ها و مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور همواره محرک رشد تولید و صادرات بوده است. در ۹ ماهه منتهی به آذر سال جاری ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای به ۲۶,۲ میلیارد دلار و کالاهای سرمایه‌ای به ۴,۹ میلیارد دلار رسیده است. ارزش واردات این کالاها که در مدت مشابه سال گذشته به ترتیب به ۱۹,۶ میلیارد دلار و ۳,۸ میلیارد دلار بود با افزایش ۳۷ و ۳۵ درصدی مواجه شد. اگرچه ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای نسبت به سال ۱۳۹۷ معادل ۲۱,۶ میلیارد دلار افزایش را نشان می‌دهد، اما هنوز ارزش واردات کالاهای سرمایه‌ای به ارزش سه سال قبل یعنی سال ۱۳۹۷ معادل ۵,۲ میلیارد دلار رسیده است.



رئیس گمرک ایران تشریح کرد مسیر جدید برای رسوب زدایی کالا

محصولات صادراتی ایران از ۸ کشور برگشت خورد

تجارت از انجماد خارج شد. این را رئیس گمرک ایران می‌گوید. با اعلام علیرضا مقدسی، روند تجارت در بهمن ماه از جهش صادرات و واردات حکایت دارد. بنابراین آمار اعلامی، سهم صادرات از این میزان بیش از ۴۳ میلیارد دلار عنوان شده، که افزایش ۳۱ درصدی ارزش صادرات و ۱۲ درصدی ارزش واردات نسبت به دیماه در کارنامه تجارت خارجی ماه یازدهم ثبت شده است. تحلیل آمارها، گویای آنست که تجارت خارجی ایران در میانه زمستان از انجماد خارج و رشد کرده است. رئیس گمرک، همچنین موجودی کالای اساسی در گمرکات را تا هفدهم بهمن ماه ۴,۹۶۸ میلیون تن اعلام می‌کند، که برای کاهش ماندگاری کالاها اقداماتی چون «ارائه خدمات شبانه روزی جهت تسهیل و تسریع در ترخیص کالاهای اساسی، ادامه تسهیلات ترخیص درصدی، پیگیری کاهش زمان صدور مجوزهای قانونی، ارائه تسهیلات ۱۸ گانه به فعالان مجاز اقتصادی و ارائه انبارهای اختصاصی برای متقاضیان واجد شرایط و واحدهای تولیدی» در دستور کار است. اما جدیدترین تصمیم گمرک را می‌توان تشکیل «قرارگاه تسهیل تشریفات گمرکی و جلوگیری از ماندگاری و ایستایی کالا» دانست. رئیس گمرک در بخش دیگری از اظهاراتش از بازگشت محصولات صادراتی ایران شامل «محصولات کشاورزی، غذایی، شیلاتی و دامی» از هشت کشور «روسیه، آذربایجان، امارات، ترکیه، ارمنستان، عراق، هند و ازبکستان» خبر داد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

۱۷ درصد و از لحاظ ارزش ۳۴ درصد افزایش داشته است. در این مدت همچنین ۱۰۰ میلیون تن کالا به ارزش ۳۸ میلیارد و ۷۶۳ میلیون دلار از کشور صادر شد که به لحاظ وزن ۷ درصد و به لحاظ ارزش ۳۸ درصد رشد داشته است. کشورهای عمده مقصد صادراتی در مدت یادشده به ترتیب شامل «چین، عراق، ترکیه، امارات و افغانستان» بوده است. همچنین کشورهای عمده مبدأ واردات کالا به کشورمان در ۱۰ ماهه سالجاری به ترتیب شامل «امارات متحده عربی، چین، ترکیه، آلمان و سوئیس» بوده است. آمارها در ۱۱ ماه منتهی به بهمن امسال، هم نشانگر این است که حجم تجارت خارجی کشور به ۹۰ میلیارد دلار رسیده که سهم صادرات از این میزان بیش از ۴۳ میلیارد دلار است. البته سهم واردات از تجارت ۹۰ میلیارد دلاری، ۴۶ میلیارد و ۵۷۷ میلیون دلار ذکر شده است. همچنین در ماه یازدهم، ۱۲ میلیون و ۶۵۷ هزار تن کالا به ارزش ۴ میلیارد و ۷۵۴ میلیون دلار به کشورهای هدف صادر شده و در مقابل ۳ میلیون و ۷۷۷ هزار

با توجه به نزدیک شدن به پایان سال ۱۴۰۰؛ وضعیت

تجارت خارجی کشور چگونه رقم خورده است؟

آمارها حاکی از رشد تجارت خارجی کشور در سالجاری نسبت به مدت مشابه سال قبل دارد، به گونه‌ای که تجارت خارجی کشور در ۱۰ ماهه امسال به ۱۳۳ میلیون تن و به ارزش ۸۰ میلیارد و ۲۳۶ میلیون دلار رسیده است. در ۱۰ ماهه امسال ۳۳ میلیون تن کالا به ارزش ۴۱ میلیارد و ۴۷۳ میلیون دلار وارد کشور شده که به لحاظ وزن

تن کالا به ارزش ۵ میلیارد و ۱۰۴ میلیون دلار به کشور وارد شده است. بنابراین باید اذعان کرد به رغم شرایط حاکم ناشی از تحریم های ظالمانه و محدودیت منابع ارزی و شرایط مربوط به محدودیت های کرونایی در جهان، وضعیت تجارت خارجی کشور در سال جاری رو به بهبود بوده است.

میزان محصولات برگشتی در ۱۰ ماهه امسال چقدر بوده و بیشتر چه محصولاتی را شامل می شود؟

از مجموع صادرات محصولات کشاورزی، غذایی، شیلیاتی و دامی به خارج از کشور تا ابتدای دیماه سال جاری تنها میزان ناچیزی از محصولات برگشت خوردند که بیشتر آنها هم شامل محصولات کشاورزی بوده است. باید این موضوع را در نظر داشت، همه کشورها یکسری استانداردهایی برای ورود کالا دارند که صادرکنندگان باید آنها را رعایت کنند.

کدام کشورها اقدام به برگشت محصولات ایرانی کردند؟

عمدتاً از کشورهای «روسیه، آذربایجان، امارات، ترکیه، ارمنستان، عراق، هندوآزبکستان» بوده است.

هم اکنون یکی از مسائل مهم در ارتباط با گمرک، روند ترخیص کالاست؛ چه اقداماتی برای بهبود روند خروج کالا از گمرکات و بنادر انجام شده است؟

ورود کالا در مراحل مختلفی انجام می شود، وقتی کالا ثبت سفارش و از مبدأ به سمت کشور به عنوان رویه واردات حرکت می کند، در مرحله اول در لنگرگاه، بعد اسکله، تخلیه، بارگیری و در نهایت اظهار کالا صورت می گیرد؛ بعد از اظهار کالا مسوولیت گمرک با اخذ مجوزهای الکترونیکی (برای برخی کالاها بین یک تا چند مجوز) شروع می شود. برای اظهار کالا تشریفات گمرکی انجام می شود ولی ترخیص کالا منوط به اخذ کد رهگیری تخصیص بانک است؛ براین اساس می توان کار تشریفات گمرکی را انجام داد و برای کاهش ماندگاری کالا یکسری تسهیلات را در نظر گرفتیم. «ارائه خدمات شبانه روزی جهت تسهیل و تسریع در ترخیص کالاهای اساسی، ادامه تسهیلات ترخیص در صدی، پیگیری کاهش زمان صدور مجوزهای قانونی، ارائه تسهیلات ۱۸ گانه به

فعالان مجاز اقتصادی و ارائه انبارهای اختصاصی برای متقاضیان واجد شرایط و واحدهای تولیدی» جزو مهم ترین تسهیلاتی است که در دستور کار گمرک ایران قرار دارد. از جدیدترین تصمیمات گمرک در حوزه تسهیل تشریفات گمرکی نیز، تشکیل قرارگاه تسهیل تشریفات گمرکی و جلوگیری از ماندگاری و ایستایی کالا است. این قرارگاه با تشکیل جلسات هفتگی، رصد بررسی و تحلیل موانع تسهیل تشریفات گمرکی و عوامل ایجاد ایستایی و ماندگاری کالا در گمرکات به خصوص کالاهای اساسی را بررسی می کند و با ارائه پیشنهادهای راهکارهای مناسب موجبات افزایش سرعت ترخیص و کاهش دپوی کالاها را فراهم خواهند کرد.

میزان موجودی کالاهای گمرکات و بنادر چقدر است؟

تا پایان آذرماه سال جاری، مجموع کالاهای اساسی

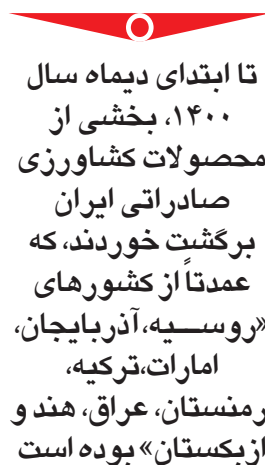
موجود در بنادر و گمرکات بالغ بر ۵،۸۶۹ میلیون تن بوده است که براساس آمار دریافتی در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۴۰۰، مجموع کالاهای اساسی بالغ بر ۴،۹۶۸ میلیون تن بوده که در مقایسه با تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۴۰۰ به میزان ۹۰۱ هزار تن کاهش یافته است؛ البته میزان کالای موجود در انبار نیز از ۳،۳۵۲ میلیون تن به ۳،۰۸۱ میلیون تن کاهش یافته است.

با راه اعلام شده گمرک در اتصال به سامانه جامع تجارت همسکاری لازم را ندارد، الان وضعیت این ارتباط چگونه و در چه مرحله ای قرار دارد؟

در خصوص اتصال گمرک به سامانه تجارت خارجی باید عرض کنم که ما رویکرد گمرک را شفاف اعلام کردیم، رویکرد گمرک این است که از بخشی نگری پرهیز کنیم. هم اکنون یک سامانه تجارت خارجی وجود دارد که همه اطلاعات و سامانه دستگاه های دخیل در امر تجارت باید به این سامانه متصل شوند و تبادل اطلاعات داشته باشند، تا بتوانیم خروجی مناسب در عرصه تجارت خارجی داشته باشیم. گمرک ایران که بیشترین اطلاعات و سامانه ها را دارد، در این خصوص ۶ تکلیف را احصا کرده است که براساس این ۶ تکلیف بتوانیم به صورت ۱۰۰ درصدی اطلاعات و سامانه های گمرک را با این سامانه هماهنگ و منسجم کنیم، که این موضوع نهایتاً به نفع مردم است و باعث کاهش هزینه های تجارت، افزایش سرعت کار و ارائه تسهیلات بیشتر به ذینفعان خواهد شد.

برخی از فعالان اقتصادی، کارشناسان مجازی را سدی بر سر راه تولید و تجارت می دانند و گلابه مند بودند که فرآیند کار به کندی پیش می رود؛ از همین رو، عنوان شده که کارشناسان مجازی حذف خواهند شد، آیا قرار است چنین اتفاقی رخ دهند؟

کارشناس مجازی به جز در مورد کالاهای اساسی نه تنها حذف نخواهد شد، بلکه براساس جلسه اخیر که در حوزه معاونت امور گمرکی برگزار شد، مقرر شده است، تعداد کارشناسان مجازی افزایش یابد و دستورالعمل شرح وظایف کارشناسان مجازی بازنگری گردد. کارشناس مجازی در زمینه کالاهای اساسی برای اینکه سرعت کار در انجام تشریفات گمرکی افزایش یابد، در حال حاضر برداشته شده است.





و متقاضیان بازار مسکن می‌گذرد؛ آنهم در شرایطی که مذاکرات برجام در وین در جریان است. برخی از تحلیلگران، از رفتار ریزشی بازار پس از توافق وین سخن می‌گویند. برخی دیگر از کارشناسان بازار مسکن هم معتقدند، از لحاظ روانی بازار مسکن در همان ابتدای احیای برجام با شوک روبرو خواهد شد که طبیعی است اما با توجه به اینکه اقتصاد ایران بسیار تورم‌زده است، بعد از مدت کوتاهی دوباره قیمت‌ها به سر جای خود باز خواهند گشت و تطبیق‌پذیری اقتصادرخ خواهد داد. گروه دیگری هم هستند که می‌گویند، در صورتیکه که توافق موقت و یا محدودی بین دو طرف به امضا برسد، این موضوع نمی‌تواند اثر گذاری زیادی بر روی کاهش قیمت بازار مسکن داشته باشد.

📌 قیمت مسکن در زمستان ۱۴۰۰

در هفته‌های گذشته اغلب اخبار منتشر شده حول مذاکرات مثبت بود یا اینکه دست کم منفی نبود؛ بنابراین با توجه به حساسیت بالای بازار مسکن به

چرا دولت در بازار ملک دخالت نمی‌کند؟

قیمت مسکن بر سه راهی

بر اساس تازه‌ترین گزارش رسمی بانک مرکزی از تحولات بازار مسکن، میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان مسکونی در پایتخت در معاملات بهمن ۳۳ میلیون و ۶۰ هزار تومان است. همچنین گزارش رسمی از تحولات بازار مسکن پایتخت در این بازه زمانی نشان می‌دهد، قیمت مسکن تقریباً در جازده و تغییرات آن نسبت به دی‌ماه در حد ریزنوسان ۰,۴ درصدی بوده است. به نظر می‌رسد ایست قیمت مسکن ناشی از ضرب آهنگ خروج از بازار است که تحت تاثیر اخبار مثبت حول وضعیت متغیر برون‌زای موثر بر بازار مسکن یعنی مذاکرات رفع تحریم‌ها، توسط متقاضیان مسکن نواخته می‌شود. حال اینکه چه سرنوشتی در انتظار بازار مسکن است؟ سوالی است که در روزهای پایانی سال از ذهن بسیاری از خریداران

این متغیر بیرون‌زا فروشنده‌تر شدن فروشنده‌ها از یکسو و خونسردی بیش از پیش متقاضیان مسکن از سوی دیگر دور از ذهن نبود. در این شرایط گروهی از سرمایه‌گذاران ملکی ترجیح می‌دهند با توجه به اینکه بلندمدت شدن دوره ثبات قیمت در بازار مسکن را محتمل می‌دانند، از بازار خارج شده و سرمایه خود را روانه بازار دیگری کنند که پربازده‌تر به شمار می‌آید. از طرفی خریداران مسکن نیز عجله‌ایی برای معامله ندارند و حتی امید به افت قیمت اسمی مسکن در ماه‌های اخیر در میان آنها تقویت شده، که در نتیجه عزم به خروج موقت از بازار مسکن کرده‌اند.

گزارش تحولات بازار مسکن در شهر تهران که از سوی بانک مرکزی منتشر شده، بیانگر این است که در بهمن ماه متوسط قیمت خرید و فروش یک مترمربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی تهران ۳۳ میلیون و ۶۰ هزار تومان بوده که نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۰.۴ درصد و ۱۶.۴ درصد افزایش دارد. علاوه بر این، تعداد معاملات انجام شده در این ماه حدود ۸.۵ هزار فقره بود که نسبت به ماه قبل ۱۳.۱ درصد کاهش و در مقایسه با ماه مشابه در سال گذشته ۱۱۷.۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد و بررسی توزیع تعداد واحدهای مسکونی معامله شده در شهر تهران به تفکیک عمر بنا حاکی از آن است که واحدهای تا پنج سال ساخت با سهم ۳۳.۶ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که در میان مناطق ۲۲گانه شهر تهران بیشترین قیمت هر متر خانه ۷۰ میلیون و ۲۶۰ هزار تومان در منطقه یک و کمترین آن با ۱۵ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان در منطقه ۱۸ بوده، که هر یک از آن‌ها با افزایش ۱۷.۳ درصدی در منطقه یک و ۳۰.۷ درصدی در منطقه ۱۸ مواجه شده‌اند.

گزارش رسمی از تحولات بازار مسکن پایتخت در بهمن همچنین حاکی از این است، که قیمت مسکن در این ماه تقریباً در جا زده و تغییرات آن نسبت به دی‌ماه در حد ریزنوسان ۰.۴ درصدی بوده است. به بیان دیگر، سطح قیمت میانگین در معاملات مسکن ثبت شده طی یک ماه بهمن

فقط حدود ۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. در بهمن ماه همچنین معاملات مسکن با قدری افت روبه‌رو بوده و در تهران ۸ هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی فروخته شده است. به این ترتیب حجم معاملات مسکن با افت ماهانه ۱۳ درصدی و در عین حال رشد نقطه‌ای ۱۱۷ درصدی همراه بوده است. این در حالی است که در دی‌ماه حجم معاملات مسکن به نزدیکی مرز ۱۰ هزار فقره رسیده بود.

ایست قیمت مسکن در یازدهمین ماه از سال ۱۴۰۰ ناشی از افزایش فروشنده‌ها و کاهش حضور موثر متقاضیان خرید خانه در بازار است؛ اما همچنان تعداد خریداران حاضر در بازار مسکن کم نیست و به همین خاطر حجم معاملات ثبت شده در این ماه نسبت به ماه مشابه پارسال ۱۱۷ درصد افزایش یافته است. سال گذشته شرایط تورمی بازار مسکن با وجود رکود معاملات متوقف نشده بود و همچنان فاصله سطح قیمت‌ها از میزان استطاعت متقاضیان مسکن در حال افزایش بود؛ در نتیجه حجم معاملات مسکن با وجود اینکه قاعدتاً باید دمای معاملات در شب عید افزایش می‌یافت، اما فقط سه هزار و ۹۰۰ فقره آپارتمان در تهران فروخته شد. اما امسال به دلیل برقراری ثبات نسبی در قیمت‌ها قاعدتاً عده بیشتری از خریداران مصرفی مسکن در مقایسه با بهمن پارسال توانسته‌اند وارد بازار معاملات شوند.

بازار مسکن از ۹۷ تا ۱۴۰۰

بازار مسکن افزایش شدید قیمتی را طی سه سال گذشته تجربه کرده، بطوریکه ارزیابی‌های «بازار پول» نشان می‌دهد، قیمت مسکن در بهمن ماه سال ۹۷ برابر با ۹,۹۷ میلیون تومان بوده که در بهمن ماه سال ۹۸ به ۱۴,۴ میلیون تومان، در بهمن ماه سال ۹۹ به ۲۸,۳۹۰ میلیون تومان و در بهمن ماه سال جاری به ۳۳,۰۶۰ میلیون تومان افزایش یافته است. تحلیل داده‌ها نشان از این دارد، که نرخ رشد مسکن در بهمن ۹۸ نسبت به بهمن ۹۷، برابر با ۴۴ درصد و این نرخ رشد در بهمن ۹۹ نسبت به بهمن ۹۸، برابر ۹۷ درصد بوده است. در همین حال، نرخ رشد مسکن در بهمن ۱۴۰۰ نسبت به بهمن ۹۹ برابر با ۱۶,۴ درصد اعلام

**خریداران مسکن
عجله‌ایی برای معامله
ندارند و حتی امید به
افت قیمت اسمی مسکن
در ماه‌های اخیر در
میان آنها تقویت شده،
که در نتیجه عزم به
خروج موقت از بازار
مسکن کرده‌اند**

شده است. این مقایسه آماری حاکی از این است که قیمت در این چند سال اخیر، چندین برابر شده است. از سوی دیگر، بررسی هان نشان می‌دهد، در بازار مسکن سال ۹۹ اکثریت متقاضیان خرید مسکن از جنس سرمایه‌گذار بودند و عده اندکی از سفته‌بازان نیز همچنان در بازار مسکن حضور داشتند که تعدادشان نسبت به سال ۹۸ به مراتب کمتر بود. به این ترتیب زمستان پارسال خریداران مصرفی کم‌تعدادترین معامله‌گران به شمار می‌آمدند. اما زمستان امسال جای اقلیت و اکثریت خریداران تغییر کرده است، طوری که سفته‌بازان تقریباً بازار را ترک کرده‌اند و تعدادشان به نزدیک صفر رسیده است؛ اما سرمایه‌گذاران همچنان در بازار مسکن حضور دارند، هر چند تعداد آنها به مراتب از خریداران مصرفی حاضر در بازار کمتر است. در حال حاضر بیشترین تعداد خریداران مسکن حاضر در بازار بر اساس نتایج تحقیقات میدانی، معامله‌گران مصرفی بازار مسکن از قبیل متقاضیان تبدیل به احسن و نیز گروهی از خانه اولی‌ها هستند که خود را به وام افزایش یافته اوراق مسکن مجهز کرده و برای خرید آپارتمان متناسب با بودجه خود وارد بازار شده‌اند.

آیا سقوط قیمت در راه است؟

بانگه به این آمارها، این پرسش مطرح است که نمودار قیمتی مسکن در سال آتی چگونه رقم خواهد خورد؟ کارشناسان بازار مسکن، مهمترین عامل تأثیرگذار بر روی بازار مسکن را احیای توافق می‌دانند؛ چراکه به گفته آنها، اگر مذاکرات به نتیجه

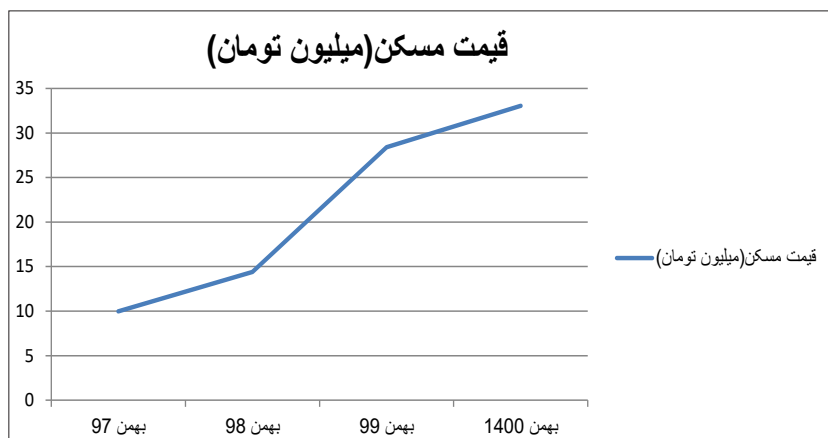
برسد، به تبع این موضوع دلار نیز می‌تواند با کاهش قیمت روبرو شود. اما در مورد اینکه با احیای توافق قیمت مسکن به کدام سومیل پیدا می‌کند؛ نظرات متفاوتی وجود دارد؛ برخی از ریزش قطعی قیمت مسکن می‌گویند. آنها اعتقاد دارند اگر برجام احیا شود، مسکن بزرگ‌ترین ریزش تاریخی خود را تجربه خواهد کرد. برخی هم این ریزش را سطحی می‌دانند و معتقدند در چنین صورتی نیز می‌توان انتظار داشت بازار مسکن با افت قیمت قابل توجهی روبرو باشد. عده‌ای هم هستند که بر این باورند، کاهش قیمت مسکن تحت تأثیر احیای برجام رقم خواهد خورد و در آن صورت است که می‌توان انتظار داشت که تمامی بازارهای سرمایه‌ای از جمله مسکن با افت روبرو شوند، اما در صورتیکه که توافق موقت و یا محدودی بین دو طرف به امضا برسد، این موضوع نمی‌تواند اثر گذاری زیادی بر روی کاهش قیمت بازار مسکن داشته باشد.

در این میان برخی از تحلیلگران بازار مسکن می‌گویند: همه انتظار دارند با احیای توافق هسته‌ای، وضع اقتصادی کشور از این بدتر نشود و یک اعتمادی به ثبات وضعیت به وجود آید، قدر مسلم اگر این اتفاق روی بدهد می‌توان انتظار داشت به مانند زمان پایان جنگ و تصویب قطعنامه ۵۹۸ بازار مسکن با یک ریزش قیمت قابل توجهی روبرو شود. البته باید این را در نظر داشت که کنترل انتظارات تورمی در گرو رسیدن به یک توافق مناسب است، حال اگر چنین اتفاقی رخ ندهد، قدر مسلم افزایش انتظارات تورمی نه تنها بازار مسکن، بلکه تمامی بازارهای سرمایه‌ای کشور را در بر خواهد گرفت، که این موضوع می‌تواند تبعات بسیار جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احیای برجام و یا شکست در مذاکرات تأثیر بسیاری بر روی اقتصاد کشور خواهد گذاشت.

بازار پر از فروشنده می‌شود؟

با اینکه بازار مسکن هنوز در انتظار نتیجه مذاکرات وین نشسته است و تحلیل‌ها در این سمت و سو است که در صورت اعلام توافق وین، باید منتظر ریزش قیمت‌ها باشیم؛ تا جایی که رییس اتحادیه املاک در رابطه با بازار مسکن گفته: بازار فروش

برخی از ریزش قطعی قیمت مسکن می‌گویند. آنها اعتقاد دارند اگر برجام احیا شود، مسکن بزرگ‌ترین ریزش تاریخی خود را تجربه خواهد کرد. برخی هم این ریزش را سطحی می‌دانند



بازار مسکن رها شده!؟

باهمه اینها آنچه که مشخص است اینکه قیمت مسکن طی چند سال گذشته با افزایش چندین برابری روبرو بوده که این رشد قیمت دلایل مختلفی داشته، اما باید به این نکته توجه کرد که متأسفانه افراد سودجو و دلالان در بازار مسکن طی چند سال گذشته با خرید و فروش‌های صوری که بین خود انجام داده‌اند، موجبات آن را فراهم آوردند تا قیمت‌ها چندین برابر شود، بدون این که در عمل معامله‌ای انجام شود، از سویی این موضوع تأثیر بسیار بدی بر روی بازار گذاشته و وضعیت بازار مسکن را بسیار آشفته‌تر از گذشته کرده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که در تمامی کشورهای دیگر دولت‌ها در بازار مسکن دخالت کرده و آن را به نوعی مدیریت و کنترل می‌کنند، تا مانع از افزایش قیمت‌ها شوند، که این کار در اکثر موارد از طریق ابزار مالیاتی انجام می‌گیرد، اما در کشور ما در حالی که دولت در تمامی بازارهای مختلف حضور دارد، در تنها بازاری که دخالت نمی‌کند، مسکن است و به نوعی آن را به حال خود رها کرده و آن را در اختیار دلالان قرار داده‌اند، اگر قرار باشد چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بازار مسکن سمت و سوی درستی به خود بگیرد و به نوعی به آرامش برسد، بنابراین دولت باید این بازار را کنترل کرده و اجازه دلالی و سوداگری افراد سودجو را در بازار مسکن ندهند.

در انتظار نتیجه مذاکرات برجام است و با شوک مثبتی که توافقات به بازار وارد می‌کند، فایل‌های فروش در ماه‌های آینده افزایش خواهد داشت. به اعتقاد مصطفی قلی خسروی، بازار به سمت خریدار و قیمت رو به پایین به ثبات خواهد رسید. او درباره وضعیت بازار مسکن پس از توافق وین نیز در اظهاراتی عنوان کرده که ما باید بدانیم که با تلاش مسوولان، احتمال این که افزایش قیمتی در حوزه مسکن داشته باشیم، وجود ندارد. تازه اگر واقعا دولت یک برنامه مطلوب‌تری برسد و از طرف دیگر، دستور ریاست جمهوری در خصوص فروش مازاد املاک عملیاتی شود، به طور مسلم کاهش قیمت خانه را شاهد خواهیم بود. اما اینکه میزان کاهش قیمت مسکن تا میزان خواهد بود، پرسش مهمی است که کسی پاسخ قطعی نمی‌تواند به آن بدهد، اما بسیاری از کارشناسان بر افت قیمت تأکید دارند. برخی از تحلیلگران بازار مسکن هم عنوان می‌کنند در این سناریوی احیای برجام، افرادی طماع که پول و دلار را بلوکه کردند و ملک خریدند و احتکار کردند، قطعاً فروشنده خواهند شد و این بر افت قیمت در بازار مسکن اثرگذار خواهد بود. در این میان برخی هم می‌گویند اگر برجام اتفاق نیفتد و در صورت عدم هر گونه توافق، باز هم مسکن دارایی خوبی برای سال ۱۴۰۱ نیست، زیرا قیمت مسکن در بازار براساس دلار ۳۳ هزار تومانی است.



آمارها حکایت از افت فروش خودرو در یازده ماهه امسال دارد

غول‌های جاده مخصوص درجا زدند

خودروسازان بزرگ در شهر یور اوضاع بسیار بهتری را تجربه کردند، به نحویکه فروشی ۷۳ هزار و ۷۶۴ دستگاهی را از خود به جا گذاشته‌اند. این آمار نشان‌دهنده رشد ۳۰ درصدی فروش خودروسازان در شهر یور نسبت به مرداد است. در مهر اما فروش باز هم نزولی شده، به نحوی که خودروسازان بزرگ ۶۲ هزار و ۲۸۷ دستگاه محصول به فروش رسانده و نسبت به شهر یور حدود ۱۶ درصد محصول کمتری فروخته‌اند. در آبان هر چند فروش خودروسازان بهبود یافته، اما میزان آن کمتر از ۳ هزار دستگاه بوده است. فروش ۷۳ هزار و ۳۵۹ دستگاهی خودروسازان در آذر سبب شده آنها حدود ۱۳ درصد محصول بیشتری نسبت به آبان بفروشند. در دی ماه اما خودروسازان به قله فروش رسیده‌اند، چه آنکه با جهشی حدوداً ۵۰ درصدی، بالغ بر ۱۰۹ هزار دستگاه خودروی تولیدی را فروخته‌اند. با این حال اما آمار فروش در بهمن سقوط کرده و با افتی حدوداً ۴۳ درصدی به حدود ۶۲ هزار دستگاه رسیده است

صورت‌های مالی ۳ خودروساز بزرگ کشور نشان می‌دهد آنها در ۱۱ ماه امسال نزدیک به ۸۰۰ هزار دستگاه از محصولات خود را به فروش رسانده‌اند و این در حالی است که میزان تولید آنها حدوداً ۳۰ هزار دستگاه بیشتر بوده است. با توجه به این آمار، ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو نزدیک به ۴ درصد از تولید ۱۱ ماهه خود را تا پایان بهمن، روانه انبار کرده‌اند. همچنین آمار تولید ماهانه خودروسازان بزرگ کشور نشان می‌دهد آنها در بهمن و نسبت به دی، خودروی کمتری به فروش رسانده‌اند. طبق آمار ارائه شده به بورس، در دی ماه میزان فروش خودروسازان جاده مخصوص حدوداً ۱۱۰ هزار دستگاه بوده و این در حالی است که فروش آنها در بهمن به ۷۰ هزار دستگاه نیز نرسیده است. با توجه به آمار مربوطه، فروش خودروسازان بزرگ در دومین ماه زمستان و نسبت به ماه نخست این فصل، حدود ۴۳ درصد افت کرده است. به این ترتیب بادر نظر گرفتن اوضاع فروش خودروسازان از ابتدای سال تا پایان ماه یازدهم، مشخص می‌شود بیشترین میزان افت فروش در بهمن رخ داده، رکوردی که قبلاً به مرداد ماه اختصاص داشت.



گزارش‌های ارسالی به بورس، نشان از این دارد که بیشترین فروش تا پایان بهمن ماه امسال به ایران خودرو تعلق داشته که بیش از ۳۹۵ هزار دستگاه محصول فروخته، اما این گروه خودروسازی در مقایسه با ۱۱ ماه سال گذشته نزدیک به ۲/۵ درصد کاهش فروش داشته است. «سایپا» به عنوان دومین خودروساز بزرگ کشور نیز تا پایان بهمن امسال نزدیک به ۲۹۳ هزار و ۴۹۲ دستگاه خودروی سواری و وانت فروخته است، که نسبت به ۱۱ ماه مشابه سال گذشته حدود ۱۴ درصد فروش بیشتری داشته‌اند. در دیماه، فروش دومین خودروساز بزرگ ایران به ۴۱ هزار و ۶۶۲ دستگاه رسیده تا نسبت به آذر تقریباً دو برابر شود. در بهمن اما فروش سایپا افت سنگین ۳۹ درصدی را به خود دیده و به ۲۵ هزار و ۴۱۴ دستگاه رسیده است. در این میان، پارس خودرو و بالغ بر ۱۰۹ هزار دستگاه محصول سواری را در ۱۱ ماه امسال فروخته تا در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته حدود ۳۳ درصد رشد را تجربه کند. سومین خودروساز بزرگ ایران در بهمن، فروش پارس خودرو کمی بیش از ۵ هزار دستگاه بوده که نسبت به دی، ۶۰ درصد افت را نشان می‌دهد.

خودروسازان چقدر فروختند؟

ارزیابی‌های آماری حاکی از این است که در اردیبهشت، فروش آنها سقوط کرده و به ۴۰ هزار و ۵۲۱ دستگاه رسیده است. با این حساب، فروش سه خودروساز بزرگ (ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو) در اردیبهشت و نسبت به فروردین، ۴۰ درصد افت را تجربه کردند. در خرداد اما مجموع فروش به بالای ۷۸ هزار دستگاه رسیده تا خودروسازان ۹۵ درصد محصول بیشتری نسبت به اردیبهشت بفروشند. آمار فروش خودروسازان، در تیر به اوج رسیده و از ۱۰۰ هزار دستگاه هم عبور کرده است. با توجه به فروش ۱۰۲ هزار و ۲۲۳ دستگاهی خودروسازان در تیر، آنها نسبت به خرداد ۳۱ درصد بیشتر محصول فروخته‌اند. در مرداد اما دوباره فروش افت شدید کرده و به کمی بیش از ۶۰ هزار دستگاه رسیده تا تعداد محصولات فروخته شده توسط خودروسازان بزرگ در این ماه و نسبت به تیر، ۴۱ درصد افت کند.

عشق را به زندگی تبدیل کنیم



ماهک

مجمع خیرین

بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان

آیا می دانید تنها بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان

در شمال کشور

با همراهی و مشارکت شما عزیزان در حال احداث می باشد؟

شماره حساب:

۱۰۴۴۸۵۸۷۱۰۰۰ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات

۱۰۶۹۵۳۲۶۹۰۰۸ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی

۵۵۵۵/۹۱ (۵۵۴۷) قابل پرداخت در کلیه شعب بانک سپه

۴۳۰۱۳۶۳۰۸۷۱۸۳/۰۲ قابل پرداخت در کلیه شعب پست بانک

۹۲۰۱ - ۹۰۰۰ - ۶۹۱۹ - ۶۰۳۷ شماره سپهر کارت بانک صادرات

جهت عضویت در این عمل خیر خواهانه از تمامی اقشار مختلف جامعه دعوت به عمل می آید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ذیل تماس حاصل فرمایید.

دفتر مرکزی: ساری، خ فرهنگ، ساختمان شهریار ۳، طبقه ۶، واحد ۶۰۹

پاسخگویی ۲۴ ساعته: ۰۱۵۱-۲۲۰۰۵۵۰

بیمارستان (در حال احداث): ساری، بلوار پاسداران، ضلع غربی بیمارستان بوعلی سینا

www.maahak.org



BAHMAN

شرکت بهمن دیزل

EMPOWER

TRUCK FOR LIFE



 BahmanTrucks

www.bahman.ir